

نام کتاب: چشمه حیات،

نویسنده: احمد ابراهیمی هرستانی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
تقديم به اول مظلوم عالمِ إِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَ قَلِيدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ يَعْسُوبِ اللَّدَّيْنِ
عَلَى ابْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَام

حمد و سپاس خداوندی را که حمد را سر آغاز کتابش و باعث زیاد شدن
فضلش و دلیل بر انعام خود قرار داد و سلام بی پایان الهی به شریفترین و
عظیمترین بندگان و هادیان بشر، حضرت محمد و آل محمد علیهم السلام که
ما را به دین حنیف راهنمایی نمودند.

یکی از راههای معرفت و شناخت محمد و آل محمد علیهم السلام ورود به
اقیانوس فضائل و مناقب آنهاست به طوری که هر کس بدان رسید به علوم و
معارف و قدرت عظیم ولایت خواهد رسید. بر این اساس این رساله چشمه‌ای
از اقیانوس فضائل امام المومنین و قَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ - علی بن ابیطالب علیه
السلام - است که حیات دهنده به شیفتگان و عاشقان آن حضرت بوده و بر
این اوراق تنظیم گردیده است. علاوه بر آن برخی فضائل شیعیان و دوستان
آن حضرت را به طور خلاصه اشاره شده است.

این مجموعه تلاش کوچکی است در راستای معرفی بخشی از معارف
ولایت علوی به محبین آن حضرت علیه السلام. امید است که مورد عنایت
ایشان قرار گیرد.

در پایان لازم است از همکاری دلسوزانه و مشفقانه سرور ارجمند استاد
مکرم و معزز، جناب حجت‌الاسلام و المسلمین حاج سید مجید نبوی تشکر و
قدردانی نمایم که از ابتدای این رساله ما را مرهون یاری و مساعدت خود
نمودند.

مسکین آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم احمد ابراهیمی هرستانی

فضائل و مناقب مخصوص علی علیه السلام

بالاترین فضائل مخصوص علی علیه السلام است

... عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ ... قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «مَا اِكْتَسَبَ مُكْتَسَبٌ مِثْلَ فَضْلِ عَلِيٍّ، يَهْدِي صَاحِبَهُ إِلَى الْهُدَى وَ يَرُدُّهُ عَنِ الرَّدَى.» قَالَ أَخْرَجَهُ الطَّبْرَانِيُّ ^(١)

از عمر بن خطاب روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

هیچکس به اندازه علی علیه السلام به کسب فضایل نائل نیامده است، فضائل آن حضرت به اندازه‌ای است که هر کس به حقیقت آن برسد، او را به راه راست هدایت می‌کند و از گمراهی رهایی می‌بخشد.

«طبرانی» هم این روایت را نقل کرده است.

قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ مَنْصُورٍ الطُّوسِيُّ يَقُولُ؛ سَمِعْتُ أَحْمَدَ بْنَ حَنْبَلٍ يَقُولُ: مَا جَاءَ لِأَحَدٍ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مِنَ الْفَضَائِلِ مَا جَاءَ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ^(٢)

محمد بن منصور طوسی روایت کرده است که از احمد بن حنبل شنیدم که می‌گفت:

فضائلی که برای علی علیه السلام شمارش شده به اندازه‌ای است که برای هیچیک از صحابه‌ی پیغمبر، آنچنان فضائلی ذکر نشده است.

قَالَ ابْنُ عَسَاكِرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: مَا نَزَلَ فِي أَحَدٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى مَا نَزَلَ فِي عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ اخْرَجَ ابْنُ عَسَاكِرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: نَزَلَ فِي عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثَلَاثَ مِائَةِ آيَةٍ. ^(٣)

ابن عساکر از ابن عباس نقل کرده است، آیاتی که در قرآن کریم در شأن حضرت علی علیه السلام روایت شده، در باره‌ی هیچ یک از صحابه، نازل نشده است.

قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: لَوْ أَنَّ الْبَحْرَ مِدَادٌ وَ الْعِيَاضَ أَقْلَامٌ وَ الْإِنْسَ كُتَّابٌ وَ الْجِنَّ حُسَّابٌ مَا أَحْصَوْا فَضَائِلَكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ ^(٤)

ای ابا الحسن! اگر دریاها مرکب، درختان جنگلها قلم، انسانها نویسنده و جنیان حسابگر شوند نمی‌توانند فضائل تو را بشمارند.

وَمِنَ الْمَنَاقِبِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:
أَتَانِي جِبْرِئِيلُ وَقَدْ نَشَرَ جَنَاحَيْهِ وَإِذَا عَلَيَّ أَحَدُهُمَا مَكْتُوبٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ
النَّبِيُّ وَعَلَى الْأَخَرِ مَكْتُوبٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَلِيُّ الْوَصِيُّ

و از کتاب مناقب حدیثی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:
جبرئیل در حالی که دو بالش را گسترده بود نزد آمد، بر یکی از دو بالش
نوشته شده بود. خدایی جز خدای بی‌همتا نیست، محمد پیامبر است. و بر بال
دیگرش، این جمله به چشم می‌خورد:

«خدایی جز خدای بی‌همتا نیست، علی علیه السلام وصی و جانشین او
می‌باشد.»

اسرار عجیب در زمان ولادت علی علیه السلام

ولادت با سعادت مولی المتقین امام المشارق و المغرب امیرالمؤمنین علی
علیه السلام بنا بر معروف در میان فرقه‌ی ناجیه در سال سی‌ام از عام الفیل
واقع شده و به همین تاریخ در کتاب شریف اصول کافی تصریح شده است.
تولد آن حضرت با سال سی‌ام از ولادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و سلم مقارن بود زیرا که آن حضرت، در سال عام الفیل، بعد از پنجاه و پنج
روز از هلاکت اصحاب فیل به عالم دنیا، قدم گذارد و عالم را به نور قدوم خود،
منور نمود و موافقت می‌کند این تاریخ، با روایتی که نقل شده از حضرت
صادق علیه السلام که فاطمه بنت اسد سلام الله علیها که مادر امیر علیه
السلام بود نزد ابوطالب علیه السلام شوهرش آمد تا سرور و خوشحالی را با
بشارت دادن به ولادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم برای او به
ارمغان آورد تا فاطمه بنت اسد سلام الله علیها سخن گفت ابوطالب علیه
السلام به او گفت:

صبر کن یک «سَبْت» تا من هم بشارت بزرگی را به تو بگویم به مولودی از
تو، که در همه چیز - به غیر از پیغمبری - مثل و مانند همین مولود (یعنی
حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) باشد. و «سَبْت»، سی سال

است و میان ولادت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امیر علیه السلام، سی سال فاصله شد.

و نیز موافق می‌شود با بعضی از تواریخ که مُفادش این است که ولادت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در سال چهل و دوم سلطنت پادشاهی انوشیروان بود و ولادت حضرت امیر علیه السلام در سال دوازدهم پادشاهی خسرو پرویز، واقع گردید. و همانطور که قبل از ظهورِ جَلَّواتِ محمد صلی الله علیه و آله و سلم بشارتهای بسیاری بر ولادت او بود که علماء تاریخ در کتب خود به طور مبسوط، نوشته‌اند. همانطور نیز قبل از طلوع خورشید علوی، بشارت داده شد به ابوطالب علیه السلام چنانکه جابر انصاری گفت:

راهبی به نام مُثَرِّم بن دُعَیْب^(۵) که یکصد و نود سال خدای را عبادت نمود و درخواست و سؤالی در این مدت از خدا نکرد. پس از چندی از خدای متعال خواست که دوست خود را به او بنمایاند پس خداوند حضرت ابوطالب را به سوی راهب فرستاد. و راهب تا ابوطالب علیه السلام را دید از آن حضرت از وطنش، قبیله‌اش سؤال کرد و تا شنید از کجاست و از کدام قبیله است به تندی برخاست و سر و صورت مبارک حضرت ابوطالب علیه السلام را بوسید و گفت:

الحمد لله که خدا مرا از دنیا نبرد تا دوست خدا را شناختم. ای ابوطالب! بشارت باد تو را که حق تعالی، مرا الهام نمود که بیرون می‌رود از صُلب تو، فرزند پسری که او ولی الله است و نامش علی علیه السلام است و اگر تو او را دریافتی و دیدی، از من به او سلام برسان.

زلزله‌ی شدید هنگام ولادت علی علیه السلام و بر طرف شدن آن با

اقرار به ولایت علی علیه السلام

زمانی که فاطمه بنت آسَد، امیرالمومنین علیه السلام را در رَحِم خود داشت. زلزله‌ای شدید اهالی مکه را فرا گرفت به طوری که در موقع زلزله، از شدت حرکت زمین، بت‌ها به رو در می‌افتاد و کوهها، از هم متلاشی می‌شد و بر روی زمین می‌ریخت و مردم متوسل به بت‌ها شدند تا شاید رفع زلزله کنند

و آنان را از این امر عظیم نجات دهند ولی خبری از نجات نشد، تا آنکه شبی از شبها امر زلزله شدیدتر شد و کار بر اهل مکه بسیار سخت و طاقت فرسا شد آنان تصمیم گرفتند بت‌ها را به جای بلندی ببرند تا شاید موثر واقع شده و زلزله کمتر شود ولی دیدند هیچ مؤثر واقع نشد، ناچار شدند به پیش حضرت ابوطالب علیه السلام آمده، دست توصل به دامن سید قریش بزنند.

حضرت ابوطالب علیه السلام نیز ردای عربی خود را پوشید و با شکوه و عظمتی به بالای کوه رفت و فریاد بلندی زد که همه آن را می‌شنیدند، فرمود: **أَيُّهَا النَّاسُ! أَيُّ مَرَدَمٍ فِي هَذِهِ اللَّيْلِ مَخْلُوقِي يَا بَنِي عَرَصَةَ زَمِينٍ مِي كَانَتْ كَمَا كُنْتُمْ إِذَا كُنْتُمْ فِي مَكَّةَ فَارْتَدُّوا بِرَأْسِهِمْ إِلَى مَكَّةَ وَارْتَدُّوا بِرَأْسِهِمْ إِلَى مَكَّةَ وَارْتَدُّوا بِرَأْسِهِمْ إِلَى مَكَّةَ**، اگر اطاعت او را، نیت نکنید و اقرار به امامت و ولایت او ننمایید، این زلزله، دست بردار نیست تا زمین را زیر و زبر کند، اهالی مکه همه اقرار بر امامت و ولادت آن حضرت نمودند، پس حضرت ابوطالب علیه السلام دستهای خود را بلند نمود و گفت:

«إِلَهِي وَ سَيِّدِي أَسْأَلُكَ بِالْمُحَمَّدِيَّةِ الْمَحْمُودِيَّةِ وَ بِالْعَلَوِيَّةِ الْعَالِيَةِ وَ بِالْفَاطِمِيَّةِ الْبَيْضَاءِ إِلَّا تَفَضَّلْتَ عَلَيَّ تِهَامَةً بِالرَّأْفَةِ وَ الرَّحْمَةِ» (۶)

پس آن زلزله، تسکین یافت و عرب از آن موقع به بعد عادت و رسم بر این شد تا شدايد عمومی یا خصوصی، آنها را فرا می‌گرفت به همین نُهَج، دعا می‌کردند و دعای آنها مستجاب می‌شد ولی مصداق و مفهوم آن را نمی‌دانستند.

و بالجمله، چون امر زایمان فاطمه بنت اسد نزدیک شد، نزد مسجدالحرام آمد. و گفت «پروردگار من، ایمان دارم به تو و تصدیق می‌نمایم به آنچه تو فرستاده‌ای به سوی خلق، از پیامبران و کتاب‌هایی که نازل فرموده‌ای و تصدیق نمودم به کلام جدم ابراهیم، خلیل الرحمان، خدایا به حق آن کسی که بنا کرد این خانه را و به حق این مولودی که در شکم من است، امر ولادت او را بر من، آسان کن». پس در باز شد و فاطمه داخل خانه شد. فاطمه گفت: دیدم چهار تن از زنان عظیمه الشان، حواء، مریم، آسیه و مادر موسی علیه السلام و غیر آنها، از زنان بهشتی را. پس به نحوی که در موقع ولادت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم رفتار نمودند، در این مورد هم، به جا آوردند.

چون حضرت علی علیه السلام متولد شد، سجده برای خداوند به جا آورد و شهادتین بر زبان جاری کرد و بر مادرش و زنان بهشتی سلام کرد و در این هنگام آسمان از نور پیشانی‌اش نورانی شد. پس مادرش فاطمه او را کودکی پاکیزه یافت، او را برداشته از خانه‌ی کعبه بیرون آمد.

در خانه‌ی حق، علی چون آمد به وجود
صد گونه شرف بر شرف کعبه فزود
تبریک فرستاد خدایش به درود
کز خلقت خانه‌ام همین بُد مقصود

اتفاق عجیب در غسل دادن علی علیه السلام هنگام تولدش

به روایتی میان پدر و مادر در تسمیه‌ی نام علی علیه السلام صحبت و مجادله‌ای در افتاد و بعد از چند روز به درب حرم آمدند و مادر امیرالمؤمنین علیه السلام رو به سوی آسمان کرده، چیزی آغاز کرد که یک بیتش این است:

بَيْنَ لَنَا بِحُكْمِكَ الْمَرْضَى
مَا ذَا تَرَى مِنْ هَذَا الصَّبِيِّ

یعنی الهی، حکم فرما آنچه رضای توست در نام این کودک، ناگاه از بام خانه‌ی کعبه ابیاتی رسید که هاتفی می‌خواند و آن ابیات یک بیتش این است:

فَأَسْمُهُ مِنْ شَامِخِ عَلِيٍّ
عَلِيٌّ أَشْتَقُّ مِنَ الْعَلِيِّ

نام بلند او علی است، علی از علی مشتق است. سپس پیامبر فرمودند: کجاست آن مولود؟ او را از غایت محبت و نهایت شفقت از گهواره بیرون آورده، آبی طلب نموده به دست حق پرست خود شستن را آغاز کرد، چون طرف راست حضرت علی علیه السلام را شست، خود به خود بدن مبارک علی علیه السلام به طرف چپ مایل شد بی‌آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن سرور را بگردانند.

به وقت غسل از آن گشت از بری به بری

که زحمتی نکشد دست حضرت از بر او پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم چون این حال را مشاهده کرد، آنقدر گریست که محاسن مبارکش از آب دیده تر شد. مادر امیرالمومنین و حضرت ابوطالب علیهما السلام رو به پیغمبر کرده، گفتند: یا رسول الله! سبب گریه‌ی شما چیست؟ گفت: می‌بینم این کودک مرا غسل می‌دهد، من هم در پیش او می‌گردم بی‌آنکه مرا بگرداند: در روز اول علی را من غسل دادم، روز آخر او مرا غسل خواهد داد. چون از غسل دادن فارغ شد مدت مزیدی زبان در دهان علی علیه السلام گذاشت، از این رو گوشت و پوست و خون علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رویید.

حال آیا کسی که اینچنین تولدش با عظمت و شوکت تمام، توسط اول سرور عالمین، حبیب خدا غسل داده شده و مورد احترام قرار گیرد افضل بشر نخواهد بود، چه کسی است از صحابه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که این گونه مورد احترام و عظمت واقع شده باشد؟ (۷)

اولین چیزی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام میل کردند، آب دهان با برکت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بود

در صحاح اخبار به تواتر رسیده است که در ابتدا، هر چه مادرش، فاطمه بنت اسد سلام الله علیها می‌خواست او را شیر دهد، پستان در دهانش می‌گذاشت، ولی آن حضرت قبول نکرده گریه آغاز می‌نمود، مدتی بر این نهج بود، چون خبر به سرور کائنات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسید آمد و در کنارش قرار گرفت و زبان در دهانش نهاد و بعد از مکیدن زبان، شیر مادر خورد. المقصود به هر وجه اول چیزی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام خورد لعاب دهان با برکات آن سرور است و از میمنت ترشحات لعاب آن نبی که سرچشمه‌ی اسرار «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ» بعد به مرتبه‌ای دانا شد که بر منبر آمده فرمود: سَلَوْنِي عَمَّا دُونَ الْعَرْشِ

علی علیه السلام هنگام تولد، به جز بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چشمش را بر هیچ کس دیگر باز نکرد

چون علی علیه السلام متولد شد، ابوجهل به سرعت خود را به مسجدالحرام رسانید و خواست در چشم امیرالمؤمنین علی علیه السلام سرمه‌ای بکشد هر چند تلاش کرد نتوانست انگشتان خود را بر چشم امیرالمؤمنین علی علیه السلام گذاشته، نتوانسته چشمان مولا را باز نماید در آن حال، با قوت الهی، دستان امیرالمؤمنین علیه السلام چنان سیلی بر صورت ابوجهل گذاشت که بر زمین افتاد و گردنش کج شد و آن ناراست تا آخر عمرش بود و ناراستی آن لعین به خلق عالم می‌نمود. مادر امیرالمؤمنین علیه السلام از این معنی اندوهگین گشته گفت:

ای فرزند دلبندم چرا دیده نمی‌گشایی و نظری به عالم نمی‌فرمایی؟
در این حال الهام یک مَلک به سید آنام - حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم - رسید که: «ابن عمّ تو متولد شده، بشتاب و او را دریاب.»
آن حضرت در مسجدالحرام آمد و علی علیه السلام را در دامن گرفت، در آن لحظه، امیرالمؤمنین علیه السلام تا بوی گیسوی مشکبار محبوب آفریدگار به مشامش رسید، دیده بر جمال جهان‌آرای او گشود و سلام و تحیت او به جا آورده، او را ستود و سرمه‌ی «ما زاعَ البَصْرُ» در دیده‌ی آن کشید.^(۸)

به جز رسول بر روی کسی نظر نگشاد

که از ازل نظری داشته به منظر او

علاقه‌ی مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام هنگام تولد علی علیه السلام

قَالَ: فَوُلِدَتْ عَلِيًّا يَوْمَ الْجُمُعَةِ الثَّلَاثِ عَشَرَ مِنْ رَجَبِ سَنَةِ ثَلَاثِينَ مِنْ عَامِ الْفِيلِ وَ لَمْ يُوَلَدْ قَبْلَهُ وَ لَا بَعْدَهُ مَوْلُودٌ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ سِوَاهُ إِكْرَامًا مِنَ اللَّهِ جَلَّ اسْمُهُ وَ إِجْلَالًا لِمَحَلِّهِ فِي التَّعْظِيمِ

وَ كَانَ يَوْمَئِذٍ لِرَسُولِ اللَّهِ مِنَ الْعَمْرِ ثَلَاثُونَ سَنَةً فَأَحْبَبَهُ رَسُولُ اللَّهِ حُبًّا شَدِيدًا وَ قَالَ لَهَا اجْعَلِي مَهْدَهُ بِقُرْبِ فِرَاشِي. وَ كَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ يَتَوَلَّى أَكْثَرَ تَرْبِيَّتِهِ وَ كَانَ يُطَهِّرُ عَلِيًّا فِي وَقْتِ غَسَلِهِ وَ يُوجِرُهُ اللَّبَنَ عِنْدَ شُرْبِهِ وَ يَحْرُكُ مَهْدَهُ عِنْدَ نَوْمِهِ وَ يَنَاقِيهِ فِي يَقْظَتِهِ وَ يَحْمِلُهُ عَلَى صَدْرِهِ وَ يَقُولُ:
هَذَا أَخِي وَ وَلِيِّ وَ نَاصِرِي وَ صَفِيِّ وَ خَلِيفَتِي وَ كَهْفِي وَ نَاطِرِي وَ وَصِيِّ وَ زَوْجِ كَرِيمَتِي وَ أَمِينِي عَلَى وَصِيَّتِي.

وَ كَانَ يَحْمِلُهُ عَلَى كَتِفِهِ دَائِمًا وَ يَطُوفُ بِهِ فِي جِبَالِ مَكَّةَ وَ شِعَابِهَا وَ أَوْدِيَّتِهَا. ^(۹)

راوی گوید: علی علیه السلام در روز جمعه، سیزدهم ماه رجب، سی سال پس از «عام الفیل» دیده به جهان گشود و پیش از او و پس از او هیچکس در خانه‌ی خدا متولد نشد، تا خداوند به این وسیله، عظمت و مقام او را بنمایاند. هنگام تولد علی علیه السلام، سی سال از عمر مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گذشته بود و سخت علی علیه السلام را دوست می‌داشت و دستور داد تا گهواره‌ی او را در کنار بسترش قرار دادند و بیشتر اوقات تربیت و حضانت او به دست مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صورت می‌گرفت و هنگام نیاز، بدنش را می‌شست و در موقع خوردن شیر، او را در پناه خود می‌گرفت و گهواره‌اش را می‌جنابید و در بیداری سرگرمش می‌کرد و او را به سینه‌ی خود می‌گرفت و می‌فرمود:

«او برادر و ولی و یاری‌کننده و برگزیده و جانشین و ملجأ و چشم و وصی و همسر دخت و امین وصیت من است.»

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همیشه او را بر دوش خود سوار می‌کرد و به کوهها و دره‌ها و بیابانهای اطراف مکه می‌برد. خداوند بر زبان علی علیه السلام سخن گفت

مِنْ كِتَابِ الْمَنَاقِبِ لِلْخُوَارِزْمِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ قَالَ:
 «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَقَدْ سُئِلَ بِأَيِّ لُغَةٍ خَاطَبَكَ رَبُّكَ
 لَيْلَةَ الْمِعْرَاجِ؟
 فَقَالَ: خَاطَبَنِي بِلُغَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَلْهَمَنِي أَنْ قُلْتُ يَا رَبُّ
 خَاطَبْتَنِي أَمْ عَلِيٌّ؟

فَقَالَ: يَا أَحْمَدُ أَنَا شَيْءٌ لَيْسَ كَالْأَشْيَاءِ وَلَا أَقَاسُ بِالنَّاسِ وَلَا أوصَفُ بِالأَشْيَاءِ
 خَلَقْتُكَ مِنْ نُورِي وَخَلَقْتُ عَلِيًّا مِنْ نُورِكَ فَاطَّلَعْتُ عَلَى سَرَائِرِ قَلْبِكَ فَلَمْ أَجِدْ إِلَى
 قَلْبِكَ أَحَبَّ مِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَخَاطَبْتُكَ بِلِسَانِهِ كَيْ يَطْمَئِنَّ
 قَلْبُكَ (۱۰)

در مناقب خوارزمی از عبدالله بن عمر روایت شده که گفت:
 «از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم در پاسخ کسی که از او پرسید
 خدا در شب معراج با چه زبانی با تو سخن گفت؟
 فرمود: با زبان علی علیه السلام، پس به من الهام شد و گفتم خدایا مرا
 خطاب ساختی یا علی علیه السلام را؟
 فرمود: ای احمد صلی الله علیه و آله و سلم من شیئی هستم نه چون اشیاء
 و با مردم مقایسه نمی‌گردم و با اشیاء توصیف نمی‌شوم ولی تو را از نور خویش
 و علی علیه السلام را از نور تو آفریدم و به رازهای دلت نگاه کردم، دیدم
 محبوب‌تر از علی علیه السلام در دلت نیست، لذا با زبان او مخاطبت ساختم،
 تا دلت آرام گیرد.
 گفتگوی خداوند با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مورد علی علیه
 السلام

وَ مِنَ الْمَنَاقِبِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:
 لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ
 يَا مُحَمَّدُ فَقُلْتُ لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ قَالَ قَدْ بَلَوْتُ خَلْقِي فَأَيُّهُمْ رَأَيْتَ أَطُوعَ لَكَ قُلْتُ رَبُّ
 عَلِيًّا قَالَ صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ فَهَلِ اتَّخَذْتَ لِنَفْسِكَ خَلِيفَةً يُؤَدِّي عَنْكَ وَيُعَلِّمُ عِبَادِي
 مِنْ كِتَابِي مَا لَمَّا يَعْلَمُونَ قَالَ قُلْتُ رَبُّ اخْتَرْتُ لِي إِنْ خَيْرَتَكَ خَيْرَتِي قَالَ قَدْ اخْتَرْتُ
 لَكَ عَلِيًّا فَاتَّخِذْهُ لِنَفْسِكَ خَلِيفَةً وَ وَصِيًّا وَ نَحْلَتَهُ عِلْمِي وَ حِلْمِي وَ هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ

حَقًّا لَمْ يَبْلُغْهَا أَحَدٌ قَبْلَهُ وَ لَيْسَتْ لِأَحَدٍ بَعْدَهُ يَا مُحَمَّدٌ عَلَيَّ رَأْيَةُ الْهُدَى وَ إِمَامٌ مَنْ أَطَاعَنِي وَ نُورٌ أَوْلِيَائِي وَ هُوَ الْكَلِمَةُ الَّتِي أَلْزَمْتُهَا الْمُتَّقِينَ مَنْ أَحَبَّهُ فَقَدْ أَحَبَّنِي وَ مَنْ أَبْغَضَهُ فَقَدْ أَبْغَضَنِي لَوْ لَا عَلَيَّ لَمْ يُعْرَفْ حِزْبِي وَ لَا أَوْلِيَائِي ^(۱۱)

در مناقب می نویسد: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: چون مرا به آسمان سیر دادند رسیدم تا سدره المنتهی جایی که ایستادم در پیشگاه خدا عز و جل پس خدواند متعال فرمود: ای محمد! گفتم: لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ، فرمود: مخلوقین مرا آزموده‌ای، کدامیک از آنان، تابع ترند، برای تو؟ گفتم خدایا! علی علیه السلام، فرمود: راست گفتمی ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم آیا برای خود خلیفه‌ای برگزیده‌ای که از طرف تو (وظیفه) را ادا کند؟ و کتابم را به بندگانم در مواردی که نمی‌دانند آموزش دهد؟ گفتم خدایا تو انتخاب کن برای من، چون انتخاب تو به انتخاب من است؟ فرمود: علی علیه السلام را برایت برگزیدم، پس او را برای خود، خلیفه و وصی بدان و علم و حلم خود را به او می‌آموزیم و او حقاً امیرالمؤمنین است و کسی به این مقام پیش از او نرسیده و پس از او هم نخواهد رسید، ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم علی پرچم هدایت و پیشوای کسی است که مرا اطاعت کند و نور اولیای من است و او همان کلمه‌ای است که بر پرهیزکاران واجب کرده‌ام، کسی که او را دوست بدارد مرا دوست داشته و کسی که او را دشمن بدارد مرا دشمن داشته اگر علی علیه السلام نباشد، حزب و اولیای من شناخته نمی‌گردد.

خدای متعال نزد فرشتگان به علی علیه السلام افتخار می‌کند

ابوالحسن فقیه بن شاذان در مناقب الائمه علیهم السلام از طریق عامه با استناد از امام جعفر صادق علیه السلام از محمد باقر علیه السلام از امام سجاد علیه السلام از امام حسین علیه السلام روایت کرده است که شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: صبح امروز جبرئیل امین علیه السلام بر من نازل شد در حالی که خوشحال و مسرور بود. از او سؤال کردم: به چه علت مسرور و خوشحال هستی؟

جواب داد: ای محمد! چگونه خوشحال و مسرور نباشم، همانا تو توسط برادر و وصی و امام امت علی بن ابیطالب علیه السلام پیروز شدی. همانا دیشب خدای تبارک و تعالی به خاطر عبادت کردن علی علیه السلام نزد فرشتگان و حاملان عرش به ایشان افتخار کرد و فرمود:

ای فرشتگان من! به حجت من در زمین بعد از پیامبرم - محمد صلی الله علیه و آله و سلم - نگاه کنید، همانا صورت خود را برای تواضع نزد من و عظمت من به خاک می‌مالد، پس ای فرشتگان من! شما را شاهد می‌گیرم که او امام خلق من و ولی آنهاست. (۱۲)

سجده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به خاطر علاقه‌ی خاص خداوند به علی علیه السلام

«شیخ بُرْسِی» با استفاده از ابن عباس روایت کرده است:

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آب خواستند در حالی که حضرت علی علیه السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیهما و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام نزد ایشان بودند. پس برای ایشان آب آوردند و از آن نوشیدند. سپس به امام حسن علیه السلام تعارف کردند و ایشان نیز آب نوشیدند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ایشان فرمودند:

«هَنِئِئاً مَرِيئاً يَا أَبَا مُحَمَّدٍ» نوش جانانت باشد!

پس به امام حسین علیه السلام تعارف کردند و ایشان نیز از آن آب نوشیدند و پیامبر نیز به ایشان فرمودند: «گوارا باشد بر جانت ای اباعبدالله!» سپس به فاطمه سلام الله علیها تعارف کردند و ایشان نیز از آن آب نوشیدند و پیامبر نیز به ایشان فرمودند: «گوارا باشد بر تو ای فاطمه ای سرور زنان عالم.»

پس آب را به علی علیه السلام دادند و ایشان نیز نوشیدند. پس یکباره سجده کردند. بعضی از زنان ایشان عرض کردند:

یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به حسن و حسین علیهما السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها آب دادی و به آنها فرمودی: «هَنِئِئاً مَرِيئاً» اما وقتی به علی علیه السلام آب دادی سجده کردی، چرا؟! ایشان فرمودند: وقتی

من آب نوشیدم شنیدم، جبرئیل و فرشتگان به من گفتند: گوارا باشد بر تو ای رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم .

آنگاه که حسن علیه السلام آب نوشید جبرئیل امین علیه السلام و فرشتگان به او نیز همان را گفتند که به من گفته بودند من هم همان را به حسن علیه السلام گفتم

و وقتی حسین و فاطمه سلام الله علیها آب نوشیدند شنیدم جبرئیل امین و فرشتگان نیز به آنها می گفتند:

گوارا باشد بر جانتان، اما وقتی به علی علیه السلام آب دادم شنیدم خدای تبارک و تعالی فرمودند: «هَنِئِئاً مَرِيئاً يَا وَلِيَّيْ وَ حُجَّتِي عَلَيَّ خَلْقِي» گوارا باشد بر تو ای ولیم و حجت بر خلقم به من به خاطر همین سجده کردم و خدا را به خاطر نعمتی که برای اهل بیتم فرستاده است شکر کردم.» (۱۳)
علی علیه السلام قلب خدا است که در بر دارنده‌ی اسرار است

شیخ صدوق «قدس سرّه» از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل کرده است که فرمود:
أَنَا عِلْمُ اللَّهِ وَ أَنَا قَلْبُ اللَّهِ الْوَاعِي وَ لِسَانُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَ عَيْنُ اللَّهِ النَّاطِرَةُ وَ أَنَا جَنْبُ اللَّهِ وَ أَنَا يَدُ اللَّهِ (۱۴)

من مظهر و نمایش دهنده‌ی علم خداوندم و قلب خدا هستم که اسرار و علوم خود را در آن نگهداشته است، لسان گویای پروردگار و چشم بینای او هستم و من جنبُ اللّهم یعنی جانب او هستم که تمام خلق امر شده‌اند به آن جانب توجه کنند و قرب خداوند جز با تقرب به من برای کسی حاصل نشود و من دست توانای حق تعالی می باشم.

نسبت‌هایی که در حدیث ذکر شده است جنبه احترامات والای امیرالمؤمنین علیه السلام است و گرنه ذات مقدس الهی پاک و منزّه، از داشتن اعضاء و اجزاء است.

امر ملا اعلی بر عهده‌ی علی علیه السلام است

مُقَدَّادِ بْنِ أَسْوَدٍ نَقَلَ مِى كُنْد: اميرالمؤمنين على عليه السلام فرمودند:
«... أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ مَا فِي السَّمَاءِ مَلَكٌ
يَخْطُو قَدَمًا عَنْ قَدَمِ إِلَهٍ إِلَّا بِإِذْنِي وَ فِي يَرْتَابُ الْمُبْطِلُونَ» (١٥)

من حجت خدا بر تمام خلق از اهل آسمانها و زمين هستم و در آسمانها
فرشته‌ای قدم از قدم بر نمی‌دارد مگر به اجازه‌ی من و درباره‌ی من اهل باطل
به شک و تردید افتادند.

هیچکس از آفریدگان با او مقایسه نشود

مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْفَوَارِسِ فِي كِتَابِ «اربعين» می‌نویسد: «حدیثی از عایشه
نقل شده که گوید: من شخصی را در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و
سلم محبوب‌تر از علی و فاطمه سلام الله علیهما ندیدم.

آنگاه سخن خود را چنین ادامه می‌دهد: روزی در حضور پیامبر اکرم صلی
الله علیه و آله و سلم بودم که حضرت فاطمه سلام الله علیها رو به پیامبر کرد
و عرض نمود: جانم فدای تو ای رسول خدا! درود خدا بر تو باد، برای من چه
فضیلتی است؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

يَا فَاطِمَةُ! أَنْتِ خَيْرُ النِّسَاءِ فِي الْبَرِّيَّةِ وَ أَنْتِ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ أَهْلِهَا.

ای فاطمه! تو بهترین زنان در میان آفریدگانی و تو بانوی بانوان بهشتی و
اهل بهشت هستی. فاطمه سلام الله علیها عرض کرد: ای رسول خدا! چه
فضیلتی برای پسر عمویت است؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «لَا يُقَاسُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ.
کسی از آفریدگان خدا با او مقایسه نمی‌شود.»

فاطمه سلام الله علیها عرض کرد: برای دو فرزندم - حسن و حسین علیهما
السلام - چه فضیلتی است؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هُمَا وَكَدَايَ سِبْطَيَّ وَ
رِيحَانَتَيَّ أَيَّامَ حَيَاتِي وَ بَعْدَ وَفَاتِي.

آنان فرزندان من و نوادگان و دو گل ریحان من در دوران زندگی و پس از
وفاتم هستند.

عایشه گوید: در این بین که آن دو مشغول حرف زدن بودند ناگاه علی علیه السلام آمد، رو به پیامبر خدا کرد و فرمود: پدر و مادرم فدای تو باد ای رسول خدا! درود خدا بر تو باد! نظر شما درباره‌ی من چیست؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای علی! من، تو، فاطمه سلام الله علیها حسن و حسین علیهم السلام در بهشت در قصری از دُر خواهیم بود، این قصر در زیر عرش خداوند متعال است که اساس آن از رحمت و پیرامونش از رضوان است.

يَا عَلِيُّ! بَيْنَكَ وَبَيْنَ نُورِ اللَّهِ بَابٌ فَتَنْظُرُ إِلَيْهِ وَ يَنْظُرُ إِلَيْكَ وَ عَلَى رَأْسِكَ تَاجٌ مِنْ نُورٍ، قَدْ أَضَاءَ نُورُهُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لَنْتَ تَرْقُلُ فِي حَلْلِ حُمْرٍ وَرَدِيَّةٍ وَ خَلَقَكَ وَ خَلَقَنِي رَبِّي وَ خَلَقَ مَحَبِّينَا مِنْ طِينَةِ تَحْتِ الْعَرْشِ وَ خَلَقَ مَبْغُضِينَ مِنْ طِينَةِ الْخَبَالِ

ای علی! بین تو و بین نور خدا دری است که تو به آن نگاه می‌کنی و آن به تو، بر سر تو تاجی از نور است که نورش میان شرق و غرب عالم را روشن می‌کند، تو در میان لباس‌هایی که به رنگ گل سرخ است افتخار می‌نمایی. پروردگارت تو و مرا آفریده است و دوستان ما را از طینت زیر عرشی آفریده و دشمنان ما را از گل چرکین اهل دوزخ آفریده است. (۱۶)

حضرت علی علیه السلام در آسمان هفتم همچون خورشید برای اهل آنجا می‌درخشد

سُلَيْمِ بْنِ قَيْسٍ از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که آن حضرت فرمود: علی علیه السلام در آسمان هفتم برای اهل آنجا می‌درخشد همانطور که خورشید برای اهل زمین فروزندگی دارد و در آسمان دنیا برای اهل زمین همانند ماه است در شب تاریک و در ادامه فرمود:

أَعْطَى اللَّهُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْفَضْلِ جُزْءًا لَوْ قَسَمَ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ لَوَسِعَهُمْ وَ أَعْطَاهُ مِنَ الْفَهْمِ جُزْءًا لَوْ قَسَمَ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ لَوَسِعَهُمْ اسْمُهُ مَكْتُوبٌ عَلَى كُلِّ حِجَابٍ فِي الْجَنَّةِ بَشْرَنِي بِهِ رَبِّي.

خداوند به حضرت علی علیه السلام به اندازه‌ای فضیلت بخشیده است که اگر بر اهل عالم تقسیم شود همه را کفایت می‌کند و به اندازه‌ای علم و دانش

به او عطا کرده است که اگر بر افراد روی زمین تقسیم شود همه را کفایت می‌کند یعنی همگی عالم می‌شوند نام او بر همه پرده‌های بهشت نگاشته شده است پروردگرم مرا به وجودش مژده داد...»^(۱۷)

سلام خداوند متعال بر علی علیه السلام

ابراهیم نخعی می‌گوید: چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به معراج رفتند، هاتفی در آسمانها ندا داد: ای محمد، خداوند عزوجل همیشه بر تو سلام دارد و می‌گوید:

أَقْرَأَ عَلِيَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ مِّنِّي السَّلَامَ

سلام مرا به علی بن ابیطالب برسان.^(۱۸)

هدیه‌ی خداوند متعال به علی علیه السلام

در مصابیح القلوب و سیره النبی و کفایه المؤمنین از امام حسین علیه السلام مروی است که گفت:

«روزی پدر من کنار فرات رفت جهت غسل در آب شد. ناگاه موجی برآمده پیراهنش ببرد. چون بیرون آمد، هاتفی گفت: «أَنْظُرُ عَنْ يَمِينِكَ وَ خُذْ مَا تَرَى». چون نگاه کرد پیرهنی دید در دیبایی پیچیده، فرا گرفت. رقعهای از گریباننش افتاد که بر او نوشته بود:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذِهِ هَدِيَّةٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ هَذَا قَمِيصٌ يورثِ عِمْرَانَ كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخِرِينَ.»

یعنی، این تحفه‌ای است از خداوند عزیز حکیم به سوی علی بن ابیطالب علیه السلام، این هدیه، قمیص است که ارث داده شده است عمران علیه السلام را، همچنین میراث می‌دهم او را به قومی دیگر.^(۱۹)

سه هزار منقبت در یک شب

شیخ صدوق رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ در کتاب «أَمَالِي از سعید بن جبیر نقل کرده است که گفت: نزد ابن عباس آمدم و به او گفتم: ای پسر عموی رسول خدا آمده‌ام تا از تو درباره‌ی علی بن ابیطالب علیه السلام و اختلاف مردم نسبت به او سؤال کنم. فرمود: ای پسر جبیر، آمدی تا از کسی که در یک شب سه هزار منقبت برای او حاصل شده، سؤال کنی؟ آمدی تا از وقتی رسول خدا و جانشین او و صاحب حوض و پرچم و شفاعت سؤال کنی؟ سپس فرمود: به حق کسی که محمد صلی الله علیه و آله و سلم را ختم رسولان اختیار کرد از آغاز خلقت تا انتهای آن همگی که بنویسند نمی‌توانند یک دهم از فضائلی را که خدا به او مرحمت کرده، بنویسند.

مراد از آن شبی که در کلام ابن عباس ذکر شد و سه هزار منقبت برای علی علیه السلام است، شب هفدهم ماه مبارک رمضان است که «لَيْلَةُ الْقُرْبَةِ» نامیده شده و جنگ بدر در فردای آن واقع شده است و سید حمیری رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ در اشعار خود به آن اشاره کرده است، می‌گوید:

ذَاكَ الَّذِي سَلَّمَ فِي لَيْلَةٍ
عَلَيْهِ مِيكَالُ وَ جِبْرِيلُ
مِيكَالُ فِي أَلْفٍ وَ جِبْرِيلُ فِي
أَلْفٍ وَ يَتْلُوهُمْ سِرَافِيلُ
لَيْلَةَ بَدْرٍ مَدَدًا أَنْزَلُوا
كَأَنَّهُمْ طَيْرٌ أَبَابِيلُ
فَسَلَّمُوا لَمَّا أَتَوْا حَذْوَهُ
وَ ذَاكَ إِعْظَامٌ وَ تَبْجِيلٌ^{۴۰}

و او کسی است که سلام کرده است در یک شب، بر او میکائیل و جبرئیل. میکائیل در میان هزار فرشته و جبرئیل در میان هزار فرشته و به دنبال آنها اسرافیل در میان هزار فرشته در شب جنگ بدر به عنوان یاری و کمک اینها نازل شدند، همانند ابرهای پرنده‌های ابابیل که بر لشگر ابرهه فرود آمدند. پس همگی سلام کردند چون بر قدمهای او فرود آمدند و این به خاطر احترام بزرگداشت آن حضرت بوده است.)

برکت در نسل اسماعیل علیه السلام، به واسطه‌ی علی علیه السلام

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَمَّا إِسْمَاعِيلُ فَقَدْ سَمِعْتُ دُعَاءَكَ فِيهِ وَ قَدْ بَارَكْتُهُ وَ سَأْتَمِرُهُ وَ أَكْثَرُهُ جِدًّا جِدًّا وَ أَجْعَلُ مِنْهُ اثْنَيْ عَشَرَ شَرِيفًا يُوَلِّدُ وَ أَجْعَلُهُ حِزْبًا عَظِيمًا

خدای متعال به ابراهیم علیه السلام فرمود دعای تو را درباره‌ی فرزندت اسماعیل شنیدم، وجود او را، پر برکت ساخته و او را به ثمر خواهم رساند و از وی دوازده فرزند که نسل پاکت را گسترش داده و در نهایت امتی بزرگ از صالحان و نیکوکاران پدید آورند، به وجود خواهم آورد. تردیدی نیست که علی علیه السلام یکی از آن ستارگان درخشان دوازده‌گانه است. (۳۱) و این فضیلتی است که هیچ کس با او هم‌تا نخواهد بود.

اساس بعثت انبیاء علیهم السلام ولایت علی علیه السلام

«رَوَى أَخْطَبُ خُوَارِزْمَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ يَا عَبْدَ اللَّهِ أَتَانِي مَلَكٌ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ سَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا عَلَى مَا بُعِثُوا قَالَ قُلْتُ عَلَى مَا بُعِثُوا قَالَ عَلَى وَ لَأَيَّتِكَ وَ وَ لَأَيَّةِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.» (۳۲)

خطیب خوارزم از عبدالله بن مسعود بازگو نموده که گفت: فرشته‌ای نزد من آمد و پیامی از سوی خداوند آورد که فرمود: ای محمد! از پیامبرانی که قبل از تو مبعوث شدند، سؤال کن که برای چه مبعوث شدند؟ گفتم: شما بگوئید برای چه مبعوث گردیدند؟ در جوابم گفت: اساس مأموریت و بعثت آنها، بر ولایت تو و علی بن ابیطالب علیه السلام استوار بوده است.

قبل از خلقت آسمان و زمین، درب بهشت آشنا با نام علی علیه

السلام بود

مِنْ كِتَابِ الْمَنَاقِبِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ:

مَكْتُوبٌ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ مَا لِلَّهِ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَلِّبٍ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْفَيْءِ
عام (۲۳)

و در کتاب مناقب از جابر بن عبدالله انصاری روایتی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: دو هزار سال پیش از خلقت آسمان و زمین (با قلم قضا) بر در بهشت نوشته شده بود محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسول و پیامبر خداست و علی بن ابیطالب علیه السلام برادر اوست.»
خداوند با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره‌ی علی علیه السلام پیمان بسته است

عَنْ أَبِي بَرْزَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:
إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَهْدَ إِلَيَّ فِي عَلِيٍّ عَهْدًا قُلْتُ يَا رَبِّ بَيْنَهُ لِي فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ اسْتَمِعْ قُلْتُ سَمِعْتُ قَالَ إِنَّ عَلِيًّا رَأْيَةُ الْهُدَى وَإِمَامُ أَوْلِيَائِي وَنُورٌ مِنْ أَطَاعِنِي وَهُوَ الْكَلِمَةُ الَّتِي أَلْزَمْتُهَا الْمُتَّقِينَ مَنْ أَحَبَّهُ أَحْبَبَنِي وَمَنْ أَطَاعَهُ أَطَاعَنِي فَبَشَّرَهُ بِذَلِكَ قَالَ فَبَشَّرْتُهُ فَقَالَ عَلِيُّ أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَفِي قَبْضَتِهِ فَإِنْ يُعَذِّبْنِي فَبِذَنْبِي وَ لَنْ يَظْلِمَنِي وَإِنْ يُتِمَّ الَّذِي بَشَّرَنِي بِهِ فَاللَّهُ أَوْلَى بِهِ قَالَ فَقُلْتُ اللَّهُمَّ أَجَلُ قَلْبِهِ وَاجْعَلْ رِبْعَهُ الْإِيمَانَ بِكَ فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ فَعَلْتُ ذَلِكَ ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ عَهْدَ إِلَيَّ أَنِّي أَسْتَخْصَهُ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَا أُخْصُّ بِهِ أَحَدًا مِنْ أَصْحَابِكَ فَقُلْتُ يَا رَبِّ أَخِي وَصَاحِبِي فَقَالَ اللَّهُ إِنَّ هَذَا أَمْرٌ قَدْ سَبَقَ أَنَّهُ مُبْتَلَى وَ مُبْتَلَى بِهِ (۲۴)

ابو بَرَزَةَ از پیامبر نقل کرد که حضرت فرمودند:

خدای متعال درباره‌ی علی علیه السلام بر من عهد و پیمانی بسته است.

گفتم: پروردگارا برایم او را بیان بنما.

خدای با قدرت و بزرگ فرمود: بشنو. گفتم: شنیدم.

فرمود: علی علم هدایت و پیشوای دوستان من و روشنایی کسی است که مرا اطاعت کند و او همان کلمه‌ای می‌باشد که پرهیزکاران بر خود لازم کرده‌اند، هر که او را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر که او را اطاعت کند مرا اطاعت کرده است پس به او مزده بده.

پیامبر گفت: به او مزده دادم و علی گفت: من بنده‌ی خدا و در قبضه‌ی قدرت او هستم اگر مرا عقوبت کند به سبب گناه من است و بر من ستم

نکرده است و اگر آن چه را که به من بشارت داده، تمام کند، خدا به او سزاوارتر است.

گفتم: خدایا قلب او را روشنی ده و بهار او را ایمان به خود قرار بده پس خدای با قدرت و بزرگ فرمود:
به تحقیق آن چه را که خواستی پذیرفتم.

پس به درستی که خدا بر من پیمانی بسته که امتحان سنگینی را به او اختصاص دهم که به هیچ یک از اصحاب خودم اختصاص نداده‌ام. پس گفتم: ای پروردگار من، علی، برادر و رفیق من است. خداوند فرمود: به تحقیق این امری است که گذشته است که او خود امتحان می‌شود و به سبب او دیگران امتحان می‌شوند.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند حق علی علیه السلام بر مسلمانان مانند حق پدر بر فرزندان خود است

حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عَقْدَةَ الْحَافِظُ قَالَ حَدَّثَنَا عِيسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْمُحَمَّدِيُّ مِنْ وُلْدِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ: حَقُّ عَلِيٍّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ كَحَقِّ الْوَالِدِ عَلَى وُلْدِهِ

نقل کرد به ما ابوعباس احمد فرزند محمد فرزند سعید فرزند عقده‌ی حافظ که گفت حدیث کرد به ما عیسی فرزند عبدالله محمدی از فرزندان علی فرزند محمد فرزند عمر فرزند علی علیه السلام گفت: نقل کرد به من پدرم از پدرش از جدش علی علیه السلام که فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: حق علی علیه السلام بر مسلمانان مانند حق پدر بر فرزندانش هست.

ترس پیامبر از گفتن تمام فضائل علی علیه السلام

«مَوْقُوقُ بْنُ أَحْمَدَ خَوَارِزْمِيٌّ» از علی بن ابیطالب علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز فتح خیبر فرمود:

اگر اندیشه نمی‌کردم از اینکه بگویند طوایفی از امت من در حق تو آنچه
نصاری در حق عیسی بن مریم علیه السلام گفتند هر آینه امروز در فضل تو
سخنی می‌گفتم که بر هیچ گروهی از مسلمانان نگذری مگر آنکه به خاک
کفش تو تبرک جویند و به زیادی آب وضوی تو استشفاء نمایند و ...

گر نبودی خوف، دُرْها سَفْتَمی
آنچه در دل بود یکسر گُلْاَفْتَمی
لیک با این قوم که کورند و کر
چون توانم گفت اوصاف قَمَر (۲۵)

جدایی از علی، جدایی از رسول

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مَنْ فَارَقَ عَلِيًّا فَارَقَنِي وَمَنْ فَارَقَنِي فَارَقَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ (۲۶)

هر کس از علی علیه السلام جدا شود از من جدا شده و هر کس از من جدا شد از خدا جدا شده است.

علی علیه السلام به منزله‌ی کعبه

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مَثَلُ عَلِيٍّ فِيكُمْ كَمَثَلِ الْكَعْبَةِ الْمَسْتَوْرَةِ النَّظَرُ إِلَيْهَا عِبَادَةٌ وَالْحَجُّ إِلَيْهَا فَرِيضَةٌ. (۲۷)

مثل علی در میان شما مثل همین کعبه است که نگاه کردن به آن عبادت و حق آن واجب است.

پیامبر در جای دیگر فرمودند: یا علی! تو به منزله‌ی کعبه‌ای که همه به

سوی او می‌آیند ولی او به سوی کسی نمی‌آید. (۲۸)

نزول ستاره، داله بر وصایت در خانه‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام

ابن مغازلی علی بن محمد شافعی در این موضوع دو حدیث آورده است؛ اول حدیثی است که با اسناد خود از آنس بن مالک در «مناقب» خود ذکر کرده است و علامه بحرانی نیز در «غایه المرام» صفحه‌ی ۴۰۹ عین این حدیث را از او روایت کرده است.

عَنْ أَنَسٍ قَالَ أَنْقَضَ كَوْكَبٌ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: مَنْ أَنْقَضَ هَذَا النَّجْمَ فِي دَارِهِ فَهُوَ الْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِي، فَنَظَرْنَا فَإِذَا هُوَ أَنْقَضَ فِي مَنْزِلِ عَلِيٍّ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: وَ النَّجْمُ إِذَا هَوَى مَا ضَلَّ صَاحِبِكُمْ وَ مَا غَوَى وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى

عَنْ أَنَسٍ قَالَ أَنْقَضَ كَوْكَبٌ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: مَنْ أَنْقَضَ هَذَا النَّجْمَ فِي دَارِهِ فَهُوَ الْخَلِيفَةُ مِنْ

بَعْدِي، فَنظَرُوا فَإِذَا هُوَ أَنْقَضَ فِي مَنْزِلٍ عَلَيَّ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ مَا ضَلَّٰ صَاحِبِكُمْ وَمَا عَوَىٰ وَمَا يُنطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ

انس گوید: ستاره‌ای در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خم می‌شد (یعنی به شکل خط نورانی در حرکت بود) حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هر کس که این ستاره، در خانه‌ی او فرود آید او بعد از من جانشین من خواهد بود. چون مردم نگریستند، دیدند آن ستاره در منزل علی بن ابیطالب علیه السلام فرود آمد و خداوند متعال این آیه را فرستاد:

«سوگند به آن ستاره‌ی درخشان هنگامی که فرود آمد، که صاحب شما گمراه نگشته و اغوا نشده است و از روی هوای نفس تکلم نمی‌کند (و راجع به خلافت و وصایت ابن عم خود امیرالمؤمنین علیه السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از نزد خود چیزی نمی‌گوید، تمام گفتار او وحی است که از جانب حضرت رب العزه به او وحی گردیده است)».

دوم، حدیثی است که ابن مغزلی نیز در «مناقب» خود با اسناد خود از سعید بن جبیر از ابن عباس روایت نموده است و علامه بحرانی در صفحه ۴۰۹ از «غایه المرام» نیز از ابن مغزلی روایت می‌کند:

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ كُنْتُ جَالِسًا مَعَ فِتْيَةٍ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَنْقَضَ كَوْكَبٌ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَنْقَضَ هَذَا النَّجْمِ فِي مَنْزِلِهِ فَهُوَ الْوَصِيُّ مِنْ بَعْدِي فَقَامَ فِتْيَةٌ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ فَنظَرُوا فَإِذَا الْكَوْكَبُ قَدْ أَنْقَضَ فِي مَنْزِلِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ عَوَيْتَ فِي حُبِّ عَلِيٍّ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ إِلَى قَوْلِهِ وَهُوَ بِالْأَفْقِ الْأَعْلَى

ابن عباس گوید: من با گروهی از جوانان بنی‌هاشم در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بودیم که ناگهان ستاره‌ای بسیار نورانی حرکت نمود و می‌خواست فرود آید. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: این ستاره در منزل هر کس فرود آید او بعد از من وصی من خواهد بود. جماعتی از آن جوانان بنی‌هاشمی برخاستند که بنگرند ستاره در خانه‌ی که فرود می‌آید، دیدند که در منزل علی بن ابیطالب علیه السلام فرود آمده،

پنهان شد. گفتند ای رسول خدا درباره‌ی محبت بر علی بن ابیطالب مفتون شدی و به ضلال و غوایت افتادی. خداوند این آیه را فرو فرستاد که: «سوگند به آن ستاره‌ای که فرود آمد صاحب شما گمراه نشده و به غوایت در نیفتاده است.» - تا قول خدای تعالی که - «اوست در افق بلند و عالی.»
(۲۹)

دست علی علیه السلام با دست پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مساوی در عدل

علامه خطیب بغدادی به نقل از آنس بن مللک از عمر بن خطاب از ابوبکر از ابوهریره آورده است که گفت:
در حالی وارد بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم شدم که مقداری خرما جلو روی آن حضرت بود. پس سلام کردم و بعد از جواب سلام مشتکی از آن را به من داد و چون شمردم هفتاد و سه دانه بود. آنگاه از نزد پیغمبر به سراغ علی علیه السلام رفتم و در نزد او هم مقداری خرما نهاده شده بود و او هم بعد از اینکه من سلام کردم و جواب داد مشتکی از آن خرماها را به من داد و چون آنها را شمردم بدون کم و زیاد هفتاد و سه دانه بود پس من با تعجب زیاد از هم‌عددی خرماهای اعطایی به خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم رفتم و ماجرای یکسان و هم‌عددی خرمای آن حضرت و علی علیه السلام را که مایه‌ی تعجب من شده بود گزارش دادم.

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم تبسم نمود و فرمود:

«یا أبا هریره اما علمت أن یدی و ید علی بن ابیطالب فی العدل سواء» (۳۰)

ای ابوهریره! مگر نمی‌دانی که دست من و دست علی بن ابیطالب علیه السلام در عدل یکسان و مساوی است.

به شرافت رسیدن توسط علی علیه السلام

علامه ابن حجر به نقل از «استیعاب» ابن عبدالبر از ابن مسیب روایت نموده که عمر گفت:

«تَحَبَّبُوا إِلَى الْأَشْرَافِ وَ تَوَدَّدُوا وَ اتَّقُوا عَلَى أَعْرَاضِكُمْ مِنَ السَّفِيلَةِ وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ لَا يَتِمُّ شَرَفٌ إِلَّا بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ»^(۳۱)

نسبت به افراد شریف و با شخصیت محبت و دوستی از خود نشان دهید و در رابطه با حفظ آبروی خود از افراد پست و بی شخصیت بپرهیزید و بر حذر باشید و دانسته باشید که هیچگونه شرفی به درجه‌ی تمامیت نرسید مگر به ولایت علی.

کلام حضرت خضر در فضائل امیرالمومنین علیه السلام

صَفْوَانِي فِي كِتَابِ «مَحْنٍ» وَ كَلِينِي فِي كِتَابِ «كَافِي» رَوَيْتُ كَرْدَةً لَمْ يَكُنْ فِيهَا مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِشَيْءٍ إِذْ جَاءَ شَيْخٌ يَبْكِي وَ هُوَ يَقُولُ الْيَوْمَ انْقَطَعَتْ عِلَاقَةُ النَّبُوَّةِ حَتَّى وَقَفَ بَبَابِ الْبَيْتِ

لِلَّذِي فِيهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَخَذَ بَعْضَادَتِي الْبَابَ فَقَالَ رَحِمَكَ اللَّهُ فَلَقَدْ كُنْتُ أَوَّلَ النَّاسِ إِسْلَامًا وَ أَخْلَصَهُمْ إِيمَانًا وَ أَشَدَّهُمْ يَقِينًا وَ أَخَوْفَهُمْ مِنَ اللَّهِ وَ أَطْوَعَهُمْ لِنَبِيِّ اللَّهِ وَ أَفْضَلَهُمْ مَنَاقِبًا وَ أَكْثَرَهُمْ سَوَابِقًا وَ أَشَبَّهُهُمْ بِخَلْقٍ وَ خُلُقًا وَ سِيمَاءٍ وَ فَضْلًا وَ كُنْتُ أَحْفَظَهُمْ صَوْتًا وَ أَعْلَاهُمْ طُودًا وَ أَقْلَهُمْ كَلَامًا وَ أَصُوبَهُمْ مَنَاطِقًا وَ أَشَجَعَهُمْ قَلْبًا وَ أَحْسَنَهُمْ عَمَلًا وَ أَفْوَاهَهُمْ يَقِينًا حَفِظْتُ مَا ضَيَّعُوا وَ رَعَيْتُ مَا أَهْمَلُوا وَ شَمَرْتُ إِذْ اجْتَمَعُوا وَ عَلَوْتُ إِذْ هَلَعُوا وَ وَقَفْتُ إِذْ شَرَعُوا وَ أَدْرَكْتُ أَوْتَارَ مَا ظَلَمُوا كُنْتُ عَلَى الْكَافِرِينَ عَذَابًا وَاصِبًا وَ لِلْمُؤْمِنِينَ كَهْفًا وَ حِصْنًا كُنْتُ كَالْجَبَلِ الرَّاسِخِ لَا تُحَرِّكُ الْعَوَاصِفُ وَ كُنْتُ لِلطُّفْلِ كَالْأَبِ الشَّفِيقِ وَ لِلرَّامِلِ كَالْبَعْلِ الْعَطُوفِ قَسَمْتُ بِالسَّوِيَّةِ وَ عَدَلْتُ فِي الرَّعِيَّةِ وَ أَطْفَاتِ النَّيْرَانِ وَ كَسَرْتُ لِلْأَصْنَامِ وَ أَذَلَّتْ لِلْأَوْثَانِ وَ عَبَدْتُ الرَّحْمَنَ فِي كَلَامٍ لَهُ كَثِيرٍ فَالْتَفَتُوا فَلَمْ يَرَوْا أَحَدًا فَسُئِلَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ كَانَ الرَّجُلُ قَالَ الْخَضِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ .^(۳۲)

چون امیرالمومنین علیه السلام به شهادت رسیدند، پیرمردی گریه‌کنان آمد در حالی که می‌گفت: «امروز زنجیرهای نبوت پاره شد،» تا ایستاد در اتاقی که حضرت در آنجا مرغ روحش پرواز نموده بود و با دو دست خود دو بازوی دو طرف در را گرفت و گفت: خدا تو را رحمت کند، حقا که اولین کسی بودی که اسلام آوردی و پاک‌ترین آنها بودی از جهت ایمان و یقینت از همه

شدیدتر بود و خوفت از خدا نسبت به همه بیشتر و طاعتت به پیغمبر خدا از همه فزون تر و مناقبت و فضائلت از همه عالیتر و سوابقت از همه زیادتر و شباهتت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از جهت قوای طبیعی و اخلاق معنوی و از جهت علائم روحانی در چهرهات و از جهت فضل و شرافت از همه بیشتر بود و از جهت سر و صدا از همه آرامتر بودی و از جهت استقامت و ثبات از همه بالاتر و رفیع مرتبه تر بودی. کلام و سخنت از همه مقبول تر و منطقت از همه صحیح تر و قلبت از همه شجاعتر و کردارت از همه نیکوتر و یقینت از همه قویتر بود.

حفظ کردی آنچه را که ضایع کردند و رعایت کردی آنچه را که مُهمَل گذاشتند و دامنِ هَمَّتْ به کمر زدی در وقتی که آنها اجتماع کردند و نفس خود را بلند داشتی هنگامی که آنها حرص زدند و توقف کردی در وقتی که آنها بدعت نهادند و دادخواهی کردی نسبت به ظلم‌هایی که نمودند. ای علی تو نسبت به کافران، عذاب سخت و مداوم بودی و نسبت به مؤمنان پناهگاه و ملجأ و حصن. تو مانند کوهی عظیم و ثابت بودی که تند بادهای اهواء و آراء باطل و طوفانهای سخت امیال و انکار مخالفین ابداً مختصر حرکتی و تکانی در تو به وجود نیاورد.

نسبت به کودکان مانند پدر مهربان و نسبت به بیوه زنان چون شوهر رؤوف و عطوف بودی. بیت المال را به طور تساوی تقسیم کردی و در رعیت و توده‌ی مردم به عدالت رفتار نمودی و آتش‌های کفر و شرک و بیداد و تجاوز بر حقوق را خاموش کردی و بت‌های ظاهر و باطن را در هم شکستی و ذلیل نمودی و در مقام بندگی خداوند عز و جل قیام و اقدام کردی و بسیار از این قبیل سخنان گفت و صفات عالی‌ی آن حضرت را بیان کرد و ناگهان ناپدید شد!

مردم که التفات کردند کسی را ندیدند و از حضرت امام حسن علیه السلام سؤال کردند؟ فرمود: آن مرد پیر، حضرت خضر علیه السلام بود.

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست
که تر کنم سرانگشت و صفحه بشمارم

آری چه خوب خضر پیغمبر علیه السلام آن حضرت را بدین صفات عالیه ستوده و تمجید نموده و در مصیبت آن حضرت گریان شده است.

پیراهن نبوت بر تن علی علیه السلام

ام سلمه گفت: روزی سه نفر از مشرکان نزد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آمدند. یکی از آنها گفت: ای محمد! تو ادعایی کرده‌ای که از ابراهیم فاضلتی، ابراهیم علیه السلام، خلیل خدا بود ولی تو خلیل او نیستی. حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ابراهیم علیه السلام، خلیل بود و من حبیب و صفی‌ام. و حبیب و صفی بهتر باشد.

گفت: تو گفتی که از موسی علیه السلام بهترم. در حالی که موسی کلیم علیه السلام خدا بود و با حق تعالی سخن گفت و تو با حق سخن نگفتی. حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم گفت: موسی علیه السلام سخن گفت در زمین و من وراء حجاب و بر بالای هفت آسمان بر سُرَادُقْ عرش با حق سخن گفتم.

دیگری گفت: تو گفتی که من از عیسی علیه السلام بهترم. عیسی علیه السلام مرده زنده کرد و تو نکردی.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم دست بر هم زد و گفت یا علی! یا علی! در همان لحظه علی علیه السلام از درب وارد شد. فرمود: ای علی کجا بودی؟ فرمود: در فلان نخلستان خرما بودم.

آواز شما به من رسید، خود را به اینجا رسانیدم. حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود بیا و این پیراهن نبوت من را بپوش و با این سه تن به قبرستان «یوسف بن کعب» برو و ما را از بهر ایشان زنده کن تا علامت نبوت و کرامت امامت ببینند. امام علی علیه السلام پیراهن را پوشید و با آنها رفت.

ام سلمه می‌گوید: من نیز از رسول خدا اجازه خواستم و رفتم. شاه مردان علی علیه السلام به قبرستان رسید و در آنجا ایستاد و کلمه‌ای را بر زبان جاری نمود و فرمود. ای صاحب گور! برخیز به فرمان حق تعالی و تصدیق

ادعای رسول کن، گور در جنبش آمد، بار دیگر بگفت، گور بشکافته شد. پیری
برخاست و خاک از سر خود دور کرد.

علی علیه السلام فرمود: تو کیستی؟

گفت: منم یوسف بن کعب صاحب الأخدود و سیصد سال است که مُرده‌ام و این سال آوازی شنیدم که می‌گفت ای یوسف بن کعب برخیز از برای تصدیق دعوی سید الاولین و الاخرین. آن مشرکان به یکدیگر نگریستند و گفتند مبادا که قریش بدانند که به سبب درخواست ما حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را چنین معجزه‌ای ظاهر شد. رو به علی علیه السلام کردند و گفتند ای علی بگو به مقام خود برگردد در این لحظه حضرت دستور دادند و آن مُرده به قبر خود برگشت. (۳۳)

اسرار معراج علی علیه السلام

رَجَب بُرْسِی (ره) در کتاب «مشارق الأنوار» نقل می‌کند. شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: چرا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام را بر دوش خود بالا برد؟ فرمود:

تا اینکه مردم مقام رفیع و مرتبه‌ی والای او را بشناسند
عرض کرد: زیادتر برایم توضیح دهید.

فرمود: تا مردم بدانند او به مقام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از هر کس سزاوارتر است.

عرض کرد: بیشتر توضیح دهید.

فرمود: لِيَعْلَمَ النَّاسُ إِنَّهُ إِمَامٌ بَعْدَهُ وَ الْعَلَمُ الْمَرْفُوعُ، تا مردم بدانند علی علیه السلام بعد از او پیشوای مردم و پرچم برافراشته‌ی هدایت است.

عرض کرد: زیادتر بفرمایید.

حضرت فرمود: هَيْهَاتَ وَ اللَّهُ لَوْ أَخْبَرْتُكَ بَكْنَه ذَاكَ لَقَمْت عَنِّي وَ أَنْتَ تَقُولُ: جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ كَاذِبٌ فِي قَوْلِهِ أَوْ مَجْنُونٌ وَ كَيْفَ يَطَّلِعُ عَلَى الْأَسْرَارِ غَيْرَ الْأَبْرَارِ هَيْهَاتَ.

اگر از حقیقت و باطن آن به تو خبر دهم از من کناره می‌گیری و می‌گویی جعفر بن محمد، دروغگو یا دیوانه است و چگونه بر اسرار کسی جز ابرار و نیکوکاران آگاهی پیدا می‌کنند. (۳۴)

مذمت پنهان کردن فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام

ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است که فرمود:

لَا يُعَذِّبُ اللَّهُ هَذَا الْخَلْقَ إِلَّا بِذُنُوبِ الْعُلَمَاءِ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْحَقَّ مِنْ فَضْلِ عَلِيٍّ وَعِزَّتِهِ.

خداوند این مردم را عذاب نمی‌کند مگر به خاطر گناه دانشمندان ایشان، آنها که حق را کتمان کردند و فضائل علی علیه السلام و عترت طاهریین او را بیان نکردند

أَلَا وَ إِنَّهُ لَمْ يَمْشِ فَوْقَ الْأَرْضِ بَعْدَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ أَفْضَلَ مِنْ شِيعَةِ عَلِيٍّ وَ مُحِبِّهِ الَّذِينَ يُظْهِرُونَ أَمْرَهُ وَ يُنْشُرُونَ فَضْلَهُ أَوْلَيْكَ تَغْشَاهُمْ الرَّحْمَةُ وَ تَسْتَغْفِرُ لَهُمُ الْمَلَائِكَةُ.

بدانید راه نمی‌رود بر روی زمین بعد از پیغمبران و رسولان کسی که مقامش برتر از شیعیان و دوستان علی علیه السلام باشد، آنهایی که امر ولایت آن حضرت را ظاهر می‌کنند و فضائل او را منتشر می‌کنند، رحمت الهی سر تا پای وجود آنها را فرا می‌گیرد و فرشتگان برای آنها استغفار می‌کنند.

الْوَيْلُ كُلُّ الْوَيْلِ لِمَنْ يَكْتُمُ فَضَائِلَهُ وَ يَكْتُمُ أَمْرَهُ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ.

و بدبختی به تمام معنا نصیب کسانی می‌شود که فضائل او را کتمان می‌کنند و امر او را پنهان می‌دارند چگونه می‌خواهند در آتش پایداری کنند.

این حق است ^(۳۵) زیرا کسی که فضائل او را از روی جهل و نادانی پنهان کند دچار هلاکت و نابودی است، چون امام زمان علیه السلام خود را نشناخته است و کسی که از روی آگاهی به خاطر دشمنی پنهان کند، منافق است، زیرا طینت و سرشت او ناپاک است و با آن حضرت جز منافق گمراه دشمنی نمی‌کند. ولایت آن حضرت بر طینت او عرضه شد و از پذیرش آن خودداری کرد و لذا مسخ گردید (یعنی تغییر ماهیت و حقیقت داد و در عالم مسوختات بر او ندا داده شده که آن خبیث است. به دیگر خبیثان ملحق گردد، پس او دین ندارد و عبادت‌های او عبادت نیست. ^(۳۶)

خداوند دوست ندارد جز علی علیه السلام کسی دیگر برادر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشد

عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ مِنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ فِي بَعْضِ حُجْرَاتِهِ، فَاسْتَأْذَنْتُ عَلَيْهِ فَأُذِنَ لِي فَلَمَّا دَخَلْتُ قَالَ لِي:

يَا عَلِيُّ! أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ بَيْتِي بَيْتُكَ فَمَا لَكَ تَسْتَأْذِنُ عَلَيَّ؟

قَالَ: فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَحَبَبْتُ أَنْ أَفْعَلَ ذَلِكَ.

قَالَ يَا عَلِيُّ أَحَبَبْتُ مَا أَحَبَّ اللَّهُ وَأَخَذْتُ بِآدَابِ اللَّهِ.

يَا عَلِيُّ! أَمَا عَلِمْتَ أَنَّكَ أَخِي وَأَنَّ خَالِقِي وَرِزَاقِي أَبِي أَنْ يَكُونَ لِي أَخٌ دُونَكَ يَا عَلِيُّ! أَنْتَ وَصِيِّي مِنْ بَعْدِي وَأَنْتَ الْمَظْلُومُ الْمُضْطَهَدُ بَعْدِي. يَا عَلِيُّ! الثَّابِتُ عَلَيْكَ كَالْمُقِيمِ مَعِي وَمُفَارِقُكَ مُفَارِقِي. يَا عَلِيُّ! كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي وَيُبْغِضُكَ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَنِي وَإِيَّاكَ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ. (۳۷)

زید بن علی از پدر بزرگوارش حضرت امام سجاد علیه السلام از حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام نقل می کنند که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در یکی از اتاق های (همسرانشان) آمدم و برای ورود اجازه خواستم، آن حضرت اجازه دادند و فرمودند: ای علی! آیا نمی دانی خله‌ی من خله‌ی شماست؟ چرا برای داخل شدن اجازه می گیرید؟ عرض کردم: ای رسول خدا! دوست داشتم این گونه عمل کنم (بدون اجازه داخل نشوم)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: یا علی! شما آنچه را خدا دوست دارد دوست می داری و به آداب الهی عمل می کنی.

ای علی! آیا می دانی شما برادر من هستی و همانا خالق و رازق من نمی خواهد من برادری غیر از شما داشته باشم؟

ای علی! شما بعد از من وصی من هستی و پس از من مظلوم واقع می شوی و حقت پایمال می گردد.

ای علی! هر کس در کنار شما ثابت قدم بماند، مانند آن است که در کنار من باقی مانده و هر کس از شما جدا شود، از من جدا شده.
ای علی! دروغ می گوید کسی که گمان می کند مرا دوست دارد، در حالی که با شما دشمنی می کند، زیرا خداوند تعالی من و شما را از یک نور خلق نموده.

علی ملیءُ الایمان

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:
علی ملیءُ الایمانِ اِلٰی مُشَاشِهٍ.
علی علیه السلام سرپای وجودش و یکایک اعضای وجودیش مالا مال از ایمان است.
یعنی علی علیه السلام به خاطر برخورداری همه‌ی ابعاد وجودیش و اعضای بدنش از ایمان به خدا، هیچگونه کار خلافی از هیچ یک از آنها سر نزده^(۳۸)
آمدن امیرالمومنین علیه السلام از مدینه به مدائن برای دفن سلمان علیه السلام

ابن شهر آشوب روایت کند که از حبیب بن حسن عتّکی. از جابر بن عبدالله انصاری که گفت:

«حضرت امیرالمومنین علیه السلام نماز صبح را به جماعت در مدینه با ما خواندند و پس از آن رو به ما نموده گفتند: ای مردم خدا اجر شما را در مرگ برادرتان سلمان، بزرگ قرار دهد و آن وقت عمامه‌ی رسول خدا را به سر بستند و دراعه‌ی رسول خدا را پوشیدند و قضیب رسول خدا را به دست گرفته و شمشیر او را حمایل نموده و بر ناقه‌ی غضباء که از رسول خدا ارث رسیده بود سوار شدند و به قنبر گفتند: از یک تا ده بشمار، قنبر گوید: همین که شمردم ما در مدائن پشت درب خانه‌ی سلمان بودیم.

زاذان گوید که: چون مرگ سلمان نزدیک شد من به او گفتم: که تو را غسل می‌دهد؟ گفت: همان کسی که رسول خدا را غسل داده است. گفتم: ای سلمان تو در مدائن هستی و او در مدینه است!

گفت: ای زاذان چون جانم از بدنم پرواز کرد چانه و لِحیه‌ی مرا ببند، در آن حال صدای چیزی که به زمین افتد خواهی شنید. زاذان گوید: سلمان روحش از قالب تن پرواز کرد، من چانه‌ی او را بستم، در آن حال صدای چیزی که به زمین سقوط نماید در پشت در شنیدم، در را باز کردم دیدم امیرالمؤمنین علیه السلام است.

حضرت فرمود: ای زاذان بنده‌ی صالح و عبد پرهیزگار خدا سلمان جان داد؟

عرض کردم: بلی ای آقای من.

حضرت وارد شد و رداء را از روی سلمان کنار زد، سلمان بر روی امیرالمؤمنین تبسمی کرد. حضرت فرمود: آفرین بر تو ای سلمان چون به محضر مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسیدی بگو بعد از تو امت تو با علی چه کردند. حضرت مشغول غسل و کفن او شدند و چون بر سلمان نماز گذاردند از آن حضرت صدای تکبیر شدیدی شنیدم و دو نفر دیگر را دیدیم که با آن حضرت نماز می‌گذارند، چون سؤال کردیم فرمود: یکی از آنها برادرم جعفر و دیگری خضر علیه السلام است.

و با هر یک از آن دو هفتاد صف از ملائکه و در هر صفی هزار هزار ملک بودند». (حضرت سلمان را در قبر گذاشتند و خاک بر او انباشتند و سپس به مدینه مراجعت کردند و هنوز سپیدی صبح ظاهر نشده بود). و ابوالفضل تمیمی در این قضیه گوید:

سَمِعْتَمَنِي يَسْرًا فِي عَجَائِبِهِ
وَ كُلِّ امْرِئٍ عَلَيَّ لَمْ يَزَلْ عَجَبًا

تو از من مقدار کمی از عجائب علی بن ابیطالب شنیدی و تمام امور علی همیشه عجیب بوده است.

اَدْرَيْتَ فِي لَيْلَةٍ سَارَ الْوَصِيَّ اِلَيَّ
اَرْضِ الْمَدَائِنِ لَمَّا اِنْ لَهَا طَلْبًا

دانستی که در یک شب وصی رسول خدا چون دعوت شده بود از مدینه به سرزمین مدائن آمد.

فَالْحَدَّ الطُّهْرَ سَلْمَانًا وَ عَادَ أَلَى
عِرَاصٍ يَثْرِبَ وَ الْأَصْبَاحُ مَا قَرُبَا

پس بدن طاهر سلمان را در میان قبر جای داد و سپس قبل از آنکه صبح طلوع کند به سرزمین مدینه برگشت.

كَأَصْفٍ قَبْلَ رَدِّ الطَّرْفِ مِنْ سَبَا
بِعَرْشِ بَلْقَيْسٍ وَأَفَى يَخْرُقُ الْحُجْبَا

مانند آصف بن برخیا وصی سلیمان بن داوود که قبل از یک چشم بر هم زدن و یک مژگان بر هم نهادن از شهر سَبَا تخت بلقیس را برای سلیمان آورد و موانع و حجابها را پاره کرد.

فِي آصْفٍ لَمْ تَقُلْ ءَأَنْتَ بَلِي
أَنَا بِحَيْدَرٍ غَالٍ أوردُ الْكَذِبَا؟

درباره‌ی آصف بن برخیا مگر تو تصدیق نکردی لیکن می‌گوئی که من درباره‌ی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب حیدر علیه السلام غلو کرده‌ام و مطالب دروغ را آورده‌ام؟

إِنْ كَانَ أَحْمَدُ الْمُرْسَلِينَ فَذَا
خَيْرُ الْوَصِيِّينَ أَوْ كُلُّ الْحَدِيثِ هَبَا

اگر آصف بن برخیا که وصی سلیمان است، بتواند عرش بلقیس را در کمتر از یک چشم به هم نهادن از شهر سَبَا حاضر کند پس احمد خاتم الانبیاء و المرسلین است و وصی او که خیر الوصیین چگونه نمی‌تواند در یک شب از مدینه به مدائن آید و برگردد؟

یا آنکه به کلی انکار کن و بگو تمام این مطالب قرآن و آوردن تخت بلقیس از سبأ نیز سخن به مجازفه و پراکنده‌گویی بوده است.

وَ قُلْتَ مَا قُلْتَ مِنْ قَوْلِ الْعُلَاةِ فَمَا
ذَنْبُ الْعُلَاةِ إِذَا قَالُوا الَّذِي وَجَبَا ^(۳۹)

و می‌گویی که این معجزات را اهل غلو به علی نسبت می‌دهند، گناه اهل غلو چیست اگر احیاناً حکایت از امر واقع شده و حقیقی بنمایند.

قسمتی از زمین که ولایت علی را پذیرفت پاکیزه و زیبا و آنکه سرپیچی کرد، نمک زار شد.

در کتاب «المجموع الرائق من أزهار الحدائق» آمده است: برای امیرالمؤمنین علی علیه السلام صد فضیلت و برتری ویژه نقل شده است که این فضائل را شیخ سعید، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قدس سره در روز غدیر خم سال ۳۶۱ روایت نموده است، این فضائل و مناقب از لبان گهربار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جاری شده که خداوند متعال امیرالمؤمنین علی علیه السلام را مخصوص این فضائل گردانیده است.

که در آنجا چند مورد از آن فضائل این است که:

«... او نخستین شخصیتی است که در روز رستاخیز با نامش خوانده می‌شود، او کسی است که فرشتگان به ولایت او به سوی خدا تقرب می‌جویند، او کسی است که ولایتش به نقاط مختلف زمین عرضه شد، آن قسمت که پذیرفت پاکیزه و قابل کشت گشت و آنکه سرپیچی کرد نمکزار شد. او کسی است که ولایتش به گیاهان عرضه شد، آنکه پذیرفت گیاه سودمند گشت و آنکه سر، باز زد سم گشده گشت.»^(۴۰)

اولین کسی که در آسمان علی علیه السلام را برادر گرفت

خوارزمی که از علمای اهل سنت در کتاب «المناقب» از ابن مسعود نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اول کسی که از اهل آسمان علی علیه السلام را برای خود برادر گرفت اسرافیل بود و بعد از او میکائیل و جبرئیل بودند و اول کسانی که از اهل آسمان به دوستی علی علیه السلام مفتخر گردیده‌اند فرشتگانی هستند که عرش الهی را به دوش دارند، بعد از آنها رضوان است که خزانه‌دار بهشت است و بعد از او فرشته‌ی قبض روح یعنی عزرائیل است.

إِلَّا مَلَكَ الْمَوْتِ يَتَرَحَّمُ عَلَىٰ مُحِبِّي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ كَمَا يَتَرَحَّمُ عَلَىٰ لِلْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

و او به دوستان علی بن ابیطالب علیه السلام رحم می کند همانطور که بر پیامبران ترحم می نماید. (۴۱)

بعضی فرشتگان خوراکی و آشامیدنی آنها صلوات بر علی علیه السلام است.

ابن شاذان رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ در کتاب «مِلَّةُ مَنْقَبَةٍ» از ابوهریره نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«خداوند تبارک و تعالی در آسمان چهارم صد هزار فرشته و در آسمان پنجم سیصد هزار و در آسمان هفتم فرشته‌ای را آفرید که سرش زیر عرش الهی و پاهایش زیر زمین است و نیز فرشتگانی را آفرید که عدد آنها از دو طایفه‌ی بزرگ عرب آن روز به نام رَبِيعَةٌ وَ مُضَرٌ بیشتر است.»

لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ وَ لَا شَرَابٌ إِلَّا الصَّلَاةُ عَلَىٰ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مُحِبِّيهِ وَ الْاسْتِغْفَارُ لِشِيعَتِهِ الْمُذْنِبِينَ وَ مَوَالِيهِ. (۴۲)

خوراک آنها و نوشیدنی ایشان چیزی به جز صلوات فرستادن بر امیرالمؤمنین علیه السلام و دوستانش و استغفار کردن برای شیعیان گنهکار و موالیانش نیست.

اشتقاق ملائکه برای دیدن علی علیه السلام

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سلم:

«... إِنَّ مَلَائِكَةَ السَّمَاوَاتِ وَ الْحُجُبِ لَيَسْتَأْفُونَ إِلَىٰ رُؤْيَيْهِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمَا تَسْتَأْفِي الْوَالِدَةُ الشَّقِيقَةَ إِلَىٰ وَلَدِهَا الْبَارَّ الشَّقِيقِ» (۴۳)

حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«... همانا فرشتگان آسمانها و حُجُب، همانند شوق و علاقه‌ی مادر مهربان به فرزند نیکوکار دلسوز مشتاق دیدار علی بن ابیطالب علیه السلام هستند.»

سوگند فرشتگان در میان خودشان، سوگند به علی علیه السلام است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سلم:

«... وَ الَّذِي شَرَّفَ عَلِيًّا عَلَى جَمِيعِ الْوَرَى بَعْدَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى» (۴۴)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «سوگندی که فرشتگان میان خود دارند اینچنین است؛ سوگند خدایی را که علی مرتضی را پس از محمد صلی الله علیه و آله و سلم بر همه‌ی مردم برتری داد.»
فرشتگان برای گرفتن آبی که از دست علی علیه السلام ریخت سبقت می‌گرفتند.

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ (ره) أَنَّهُ قَالَ:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فِي مَجْلِسِهِ وَ مَسْجِدِهِ وَ عِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ إِذْ نَزَلَ عَلَيْهِ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَالَ لَهُ: يَا مُحَمَّدُ! الْحَقُّ يُفْرِئُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ: «أَحْضِرْ عَلِيًّا وَ اجْعَلْ وَجْهَكَ مُقَابِلَ وَجْهِهِ»

ثُمَّ عَرَجَ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى السَّمَاءِ

فَدَعَا النَّبِيَّ عَلِيًّا فَأَحْضَرُوهُ وَ جَعَلَ وَجْهَهُ مُقَابِلَ وَجْهِهِ فَنَزَلَ جِبْرَائِيلُ ثَانِيًا وَ مَعَهُ طَبَقٌ فِيهِ رُطْبٌ فَوَضَعَهُ بَيْنَهُمَا ثُمَّ قَالَ:

كُلَّا فَأَكَلَا ثُمَّ أَحْضَرَ طَشْتًا وَ إِبْرِيْقًا وَ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ آلِكَ قَدْ أَمَرَكَ اللَّهُ أَنْ تُصَبَّ الْمَاءَ عَلَى يَدِي عَلِيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ السَّمْعُ وَ الطَّاعَةُ لِلَّهِ وَ لِمَا أَمَرَنِي بِهِ رَبِّي ثُمَّ أَخَذَ الْإِبْرِيْقَ وَ قَامَ يَصُبُّ الْمَاءَ عَلَى يَدِ عَلِيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَنَا أَوْلَى أَنْ أُصَبَّ الْمَاءَ عَلَى يَدِكَ فَقَالَ لَهُ يَا عَلِيُّ! إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى أَمَرَنِي بِذَلِكَ وَ كَانَ كَلِّمَا صَبَّ الْمَاءَ عَلَى يَدِ عَلِيٍّ لَمْ يَقَعْ مِنْهُ قَطْرَةٌ فِي الطَّشْتِ فَقَالَ عَلِيٌّ:

يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنِّي لَمْ أَرْ شَيْئًا مِنَ الْمَاءِ يَقَعْ فِي الطَّشْتِ!؟

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: يَا عَلِيُّ! إِنَّ الْمَلَائِكَةَ يَتَسَابِقُونَ عَلِيَّ

أَخْذَ الْمَاءِ الَّذِي يَقَعْ مِنْ يَدِكَ فَيَغْسِلُونَ بِهِ وَجُوهَهُمْ يَتَبَرَّكُونَ بِهِ» (۴۵)

ابن عباس نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مسجد حضور داشتند و جمعی از مهاجرین و انصار نزد آن حضرت بودند، ناگهان جبرئیل علیه السلام بر آن حضرت نازل شد و عرض کرد: ای محمد! حق

تعالی بر تو سلام می‌رساند و می‌فرماید علی را حاضر کن و او را روبروی خودت بنشان. جبرئیل این فرمان الهی را رساند و به آسمان برگشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هم علی علیه السلام را حاضر کرد و او را روبروی خود نشانید. جبرئیل دوباره نازل شده و به همراه خود طبّقی از خرما آورد و بین آن دو بزرگوار قرار داد و عرض کرد: از آن میل کنید و آنها خوردند سپس تشت و آفتابه‌ی آبی آورد و عرض کرد: ای رسول خدا! پروردگارت فرموده است که تو آب را روی دستهای علی بن ابیطالب علیه السلام بریزی.

فرمود: سَمْعًا وَ طَاعَةً، آنچه را خداوند امر کند اطاعت می‌کنم، آنگاه آفتابه را برداشت و برخاست که آب روی دستهای علی علیه السلام بریزد. علی علیه السلام به آن حضرت عرض کرد: ای رسول خدا! من سزاوارترم که آب روی دستهای مبارک شما بریزم. فرمود: ای علی! خداوند چنین فرمان داده است و به من چنین مأموریتی داده است؛ و آب را روی دستهای علی علیه السلام که می‌ریخت قطره‌ای از آن در تشت نمی‌ریخت. علی علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا! آنها را نمی‌بینم که در میان تشت بریزد. فرمود: «ای علی! فرشتگان از یکدیگر سبقت می‌گیرند در اینکه آبی که از دستهای تو می‌ریزد بگیرند و به عنوان تبرک چهره‌ی خود را با آن شستشو دهند.» پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در معراج از فضائل علی علیه السلام به وجد می‌آید.

عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَمَّا أُسْرِيَ بِرَسُولِ اللَّهِ إِلَى السَّمَاءِ وَ أُوحِيَ اللَّهُ إِلَيْهِ فِي عَلِيٍّ مَا أُوحِيَ مِنْ شَرَفِهِ وَ مِنْ عِظَمِهِ عِنْدَ اللَّهِ وَ رُدَّ إِلَى الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَ جَمَعَ لَهُ النَّبِيِّينَ وَ صَلَّوْا خَلْفَهُ عَرَضَ فِي نَفْسِ رَسُولِ اللَّهِ مِنْ عِظَمِ مَا أُوحِيَ إِلَيْهِ فِي عَلِيٍّ فَأَنْزَلَ اللَّهُ فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسْئَلِ الَّذِينَ يَفْرُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ يَعْنِي لِلنَّبِيِّينَ - فَقَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ فِي كُتُبِهِمْ مِنْ فَضْلِهِ مَا أَنْزَلْنَا فِي كِتَابِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ وَ لَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ فَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَوَ اللَّهُ مَا شَكَّ وَ مَا سَأَلَ

از ابن عباس از امام صادق علیه السلام نقل شده که حضرت فرمودند:
هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شب معراج به سوی
آسمانها برده شدند، خداوند از شرافت و عظمت حضرت علی علیه السلام برای
پیامبر تعریف کرد، تا اینکه پیامبر به بیت‌المعمور رفتند و تمام پیامبران پشت
سر او نماز گزاردند.

بعد از نماز، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از آنچه خداوند درباره‌ی علی
علیه السلام و مقام و منزلت او برایش صحبت کرده بود به شگفت آمد و (در
فکر فرو رفت) و در همین حال بود که وحی الهی نازل شد که: «فَإِنْ كُنْتَ فِي
شَكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسْئَلِ الَّذِينَ يُقْرُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ» (۴۶)
ای پیامبر ما، اگر در آنچه بر تو نازل کردیم و حرفش را زدیم شک داری،
پس از کسانی که قبل از تو کتاب خدا را خوانده‌اند سؤال کن که آیا چنین
است یا نه؟»

یعنی از پیامبران پشت سر خود سؤال کن، که آنچه در کتب ایشان از
فضائل علی علیه السلام بیان شد، برای تو هم همان را بیان کردیم.
«لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَبُوا
بِآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ»
همانا حق از جانب پروردگارت آمد. پس در حقانیت او هیچگاه شک مکن
و از کسانی مباش که آیات الهی را تکذیب کردند (که اگر چنین کنی) از
زیانکاران عالم خواهی شد.»

سخن که بدینجا رسید امام صادق علیه السلام فرمودند:
به خدا قسم، نه پیامبر در فضائل علی علیه السلام شک کرد و نه از انبیاء
سؤال نمود؛ (بلکه از فضائل علی علیه السلام به شور و شغف درآمده بود و
تمام وجود او را خوشحالی محض فرا گرفته بود). (۴۷)
پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در معراج، خروسی دید که صدا می‌زد
علی علیه السلام امیرالمؤمنین است.

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رَأَيْتُ لَيْلَةَ أُسْرِي
بِي إِلَى السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ دِيكًا بَدَنَهُ دُرَّةٌ بَيْضَاءٌ وَ عَيْنَاهُ يَاقُوتَتَانِ حَمْرَاوَانِ وَ رِجْلَاهُ مِنْ

الزَّبْرَجِدِ الْأَخْضَرِ وَهُوَ يُنَادِي «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيُّ اللَّهِ فَاطِمَةُ وَوَلَدُهَا الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَفْوَةُ اللَّهِ يَا غَافِلِينَ اذْكُرُوا اللَّهَ عَلَى مُبْغِضِهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ»

ابن عباس می گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: شبی که به معراج رفته بودم خروسی را دیدم که بدنش در سفید و دو چشمش از یاقوت قرمز و دو پایش از زبرجد سبز بود و این خروس صدا می زد:

«هیچ خدایی جز الله نیست، محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرستاده‌ی خداست، علی بن ابیطالب علیه السلام امیرالمؤمنین، دوست صمیمی خداست، فاطمه سلام الله علیها و دو فرزندش حسن و حسین علیهما السلام برگزیدگان خدا هستند. ای غافلین، یاد خدا کنید که بر دشمنان اینان لعنت خداست (و با لعنت بر دشمنان اینان، به یاد خدا باشید).»

عروج علی علیه السلام به آسمان برای حکم بین ملائکه

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: أَتَيْتُ فَاطِمَةَ سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهَا فَقُلْتُ لَهَا: أَيْنَ بَعْلُكَ؟ فَقَالَتْ عَرَجَ بِهِ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى السَّمَاءِ. فَقُلْتُ فِي مَاذَا؟

فَقَالَتْ: إِنَّ نَفْرًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ تَشَاجَرُوا فِي شَيْءٍ فَسَأَلُوا حَكَمًا مِنَ الْأَدَمِيِّينَ فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِمْ أَنْ تَخَيَّرُوا، فَاخْتَارُوا عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

عبدالله بن مسعود گفته: خدمت حضرت زهرا سلام الله علیها رسیدم و عرض کردم شوهرت کجاست؟ فرمود: جبرئیل او را به آسمان برده است. عرض کردم در چه رابطه‌ای؟ فرمود: گروهی از ملائکه در مسأله‌ای مشاجره نموده خواستار حکمی از میان آدمیان شدند. سپس خداوند تعالی به آنها وحی فرمود که حکم را انتخاب نمایید و ملائکه علی بن ابیطالب علیه السلام را برگزیدند. (۴۸)

چشم بینای خداوند در میان بندگان، علی علیه السلام است.

رَوَى الْأَصْبَغُ بْنُ نَبَاتَةَ أَنَّ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَجْلِسُ لِلنَّاسِ فِي نَجْفِ الْكُوفَةِ، فَقَالَ يَوْمًا لِمَنْ حَوْلَهُ مَنْ يَرَى مَا أَرَى؟

فَقَالُوا: وَمَا تَرَى يَا عَيْنَ اللَّهِ النَّاطِرَةَ فِي عِبَادِهِ؟ فَقَالَ: أَرَى بَعِيرًا يَحْمِلُ جِنَازَةً وَ رَجُلًا يَسُوقُهُ وَ رَجُلًا يَقُودُهُ وَ سَيَاتِيكُمْ بَعْدَ ثَلَاثَ.

فَلَمَّا كَانَ الْيَوْمَ الثَّلَاثُ قَدِمَ الْبَعِيرُ وَ الْجِنَازَةُ مَشْدُودَةً عَلَيْهِ وَ رَجُلَانِ مَعَهُ فَسَلَّمَ عَلَى الْجَمَاعَةِ فَقَالَ لَهُمَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ أَنْ حَيَّاهُمْ مَنْ أَنْتُمْ وَ مَنْ أَيْنَ أَقْبَلْتُمْ وَ مَنْ هَذِهِ الْجِنَازَةُ وَ لِمَاذَا قَدِمْتُمْ؟

اصْبَغَ بنِ نَبَاتِهِ رَوَايَتِ كَرْدِ كِه اميرالمؤمنين عليه السلام در بلنديهاي كوفه براي برآوردن حاجات مردم مي نشست. روزي به افراي كه در اطراف آن جناب بودند فرمود: كداميك از شما آنچه را كه من مي بينم مي بيند؟ گفتند: اي چشم بيناي خدا در ميان بندگان! چه چيزي را مي بيني؟

فرمود: شترى را مي بينم كه جنازه‌اي را حمل مي كند و مردى را مي بينم كه شتر را مي راند و مرد ديگرى زمام آن را مي كشد و به زودى بعد از گذشت سه روز بر شما وارد مي شوند. وقتى روز سوم فرا رسيد آن دو مرد به همراه شتر در حالى كه جنازه‌اي بر روى آن بسته شده بود، وارد شدند و بر جماعت سلام كردند. اميرالمؤمنين عليه السلام بعد از احوالپرسى از آنها پرسيد: شما كي هستيد و از كجا مي آييد و اين جنازه‌ي كيست و براي چه آمده ايد؟

فَقَالُوا: نَحْنُ مِنَ الْيَمَنِ وَ أَمَّا الْمَيِّتُ فَأَبُونَا وَ لِئَنَّهُ عِنْدَ الْمَوْتِ أَوْصَىٰ إِلَيْنَا فَقَالَ إِذَا عَسَلْتُمُونِي وَ كَفَنْتُمُونِي وَ صَلَّيْتُمْ عَلَيَّ فَاحْمِلُونِي عَلَيَّ بَعِيرِي هَذَا إِلَى الْعِرَاقِ وَ ادْفِنُونِي هُنَاكَ بِنَجْفِ الْكُوفَةِ فَقَالَ لَهُمَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ هَلْ سَأَلْتُمَاهُ لِمَاذَا فَقَالَا أَجَلٌ قَدْ سَأَلْنَاهُ فَقَالَ يُدْفَنُ هُنَاكَ رَجُلٌ لَوْ شَفَعَ فِي يَوْمِ الْعَرْضِ فِي أَهْلِ الْمَوْقِفِ لَشَفَعَ فَقَامَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَالَ صَدَقَ أَنَا وَ اللَّهُ ذَلِكَ الرَّجُلُ.

عرضه داشتند ما از اهل يمن هستيم. اما اين ميت پدر ماست و هنگام مرگ به ما وصيت كرد و گفت: وقتى كه مرا غسل داديد و كفن نموديد و بر من نماز خوانديد، مرا به اين شترم سوار كنيد و به جانب عراق ببريد و در بلنديهاي كوفه دفن نماييد. اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: آيا از او سؤال كرديد براي چه چنين كنيم؟ گفتند: آري از او پرسيديم و او پاسخ داد كه در آنجا مردى دفن مي شود كه اگر در روز قيامت تمام اهل محشر را شفاعت نمايد به شفاعتش پذيرفته مي شود. اميرالمؤمنين عليه السلام برخاست و فرمود: راست گفته، به خدا قسم آن مرد من هستم. (۴۹)

عائب بر امیرالمومنین علیه السلام مشرک به خداست

حَدَّثَنَا سَعِيدٌ الْأَعْرَجُ قَالَ دَخَلْتُ أَنَا وَ سُلَيْمَانَ بْنَ خَالِدٍ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ
السلام فَأَبْتَدَأْنَا فَقَالَ:

يَا سُلَيْمَانُ مَا جَاءَ عَنُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُؤْخَذُ بِهِ وَ مَا نَهَى عَنْهُ يُنْتَهَى
عَنْهُ جَرَى لَهُ مِنَ الْفَضْلِ مَا جَرَى لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ لِرَسُولِ
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ الْفَضْلُ عَلَى جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ الْمُعَيَّبُ عَلَى
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي شَيْءٍ مِنْ أَحْكَامِهِ كَالْمُعَيَّبِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ عَلَى
رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ الرَّأدُّ عَلَيْهِ فِي صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ عَلَى حَدِّ الشَّرْكِ
بِاللَّهِ كَانَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ بَابِ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ وَ سَبِيلَهُ الَّذِي
مَنْ سَلَكَ بَغْيَرَهُ هَلَكَ وَ بِذَلِكَ جَرَتْ الْأَثْمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ أَحَدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ جَعَلَهُمُ اللَّهُ
أَرْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَ مَنْ تَحْتَ الثَّرَى.

سعید اعرج گوید: من و سلیمان بن خالد، خدمت امام صادق علیه السلام

رسیدیم، حضرت آغاز به سخن نمود و فرمود:

ای سلیمان، هر امری که از امیرالمومنین علیه السلام رسید، باید اخذ شود
و از هر چه نهی فرموده باید ترک شود. برای او همان فضیلتی است که برای
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و رسول خدا صلی الله علیه و آله
و سلم برتر از تمام مخلوقات خداست. کسی که نسبت به چیزی از احکام او
عیب گیرد، مانند کسی است که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
عیب گرفته است و هر که او را در امری، کوچک یا بزرگ، رد کند در مرز
شرک به خداست. امیرالمومنین علیه السلام دری است که از غیر آن به خدا
نتوان رسید و راه به سوی خداست که هر که جز آن پوید، هلاک شود و
همچنین است مقام ائمه علیهم السلام یکی پس از دیگری، خدا ایشان را
ارکان زمین قرارداد تا اهلش را نجنباند و حجت رسای خویش نمود تا بر
کسانی که روی زمین و زیر خاک هستند.

خدایا تا چهره‌ی علی علیه السلام راجه من نشان نداده‌ای مرا نمیران

(... ابو جراح گفت: نقل نمود به من جابر فرزند صبیح گفت: حدیث کرد به من ام سرجیل و گفت: نقل کرد به من ام عطیه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم لشکری را به جنگی فرستاد و علی ابن ابیطالب علیه السلام در میان آنان بود، پس من شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دعا کرده و دستش را بلند کرده و می‌فرمود: خدایا تا چهره‌ی علی علیه السلام را به من نشان نداده‌ای مرا نمیران. (۵۰)

حدیث کوثر

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ قَالَ لِي جِبْرِئِيلُ تَقَدَّمَ يَا مُحَمَّدُ أَمَامَكَ وَارَانِي الْكُوْثَرَ وَ قَالَ يَا مُحَمَّدُ هَذَا الْكُوْثَرُ لَكَ دُونَ النَّبِيِّينَ فَرَأَيْتُ عَلَيْهِ قُصُورًا كَثِيرَةً مِنَ اللَّوْلُؤِ وَ الْيَاقُوتِ وَ الدَّرِّ وَ قَالَ يَا مُحَمَّدُ هَذِهِ مَسَاكِينُكَ وَ مَسَاكِينُ وَزِيرِكَ وَ وَصِيكَ عَلَيَّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ وَ ذُرِّيَّتِهِ الْأَبْرَارِ قَالَ فَضْرَبْتُ بِيَدِي إِلَى بَلَّاطِهِ فَشَمِمْتُهُ فَإِذَا هُوَ مِسْكٌ وَ إِذَا أَنَا بِالْقُصُورِ لَبِنَةٌ ذَهَبٌ وَ لَبِنَةٌ فِضَّةٌ.

آنس بن مالک می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می فرمود: شب معراج در مکانی از آسمان هفتم جبرئیل به من گفت: ای محمد به جلو برو و در همین حال کوثر را به من نشان داد و گفت: ای محمد؛ این کوثر در میان تمام انبیاء فقط اختصاص به تو دارد. و من در آن قصرهای زیادی از لؤلؤ و یاقوت و در دیدم.

جبرئیل به من گفت: یا محمد؛ این قصرها جایگاه تو و جایگاه جانشین و وزیر تو علی بن ابیطالب علیه السلام و ذریه ی پاک و نیکوکار او می باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمودند: پس من دستم را بر سنگی از آن زدم و آن را بو کردم و بوی مشک دستم را فراگرفته بود و دیدم که قصرهای کوثر از طلا و نقره ساخته شده بود. (۵۱)

حدیث اصحاب کهف و علی علیه السلام

مَا رَوَى عَنْ شَرِيكَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ... أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بَعَثَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامَ وَ لُبَّابَكِرٍ وَ عُمَرَ إِلَى أَصْحَابِ الْكَهْفِ فَقَالَ أَتُوتُهُمْ فَأَبْلُغُوهُمْ مِنِّي السَّلَامَ.

فَلَمَّا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِهِ قَالُوا: «لِعَلِيٍّ تَدْرِي أَيْنَ هُمْ.»
فَقَالَ: «مَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَبْعَثُنَا إِلَى مَكَانٍ إِلَّا هَدَانَا اللَّهُ لَهُ»

فَلَمَّا أَوْقَفَهُمْ عَلَى بَابِ الْكَهْفِ قَالَ: «يَا أَبَا بَكْرٍ سَلِّمْ فَإِنَّكَ أَسْتَنَّا.» فَسَلَّمَ فَلَمْ يُجِبْ. ثُمَّ قَالَ: «يَا أَبَا حَفْصٍ سَلِّمْ فَإِنَّكَ أَسَنُّ مِنِّي.» فَسَلَّمَ فَلَمْ يُجِبْ. قَالَ: فَسَلَّمَ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَردُّوا السَّلَامَ وَ حَيَّوهُ وَ أَبْلَغَهُمْ سَلَامَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فَردُّوا عَلَيْهِ.

فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: «سَلِّ هُمْ مَا لَهُمْ سَلَّمْنَا عَلَيْهِمْ فَلَمْ يَسَلِّمُوا عَلَيْنَا.» قَالَ: «سَلِّ هُمْ أَنْتَ.» فَسَأَلَهُمْ فَلَمْ يَتَكَلَّمُوا ثُمَّ سَأَلَهُمْ عُمَرُ فَلَمْ يَكَلِّمُوهُ، فَقَالَ: «يَا أَبَا الْحَسَنِ سَلِّ هُمْ أَنْتَ.»

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ صَاحِبِي هَدَيْنِي سَأَلَنِي أَنْ أُسَأَلَ لِمَ رَدَدْتُم عَلَيَّ وَ لِمَ تَرُدُّوا عَلَيَّهِمَا؟»

قَالُوا: «لَأَنَّا لَا نَكَلِّمُ إِلَّا نَبِيًّا أَوْ وَصِيَّ نَبِيٍّ.»

شریک بن عبد الله می گوید:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام و ابو بکر و عمر را به سوی اصحاب کهف فرستاد و فرمود: سلام مرا به آنها برسانید. وقتی که از نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیرون رفتند، آن دو به علی علیه السلام گفتند: جای آنها را می شناسی؟

حضرت فرمود: «پیامبر ما را جایی نمی فرستد. مگر اینکه خدا ما را به آنجا هدایت کند!» هنگامی که بر در غار رسیدند، علی علیه السلام به ابوبکر گفت: «تو سلام کن چون تو مسن تر از ما هستی.»

او سلام کرد ولی به او جواب ندادند.

امام علیه السلام به عمر گفت: «ای ابا حفص تو سلام کن، چون سن تو نیز از سن من زیادتر است.»

عمر سلام کرد ولی به او نیز جواب ندادند.

اما وقتی که علی علیه السلام سلام داد. جواب او را دادند و حضرت سلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به آنها رساند و آنها نیز بر پیامبر سلام رساندند.

ابوبکر گفت: از اینها بپرس چرا جواب ما را ندادند ولی جواب تو را دادند؟

حضرت فرمود: خودت بپرس. ابوبکر پرسید، ولی با او سخن نگفتند: عمر

نیز پرسید باز هم حرف نزدند. به حضرت گفتند: ای ابا الحسن! تو سؤال کن.

حضرت فرمود: رفقای من می گویند: چرا جواب آنها را ندادید، ولی جواب مرا دادید. گفتند: «ما فقط با پیامبر و وصی او سخن می گوئیم.»^(۵۲)

حدیث مصافحه علی علیه السلام

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ صَافَحَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَكَانَتْ مِثْلَ صَافِحِي وَمَنْ صَافِحَنِي فَكَانَتْ مِثْلَ صَافِحِ أَرْكَانِ الْعَرْشِ وَمَنْ عَانَقَهُ فَكَانَتْ مِثْلَ عَانِقِي وَمَنْ عَانَقَنِي فَكَانَتْ مِثْلَ عَانِقِ الْأَنْبِيَاءِ كُلِّهِمْ وَمَنْ صَافَحَ مُحِبًّا لِعَلِيٍّ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الذُّنُوبَ وَأَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ.^(۵۳)

ابن عباس می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هر کس با علی علیه السلام مصافحه کند، مانند آن است که با من مصافحه نموده و هر کس با من مصافحه نماید، مانند آن است که با ارکان عرش مصافحه کرده و هر کس با علی علیه السلام معانقه کند، مانند آن است که با من معانقه کرده و هر کس با من معانقه کند مانند آن است که با همه ی انبیاء علیهم السلام معانقه کرده باشد و هر کس با محبت، علی علیه السلام را مصافحه نماید، خداوند گناهان او را ببخشد و او را بدون حساب داخل بهشت کند.

شوق درخت طوبی به حضرت علی علیه السلام

امام محمد باقر علیه السلام از اجداد طاهرینشان علیهم السلام نقل می کنند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: در شب معراج در آسمان ششم درختی دیدم که زیباتر و بزرگتر از آن درخت را تا به حال ندیده بودم.

پس به جبرئیل گفتم: ای دوست من! - جبرئیل - این درخت چیست؟ گفت: این درخت طوبی است ای حبیب من. گفتم: این صدای زیبا و بلند که می آید چیست؟ گفت: این صدای درخت طوبی است. گفتم چه می گوید:

گفت: مرتب می گوید: «وَ شَوْقَاهُ إِلَيْكَ يَا عَلِيُّ بْنَ أَبِي طَلِّبٍ» ای علی چقدر مشتاق تو هستم. (۵۴)

علی علیه السلام وارث پیراهن شب معراج

در روایتی است که امام صادق علیه السلام فرمودند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در آخرین لحظه های زندگی خود حضرت علی علیه السلام را وارث اموال خود معرفی نمودند و از جمله آن اموال پیراهنی بود که پیامبر با آن به معراج رفته بودند: «وَ الْقَمِيصِ الَّذِي أُسْرِيَ بِهِ فِيهِ» (۵۵)

شوق درخت سدره المنتهی به علی علیه السلام

عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ وَ انْتَهَيْتُ إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى شَمِمْتُ وَ هَبَّتْ مِنْهَا رِيحٌ نَبَقَهَا فَقُلْتُ لِجَبْرَائِيلَ: مَا هَذَا؟ فَقَالَ: هَذِهِ سِدْرَةُ الْمُنْتَهَى اشْتَأَقْتُ إِلَى ابْنِ عَمِّكَ حِينَ نَظَرْتُ إِلَيْكَ فَسَمِعْتُ مُنَادِيًا يُنَادِي مِنْ عِنْدِ رَبِّي مُحَمَّدٌ خَيْرُ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ خَيْرُ الْأَوْلِيَاءِ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ. (۵۶)

ابوایوب انصاری (علیه الرحمه) نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: چون شب معراج به آسمانها برده شدم، در سدره المنتهی نسیم و بوی خوشی احساس کردم. به جبرئیل گفتم: این نسیم و بوی خوش چیست؟ گفت: این سدره المنتهی است موقعی که به تو نگاه کرد مشتاق پسر عمویت علی بن ابیطالب علیه السلام شد در این هنگام به سوی تو نگاه کرد پس شنیدم که منادی ندا می دهد که محمد بهترین انبیاء و امیرالمومنین بهترین اولیاء است.

وسعت قلب علی علیه السلام

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ:

كُنْتُ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِذَا أُقْبِلَ عَلَيَّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «يَا أَبَاهُ رَيْرَهُ! أَتَدْرِي مَنْ هَذَا؟» قُلْتُ نَعَمْ يَا رَسُولَ اللهِ هَذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هَذَا الْبَحْرُ الرَّأخِرُ هَذَا الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ أُسْخِي مِنَ الْفُرَاتِ كَفًّا وَ أَوْسَعُ مِنَ الدُّنْيَا قَلْبًا فَمَنْ أَبْغَضَهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللهِ (٥٧)

ابوهریره می گوید: در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودیم که علی بن ابیطالب علیه السلام وارد شد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ای اباهریره! آیا می دانی این کیست؟ عرضه داشتیم: آری ای رسول خدا! این علی بن ابیطالب است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: این است دریای مواج، این است خورشید فروزان، دست با سخاوت او بخشنده تر از فرات، قلب او وسیع تر از دنیا است؛ پس هر که بغض و کینه‌ی او را در دل داشته باشد لعنت خدا بر او باد.

هر کس ولایت علی علیه السلام را داشته باشد به کمال می‌رسد

عن ابن عباس قال: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ دَمِي مِنْ بَدَنِي مَنْ تَوَلَّاهُ رَشِدٌ وَمَنْ أَحَبَّهُ نَهَجٌ وَمَنْ تَبِعَهُ نَجَا أَلَا وَ إِنَّ عَلِيًّا رَابِعُ الْأَرْبَعَةِ فِي الْفِرْدَوْسِ: أَنَا وَ هُوَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ (٥٨)

ابن عباس می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: علی علیه السلام نسبت به من، به منزله‌ی خون من در بدنم است، هر کس ولایت او را داشته باشد، رشد می‌کند (به کمال می‌رسد) و هر کس او را دوست داشته باشد، راهش روشن است و در صراط مستقیم است و هر کس از او تبعیت کند نجات یابد آگاه باشید! علی علیه السلام چهارمین نفر از چهار نفر (ممتاز) اهل بهشت می‌باشد (آن چهار نفر عبارتند از: من و علی علیه السلام و حسن و حسینعلیهما السلام).

حدیث السّطل

عن طاووس، عن ابن عباس، قال

صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ صَلَاةَ الْعَصْرِ، ثُمَّ قَامَ عَلَيَّ قَدَمِيهِ، فَقَالَ: «مَنْ يَحِبُّنِي وَيَحِبُّ أَهْلَ بَيْتِي فَلْيَتَّبِعْنِي» فَاتَّبَعْنَا بِأَحْمَعْنَا حَتَّى أَتَى مَنْزِلَ فَاطِمَةَ سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهَا فَفَرَعَ الْأَبَابَ قَرَعًا خَفِيفًا فَخَرَجَ إِلَيْهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعَلَيْهِ سَمَلَةٌ وَيَدُهُ مُلَطَّخَةٌ بِالطَّيْنِ، فَقَالَ لَهُ «يَا أَبَا الْحَسَنِ! حَدَّثَ النَّاسَ بِمَا رَأَيْتَ أُمْسٍ» فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «نَعَمْ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّ يَا رَسُولَ اللَّهِ! بَيْنَمَا أَنَا فِي وَفْتِ صَلَاةِ الظُّهْرِ أَرَدْتُ الطَّهُّورَ، فَلَمْ يَكُنْ عِنْدِي الْمَاءُ، فَوَجَّهْتُ وَلَدِي الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ فِي طَلَبِ الْمَاءِ فَأَبْطِئَا عَلَيَّ فَإِذَا أَنَا بِهَاتِفٍ يَهْتِفُ:

يَا أَبَا الْحَسَنِ! أَقْبِلْ عَلَيَّ يَمِينِكَ، فَالْتَفَتُّ فَإِذَا أَنَا بِقَدَسٍ مِنْ ذَهَبٍ مُعَلَّقٍ فِيهِ مَاءٌ أَشَدُّ بَيَاضًا مِنَ الثَّلْجِ وَ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ فَوَجَدْتُ فِيهِ رَائِحَةَ الْوَرْدِ فَتَوَضَّأْتُ مِنْهُ وَ شَرِبْتُ جُرْعَاتٍ ثُمَّ قَطَّرْتُ عَلَيَّ رَأْسِي قَطْرَةً وَجَدْتُ بَرْدَهَا عَلَيَّ فَوَادَى.»

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «هَلْ تَدْرِي مِنْ أَيْنَ ذَلِكَ الْقَدَسُ؟» قَالَ «اللَّهُ تَعَالَى وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ» قَالَ: الْقَدَسُ مِنْ أَقْدَاسِ الْجَنَّةِ وَ الْمَاءُ مِنْ تَحْتِ شَجَرَةِ طُوبَى أَوْ قَالَ مِنْ نَهْرِ الْكَوْثَرِ وَ أَمَّا الْقَطْرَةُ فَمِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ» ثُمَّ ضَمَّهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِلَى صَدْرِهِ وَ قَبَّلَ مَا بَيْنَ عَيْنَيْهِ ثُمَّ قَالَ حَبِيبِي مَنْ كَانَ خَادِمُهُ بِالْأُمْسِ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَمَحَلُّهُ وَ قَدْرُهُ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ» (٥٩)

ابن عباس می گوید:

نماز عصر را پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خواندیم، آنگاه پس از نماز روی پای مبارک ایستادند و فرمودند: هر کس من و اهل بیت مرا دوست می‌دارد، با من بیاید. ما همگی پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به راه افتادیم تا به منزل فاطمه سلام الله علیها رسیدیم آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آهسته در زدند، پس علی بن ابیطالب علیه السلام آمدند، در حالی که عبا به دور خود پیچیده و دست ایشان گل آلود بود، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ای ابالحسن! آنچه را روز گذشته دیده‌ای برای مردم تعریف کن.

علی علیه السلام عرض کرد: آری، پدر و مادرم فدای شما باد ای رسول خدا! دیروز هنگام نماز ظهر، خواستم وضو بگیریم، اما آب در خانه نبود پس فرزندانم حسن و حسین علیهما السلام را به دنبال آب فرستادم، اما آنها دست خالی بازگشتند. ناگهان هاتفی ندا داد: ای ابالحسن! به طرف راست برو! پس به سمت راست نگاه کردم، سطل آبی میان زمین و آسمان معلق بود، در آن آبی از برف سفیدتر و از عسل شیرین تر بود که بویی همچون عطر گل داشت با آن آب وضو ساختم و چند جرعه نیز از آن آب آشامیدم، پس قطره آبی هم بر سرم ریختم، که خنکی آن در قلبم احساس نمودم. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: آیا می دانی این سطل آب از کجا آمده بود؟ علی علیه السلام عرض کرد: خدا و رسولش دانایانتر است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: این سطل از سطل های بهشت و آب داخل آن از زیر درخت طوبی بود و اما آن قطره که (خنکی آن را در قلبت احساس نمودی) از زیر عرش الهی بود پس رسول خدا او را در آغوش گرفتند و سینه ی خود را به سینه ی او چسبانیدند و بین دو چشم او را بوسیدند و فرمودند:

حبیب من کسی است که جبرئیل علیه السلام دیروز خادمش بوده پس قدر و منزلت او نزد خداوند بسیار عظیم است.

حک شدن نام علی علیه السلام روی عقیق

سید رضی در مناقب مفاخر می گوید:

شیخ واعظ پدر مجد پسر رشاد از شیخ غزالی روایت کرده است:
وقتی مهاجرین خواستند از حَبَشَه به مدینه بازگردند، پادشاه حَبَشَه به آنها گفت:

من می خواهم هدیه‌ای برای پیامبران بفرستم، آن گاه چند دانه یاقوت و عقیق داخل کیسه‌ای گذاشت و به آنها داد، پس مهاجرین خداحافظی کردند و به مدینه بازگشتند و آن هدایا را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دادند، ایشان آن هدایا را بین اصحاب تقسیم کردند و هیچ چیزی برای خودشان نگذاشتند به جز یک دانه عقیق، سپس به امام علی علیه السلام رو کردند و فرمودند:

ای علی! برو نزد نقاش تا آنچه من دوست دارم یعنی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را روی این عقیق حک کند.

علی علیه السلام هم نزد نقاش رفت و به او گفت: روی این عقیق آنچه را رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم دوست دارد یعنی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را و هر آنچه را که من دوست دارم یعنی «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» را حک کن.

نقاش نیز آن را به دستور امام علی علیه السلام روی عقیق حک کرد و امام علی علیه السلام آن را برداشتند و نزد پیامبر برگشتند و آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دادند، وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عقیق را دیدند خیلی تعجب کردند و به امام علی علیه السلام فرمودند:

ای علی! آیا به تو نگفتم فقط یک سطر روی آن حک کند، پس چرا این سه سطر است؟

امام علی علیه السلام در جواب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردند: قسم به آن خدایی که شما را بر حق برگزید، من فقط به نقاش گفتم دو سطر روی عقیق حک کند، آنچه را که شما دوست داشتید «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و آنچه را که من دوست داشتم «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» و من از سطر سوم هیچ خبر ندارم، پس در همان لحظه جبرئیل امین علیه السلام نازل شد و فرمود:

ای محمد! پروردگارت به تو سلام می‌رساند و ... می‌فرماید:
سلام مرا به علی علیه السلام برسان و ... ای محمد! توبه علی امر
فرمودی آنچه را که دوست داشتی حک کند و علی علیه السلام نیز آنچه را
که دوست داشت به نقاش امر فرمود و ما نیز آنچه را که دوست داشتیم امر
فرمودیم؛ «عَلِيٌّ وَلِيُّ اللَّهِ».^(۶۰)

عقد اخوت پیامبر فقط با علی علیه السلام

احمد بن حنبل آورده است که عمر گفت:
پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مراسم اخوت و برادری را بین مسلمانان
برقرار کرد و علی علیه السلام را ترک نمود تا کار به پایان رسید و برادری
برای علی معرفی نشد. پس علی علیه السلام فرمود: یا رسول الله! مراسم
أخوت را بین افراد مسلمان برقرار نمودی اما مرا ترک کردی! پیامبر صلی الله
علیه و آله و سلم فرمود: از چه رو پنداری تو را ترک کردم؟ همانا تو را ترک
نمودم برای خودم آنگاه فرمود:

«أَنْتَ أَخِي وَ لَنَا أَخُوكَ فَإِنْ ذَاكَ أَحَدٌ فَقُلْ لَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ لَأَ
يَدْعِيهَا بَعْدَكَ إِلَّا كَذَّابٌ

تو برادر منی و من برادر تو، پس اگر کسی در این باره با تو سخن گفت، بگو
من بنده خدا و برادر رسول هستم، هرگز کسی بعد از من ادعای این مقام را
نکند مگر کذاب دروغگو.^(۶۱)

حدیث نخله صیحانی

علامه عینی صنفی با ذکر سند نقل کرده است که ابوبکر گفت: رسول خدا
صلی الله علیه و آله و سلم گویا هنگامی که ندایی از درخت خرمایی به گوش
حضرتش رسید فرمود:

أ تدرن ما قالت النخله؟ آیا می‌دانید نخله چه گفت؟
ما گفتیم: خدا و رسولش بدان آگاهتر باشند.

پیامبر فرمود: صاحت «هَذَا مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَوَصِيَّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ» (۶۲)
درخت نخله‌ی فریاد زد: این محمد، رسول خدا است و وصیش علی بن
ابیطالب علیه السلام «

فَسَمَّاهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مِنْ تِلْكَ الصَّحْبِيَّةِ؛ «نَخْلَةُ الصَّيْحَانِي»
پس به همین علت (که آن نخل صیحه زد) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله
و سلم آن را نخل صیحانی نامیدند.

حدیث جام آسمانی

در ارشاد القلوب دیملی از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که:
رسول خدا در جای از مسجدش در مدینه نشست و گروهی از مهاجرین و
انصار گردش بودند و حضرت امیرالمومنین هم در طرف راست و ابوبکر و عمر
هم در طرف چپ پیامبر بودند ناگاه ابری بر او سایه افکند حضرت رسول
فرمود ای ابالحسن! از طرف خداوند ارمغانی به ما داده شد بعد پیامبر دستش
را به سوی ابر دراز کرد و نزدیک شد، به دست پیامبر از آن ابر جامی آشکار
شد و به طوری می‌درخشید که چشمهای مسجدیان را خیره کرد آن جام را
بوهای خوشی بود که عقل را از سر مردم می‌برد آن جام با زبان عربی تسبیح
و تقدیس و تمجید خدای تعالی را می‌کرد تا اینکه در کف دست راست پیامبر
قرار گرفت و می‌گفت:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ وَصَفْوَتَهُ، وَرَسُولَهُ الْمُخْتَارَ مِنَ الْعَالَمِينَ وَ الْمُفَضَّلَ
عَلَى أَهْلِ مَلِكِ اللَّهِ أَجْمَعِينَ مِنَ الْأُولَىٰ وَالْآخِرِينَ وَ عَلِيَّ وَصِيَّكَ خَيْرِ الْوَصِيِّينَ وَ
إِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ نُورِ الْمُسْتَنِيرِينَ وَ سِرَاجِ الْمُفْتَدِينَ وَ عَلِيَّ زَوْجَتِهِ
ابْنَتِكَ فَاطِمَةَ خَيْرِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ الزَّهْرَاءِ فِي الزَّاهِرِينَ الْبَتُولِ أُمَّ الْأُمَّةِ الرَّاشِدِينَ
الْمَعْصُومِينَ وَ عَلِيَّ سِبْطِيكَ وَ نُورِيكَ وَ رِيحَانَتِيكَ وَ قُرَّتِي عَيْنِيكَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ
فَسَمِعَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ جَمِيعٌ
مَنْ حَضَرَ يَسْمَعُونَ مَا يَقُولُ الْجَامُ وَ يَغْضُونَ أَبْصَارَهُمْ عَنْ تَلَالُؤِ نُورِهِ وَ رَسُولُ اللَّهِ يَكْثُرُ
مِنْ حَمْدِ اللَّهِ وَ وَ شُكْرِهِ

درود بر تو ای دوست خدا و برگزیده حق از جهانیان و برتری دارنده‌ی بر
تمام بندگان خدا از اولین و آخرین و درود بر جانشین تو که بهترین جانشینان

است. امام پرهیزکاران امیرالمومنین، نور کسانی که طلب نور می‌کنند، چراغ اقتدا کنندگان و درود بر همسر او دختر تو فاطمه بهترین زنان جهانیان زهرای بتول مادر پیشوایان هدایت کننده‌ی معصوم و پاکدامن و درود بر دو سبط تو، دو ریحانه‌ی تو نور چشمهای تو حسن و حسین.

رسول خدا و امیرالمومنین و حسن و حسین تمامشان شنیدند آنچه را که جام گفت تمام حاضران دیدگان را از درخشش جام بستند رسول خدا سپاس و شکر خدا فراوان کرد تا اینکه جام گفت: ای رسول خدا! خدا مرا به سوی تو و برادرت علی و دخترت فاطمه و حسن و حسین فرستاد.

ای رسول خدا! مرا به دست علی علیه السلام بده. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود بگیر جام را ای ابالحسن که هدیه‌ی خداست به سوی تو، علی علیه السلام جام را گرفت و بوسید و بویید و گفت مرحبا به کرامت خدا برای رسول و آل رسول.

جام، محمد را ستایش و تبشیر کرد و پروردگار را تکبیر و تهلیل گفت سپس گفت ای رسول خدا! به علی بگو مرا به فاطمه و حسن و حسین بدهد چنان که خدای عز و جل به من فرمان داده و رسول خدا فرمود: برخیز یا ابالحسن جام را در اختیار فاطمه و دو حبیب من حسن و حسین قرار ده.

علی حرکت کرد و جام را برداشت در حالی که نور جام از نور خورشید زیادتر بود، بوی خوش آن، خردها را زایل کرده بود تا آنکه علی بر فاطمه و حسن و حسین وارد شد جام را به آنان برگرداند همه تحیت گفتند و جام را بوسیدند، ذکر محمد و سپاس خدا فراوان گفتند بعد جام را به رسول خدا برگرداندند.

چون جام در دست رسول خدا قرار گرفت عمر بلند شد بر دو پا ایستاد و گفت ای رسول خدا چرا هر ارمغانی که از طرف خدا برای تو آورده می‌شود در اختیار علی و فاطمه و حسن و حسین قرار می‌دهی، سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: وای بر تو ای عمر چه چیز به تو جرأت داده آیا سخنان جام را نشنیدی که از من می‌خواست که او را به دیگران از اهل بیتم بدهم.

پس عمر گفت: رسول خدا اجازه می‌دهی من هم جام را بگیرم و ببوسم و ببویم فرمود: وای بر تو ای عمر، به خدا سوگند که این کار برای غیر از ما نیست نه تو و نه تمامی مردم.

عرض کرد: ای رسول خدا اجازه می‌فرمایید که دستی بر جام برسانم حضرت رسول فرمود چقدر اصرار می‌کنی؛ اگر توانستی دست به جام بزنی من محمد رسول خدا نیستم و این جام هم به حق از طرف خدا نیامده است. عمر بلند شد و دست به طرف جام دراز کرد دستش به جام نرسید جام حرکت کرد و به طرف ابر بلند شد و می‌گفت ای رسول خدا با زائر این چنین رفتار می‌کنند؟

سپس رسول خدا فرمود: وای بر تو ای عمر چه چیز تو را بر خدا و رسولش جری کرد.

ای ابالحسن برخیز و دست به سوی او دراز کن، جام را بگیر و به او بگو خدا به تو فرمان داده که جام را به ما برگردانی تا به جام برسیم، جام را گرفت علی علیه السلام به جام گفت رسول خدا می‌فرماید چه چیز خداوند به تو فرمان داده که آن را بگویی که تو فراموش کردی بگوئی.

جام گفت: بلی ای برادر رسول خدا، خداوند به من فرمان داده بگویم برای شما که خداوند مرا وقف کرده بر هر مرد مومن و مؤمنه‌ای از شیعیان شما و فرمان داده که هنگام مرگش حاضر شوم.

وسایل خاصه رسول الله فقط به علی علیه السلام سپرده شد

در کتاب مَوَدَّات از امام باقر علیه السلام منقول است که فرمود:
«در بیماری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سر مبارک حضرت صلی الله علیه و آله و سلم در کنار امیرالمومنین علی علیه السلام بود و مهاجر و انصار نیز در منزل سید المرسلین مجتمع بودند و در آن هنگام پیامبر رو به سوی امیرالمومنین علیه السلام کرده، فرمود:

یا اخی، قبول می‌کنی وصیت مرا و به جا می‌آوری وعده‌های مرا؟

امیرالمومنین علیه السلام فرمود: بلی یا رسول الله و پس گریه شدیدی نمود؛ چنانچه از کثرت رقت، بیهوش گردید. پس رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای بلال! بیاور شمشیر و کلاه خود و زره و اسب و ناقه و سنگ پارچه‌ای که در ایام فاقه هنگام عبادت بر شکم می‌بستم. بلال به فرموده‌ی پیامبر قیام نمود و هر آنچه را که حضرت بیان نمودند، عملی کرد، سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: یا اخی و وصیی این اسباب خاصه من به تو تعلق دارد، اینها را ببر به منزل خود که هیچ کس را بعد از من در این امور با تو مضایقه نباشد. امیرالمومنین علی علیه السلام آن وسایل را متبرک بر سر و دیده مالیده در حضور مهاجر و انصار به خانه خود برد». (۶۳)

در اینجا دو نکته از زبان مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیان گردیده که اهل ادراک و تعقل باید روی آن اندیشه کنند؛ یکی آنکه حضرت امیرالمومنین را به اخی و وصی صدا می‌زدند تا همه‌ی مهاجران و انصار در آخرین لحظات نیز پی به وصایت علی علیه السلام برده دست از او بر ندارند و او را یاری نمایند و دیگر آنکه در این وصیت هیچ کدام از انصار و مهاجرین چنین منقبت و فضیلتی را دریافت نکردند که بتوانند آنچه را که پیامبر بدان سفارش کرده بود عملی نمایند جز علی علیه السلام و این از بالاترین فضیلت‌های امیرالمومنین علیه السلام است که عقول بسیاری از آن عاجز است و سخن دیگر آنکه امروزه وهابی‌ها به شیعه ایراد می‌گیرند که دلیل تبرک قبور ائمه معصومین شرک و کفر است و تبرک کردن بدعت گذاری شیعه بوده و چنین در تاریخ بیان نشده است! اما این حدیث پاسخی مستحکم برای آنهاست که چنین تفکری را دارند زیرا که علی علیه السلام از افضلین صحابه پیامبر و در حقیقت از نظر ما جان هستی، وقتی وسایل و اسباب پیامبر را دریافت کردند برای عظمت و بزرگی صاحب آن (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) آن را به چشم مالیدند و بوسه زدند و گریه شدید سر دادند.

تنها علی علیه السلام بر شانه‌ی پیامبر بالا رفت

علی علیه السلام می‌گوید: با رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم رفتیم تا به کعبه رسیدیم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر شانه‌های من بالا رفتند و حضرت را بر پا کردم. چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ناتوانی من را احساس کردند فرمودند بنشین، نشستیم پیامبر پایین آمدند و نشستند و فرمود بر شانه‌های من بایست پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برخاستند و من را بلند کرده گویی آن قدر بالا رفته بودم که اگر می‌خواستیم به افق آسمان دست می‌یافتیم پس بر فراز کعبه آمدم و سپس با دستهای خود بت‌های کوچک و بزرگ را که از جا بر کندم و چون از جا کنده شد و بر آن فائق آمدم پیامبر فرمود به منزل شتابان برویم.

آری این چه توان و قدرت است که بتواند بار ولایت علی علیه السلام را جز پیامبر متحمل شود و آنچه توانی است که بتواند بر دوش نبوت محمد صلی الله علیه و آله و سلم جز علی علیه السلام بایستد.

علی علیه السلام احساس ناراحتی از سرما و گرما نمی‌کند

عن عبدالرحمان بن ابی لیلی:

أَنَّ عَلِيًّا خَرَجَ عَلَيْنَا فِي حَرٍّ شَدِيدٍ، وَ عَلَيْهِ ثِيَابُ الشِّتَاءِ، وَ خَرَجَ عَلَيْنَا فِي الشِّتَاءِ وَ عَلَيْهِ ثِيَابُ الصَّيْفِ، ثُمَّ دَعَا بِمَاءٍ فَشَرِبَ، ثُمَّ مَسَحَ الْعَرَقَ عَنْ جَبْهَتِهِ. فَلَمَّا رَجَعَ إِلَى أَبِيهِ قَالَ: يَا أَبَاهُ؛ أُرَأَيْتَ مَا صَنَعَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ خَرَجَ إِلَيْنَا فِي الشِّتَاءِ وَ عَلَيْهِ ثِيَابُ الصَّيْفِ، وَ خَرَجَ عَلَيْنَا فِي الصَّيْفِ وَ عَلَيْهِ ثِيَابُ الشِّتَاءِ! فَقَالَ أَبُو لَيْلَى: هَلْ فَطَنْتَ؟ وَ أَخَذَ بِيَدِ ابْنِهِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، فَأَتَى عَلِيًّا فَقَالَ لَهُ الَّذِي صَنَعَ فَقَالَ لَهُ عَلِيٌّ: «إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ كَانَ بَعَثَ إِلَيَّ وَ أَنَا أَرْمَدُ، شَدِيدَ الرَّمَدِ، فَبَزَقَ فِي عَيْنِي، ثُمَّ قَالَ: افْتَحْ عَيْنِيكَ، فَفَتَحْتَهُمَا فَمَا اشْتَكَيْتَهُمَا حَتَّى السَّاعَةَ، وَ دَعَا لِي فَقَالَ: اللَّهُمَّ أَذْهَبْ عَنْهُ الْحَرَّ وَ الْبَرْدَ. فَمَا وَجَدْتُ حَرًّا وَ لَا بَرْدًا حَتَّى يَوْمِي هَذَا.» (٦٤)

عبدالرحمان می‌گوید: علی علیه السلام در گرمای شدید، لباس زمستانی و در سرما با لباس تابستانی نزد ما می‌آمد و در آن هوای سرد آب می‌طلبید و

می نوشید و عرق از پیشانی خود پاک می کرد. عبدالرحمان به پدرش ابولیلی می گوید: پدرم، آیا امیرالمؤمنین را دیدی؟ وی در زمستان با لباس تابستانی و در تابستان با لباس زمستانی نزد ما می آید. ابولیلی به او گفت: آیا به راز این نکته پی بردی؟ و دست پسرش عبدالرحمان را گرفت و نزد علی علیه السلام آمد و به ایشان ماجرا را گفت، حضرت به وی فرمود: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم من را فراخواندند و من دچار چشم درد شدیدی بودم. آب دهان در چشم مالیدند و سپس فرمود: چشمانت را باز کن» باز کردم، دیگر تاکنون احساس چشم درد نکرده‌ام. پس برای من دعا کرد و فرمود: «خدایا احساس سرما و گرما را از وی ببر.» پس از آن تاکنون احساس گرما و سرما نمی‌کنم.

حدیث صاحب النعل

ابو سعید الخدری قال: كُنَّا جُلُوسًا نَنْتَظِرُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَخَرَجَ إِلَيْنَا قَدْ انْقَطَعَ شِسْعُ نَعْلِهِ، فَرَمَى بِهَا إِلَى عَلِيٍّ فَقَالَ: «إِنَّ مِنْكُمْ مَنْ يُقَاتِلُ عَلَى تَأْوِيلِ الْقُرْآنِ كَمَا قَاتَلْتُ عَلَى تَنْزِيلِهِ».

فقال أبو بكر: أنا؟ قال: «لا».

قال: عمر: أنا؟ قال: «لا، وَلَكِنَّ صَاحِبَ النَّعْلِ».

ابوسعید خدری می گوید:

ما به انتظار رسول خدا بودیم حضرت که بند کفششان پاره شده بود به نزد ما آمدند کفش را به علی علیه السلام دادند تا وصله زند. پس فرمود: «از شما کسی است که بر اساس تأویل قرآن می‌جنگد، همانگونه که من بر اساس تنزیل قرآن می‌جنگم.» ابوبکر گفت: آن کس منم؟ فرمود، نه، عمر گفت: منم؟ فرمود: «نه، او کسی است که هم اکنون کفش پاره‌ی مرا وصله می‌زند.» (۶۵)

حدیث سابقین

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

سَبَقَ يُوْشَعُ بْنُ نُونٍ إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَصَاحِبِ يَسَ إِلَى عِيسَى وَ سَبَقَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلِمَ

از ابن عباس روایت کرده فقیه شافعی ابن مغازلی در تفسیر آیه شریفه «السابقون السابقون» که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سبقت گرفت یوشع بن نون به سوی موسی و صاحب یس به سوی عیسی و سبقت گرفت علی بن ابی طالب علیه السلام امیر مؤمنان به سوی محمد صلی الله علیه و آله و سلم دیلمی از عایشه و طبرانی و ابن مردویه از ابن عباس گویند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

سابقین و پیشی گیرندگان سه نفرند. سابق موسی، یوشع بن نون است و سابق عیسی، صاحب یس و سابق به سوی من علی بن ابی طالب علیه السلام است. (۶۶)

حدیث لیلہ الخطاب حضرت موسی علیه السلام

وَ مِنْ ذَلِكَ مَا رَوَاهُ وَهْبُ بْنُ مُنْبِهٍ قَالَ:

إِنَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ لَيْلَهُ الْخَطَابُ وَجَدَ كُلَّ شَجَرَةٍ وَ مَدْرَةٍ فِي الطُّورِ نَاطِقَةً بِذِكْرِ مُحَمَّدٍ وَ نُقْبَائِهِ، فَقَالَ: رَبِّي إِنِّي لَمْ أَرَ شَيْئًا مِمَّا خَلَقْتَ إِلَّا وَ هُوَ نَاطِقٌ بِذِكْرِ مُحَمَّدٍ وَ نُقْبَائِهِ فَقَالَ اللَّهُ: يَا ابْنَ عِمْرَانَ إِنِّي خَلَقْتَهُمْ قَبْلَ الْأَنْوَارِ وَ جَعَلْتَهُمْ خَزَانَةَ الْأَسْرَارِ يُشَاهِدُونَ أَنْوَارَ مَلَكُوتِي وَ جَعَلْتَهُمْ خَزَانَةَ حِكْمَتِي وَ مَعْدَنَ رَحْمَتِي وَ لِسَانَ سِرِّي وَ كَلِمَتِي خَلَقْتُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ لِأَجْلِهِمْ.

فَقَالَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَبِّي فَاجْعَلْنِي مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ.

فَقَالَ: يَا ابْنَ عِمْرَانَ إِذَا عَرَفْتَ مُحَمَّدًا وَ أَوْصِيَاءَهُ وَ عَرَفْتَ فَضْلَهُمْ وَ أَمَنْتَ بِهِمْ فَأَنْتَ مِنْ أُمَّتِهِ. (۶۷)

روایت کرده وهب بن منبه که گفت: موسی علیه السلام شبی که مورد پذیرش و خطاب الهی قرار گرفت وقتی به کوه طور رفت به هر درختی که می‌رسید مشاهده می‌کرد که درختان همه ذاکر به ذکر محمد و آل محمد علیهم السلام هستند.

پس موسی گفت: پروردگارا به درستی که من ندیدم شیءای از مخلوقات را جز اینکه ناطق به ذکر محمد و آل محمد علیهم السلام بودند. حضرت حق فرمودند: ای پسر عمران، به درستی که من خلق کردم ائمه را قبل از اینکه اشیاء دیگر را خلق کنم و آنها را خزانه‌داران اسرار و شاهدان انوار ملکوتم قرار دادم و اینها خزانه‌دار حکمتم هستند و معدن رحمتم و زبان سرّ و کلمه‌ی من و دنیا و آخرت را فقط به خاطر اینها خلق کردم. پس موسی گفت: پروردگارا مرا از امت محمد قرار ده. پس حضرت حق جلّت عظمته، فرمودند: ای پسر عمران هنگامی که محمد و اوصیائش را شناختی و به فضل اینها معرفت پیدا کرده و ایمان به ایشان آوردی تو از امت محمد خواهی بود.

علی علیه السلام میان دو خلیل

فی کنز العمال و لفظه: ^(۶۸) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ اللَّهَ اتَّخَذَنِي خَلِيلًا كَمَا اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا، فَقَصْرِي فِي الْجَنَّةِ وَ قَصْرُ إِبْرَاهِيمَ فِي الْجَنَّةِ مُتَقَابِلَيْنِ وَ قَصْرُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ بَيْنَ قَصْرِي وَ قَصْرِ إِبْرَاهِيمَ فَيَا لَهُ مِنْ حَبِيبٍ بَيْنَ خَلِيلَيْنِ

(قَالَ أَخْرَجَهُ الْحَاكِمُ فِي تَارِيخِهِ وَ الْبَيْهَقِيُّ فِي فَضَائِلِ الصَّحَابَةِ).

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

خدای تعالی مرا خلیل خود ساخت همانطور که ابراهیم علیه السلام را خلیل خود قرار داده بود، برای همین قصر من در بهشت روبروی قصر حضرت ابراهیم علیه السلام قرار دارد و قصر علی علیه السلام هم در میان قصر من و قصر حضرت ابراهیم علیه السلام بر پا شده است. اینک خوشا به حال محبوبی که در میان دو خلیل است.

«متقی» گفته است که «حاکم» این حدیث را در «تاریخ بیهقی» در فضائل

صحابه نقل کرده است. ^(۶۹)

علی علیه السلام منار الأنام

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به حضرت علی علیه السلام فرمودند:

يَا عَلِيُّ! إِنَّكَ مَنَارَةُ الْأَنَامِ وَ غَايَةُ الْهُدَى. (٧٠)

ای علی! همانا تو منار مردم و غایت هدایتی.

حدیث صُلب حدیث اول

الطَّبْرَانِيُّ عَنِ الْخَطِيبِ عَنِ جَابِرٍ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ ذُرِّيَّةَ كُلِّ نَبِيٍّ فِي صُلْبِهِ وَجَعَلَ ذُرِّيَّتِي فِي صُلْبِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.» (٧١)

طبرانی از جابر و خطیب از ابن عباس گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خدای سبحان قرار داد فرزندان هر پیغمبری را در صُلب او و فرزندان مرا در صُلب علی بن ابیطالب علیه السلام .

حدیث دوم

«خداوند نسل و اولاد هر پیغمبری را در صُلب او قرار داد و ذریه مرا در صُلب علی بن ابی طالب علیه السلام گذاشت.»
حدیث سوم

جابر فرزند عبدالله انصاری گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خدای با قدرت و جلالت نسل هر پیامبری را در پشت خودش قرار داده است. و خدا نسل محمد را از پشت علی بن ابیطالب علیه السلام قرار داده است. (٧٢)

حدیث اختیار

عَنْ أَبِي أَيُّوبَ أَنْصَارِيٍّ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ بِفَاطِمَةَ: «أَمَا عَلِمْتِ أَنَّ اللَّهَ أَطَّلَعَ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ فَأَخْتَارَ مِنْهُمْ أَبَاكَ فَبَعَثَهُ نَبِيًّا ثُمَّ أَطَّلَعَ ثَانِيَةً فَأَخْتَارَ مِنْهُمْ بَعْلَكَ فَأَوْحَى إِلَيَّ فَأَنْكَحْتُهُ إِيَّاكَ وَاتَّخَذْتَهُ وَصِيًّا.» (٧٣)

ابو ایوب انصاری گوید: که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه سلام الله علیها فرمود: آیا نمی دانی که خداوند به مردم روی زمین نگریست و

از میان همه‌ی آنها پدرت را انتخاب کرده و به پیغمبری مبعوث فرمود؟ آنگاه بار دوم نگریست شوهرت را اختیار کرد و به من وحی فرستاد که تو را به او تزویج نموده و او را جانشین خود قرار دهم.

حدیث شباهت حدیث اول

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:
يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ فِيكَ مَثَلًا مِنْ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ أَبْغَضَتْهُ الْيَهُودُ حَتَّى بَهَتُوا
أُمَّهُ وَ أَحَبَّتْهُ النَّصَارَى حَتَّى أَنْزَلُوهُ الْمَنْزِلَ الَّذِي لَيْسَ لَهُ بِأَهْلٍ (٧٤)

ای علی خداوند در تو شباهتی به عیسی بن مریم علیه السلام قرار داده، یهود او را دشمن داشتند، حتی این که به مادرش بهتان زدند، نصاری او را دوست داشتند و منزلتی برای او قائل شدند که اهل آن نبود.

حدیث دوم

و احمد و بزار و ابویعلی و حاکم از علی علیه السلام نقل کردند که فرمود:
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مرا خواند نزد خود و فرمود: در تو شباهتی می‌باشد به عیسی علیه السلام (در حق تو گفته می‌شود آنچه برای عیسی علیه السلام گفتند). یهود دشمن وی بودند تا آنجا که به مادرش بهتان زدند و نصاری دوست او بودند. تا آنجا که گفتند برای او چیزی را که دارا نبود. بعد علی علیه السلام فرمود: بدانید در من دو گروه و دو طایفه هلاک و نابود می‌شوند، دوست مفرط که به من نسبت می‌دهد آنچه که در من نیست و دشمنی که وا دارد دشمنی من او را به بهتان زدن در من. (٧٥)

حدیث هُجُوم

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:
إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْجَنَّةَ عَلَى مَنْ ظَلَمَ أَهْلَ بَيْتِي أَوْ قَاتَلَهُمْ أَوْ أَعَارَ عَلَيْهِمْ أَوْ سَبَّهُمْ (٧٦)
خداوند بهشت را بر کسی که به خاندان من ستم کند یا با آنها مقاتله کند
یا به آنها هجوم بیاورد و یا دشنام به آنها دهد حرام کرده است.

احمد و حاکم به سند صحیح از ام سلمه گوید: شنیدم از رسول خدا صلی
الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی که دشنام بدهد علی را، مرا دشنام داده
است. (٧٧)

از طرفی باید گفت که کلیه مردم مدینه ظالم به اهل بیت علیهم السلام
بودند به جز تعداد افرادی که انگشت شمار در مدینه در کنار اهل بیت علیهم
السلام قرار گرفتند.

به این دلیل تمام مردم مدینه ظالم به اهل بیت علیهم السلام بودند که
دختر رسول خدا فاطمه سلام الله علیها در روزهای آخر عمر خویش به علی
علیه السلام خطاب نمودند که ای علی! من راضی نیستم آنهایی که به من
ظلم کرده‌اند در تشییع جنازه‌ام حاضر شوند و این مسئله مُحَرَّز و یقینی
می‌باشد که هیچ کس از مردم مدینه توفیق بر نماز و تشییع بدن دختر
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را پیدا نکرد حتی محبّین آن حضرت و از
باب غلبه باید گفت اینان ظالم بودند چون هیچ کدام توفیق تشییع و تجلیل
از پیکر پاک گوهر تابناک اهل بیت را پیدا نکردند «أَوْ قَاتَلَهُمْ» و آنهایی که قاتل
اهل بیت علیهم السلام بودند آنها نیز بهشت بر ایشان حرام می‌باشد یعنی
قاتلین حضرت زهرا سلام الله علیها (غاصبین، معاندین، مهاجمین به خانه و
آنانی که آتش زدند در خانه‌ی حضرت را) و قاتل علی علیه السلام و قاتل
امام حسن علیه السلام و قاتل امام حسین علیه السلام و سایر ائمه‌ی اطهار
علیهم السلام «أَوْ أَعَارَ عَلَيْهِمْ» مهاجمین در مدینه مهاجمین در صفین و
جمل و نهروان و مهاجمین در کربلا که چون گرگ به خیمه‌های اباعبدالله
الحسین علیه السلام حمله کردند و پرده‌های خیم را پاره پاره کردند ...
السَّلَامُ عَلَى الْمَهْتُوكِ الْخِبَاءِ.

«أَوْ سَبَّهُمْ» معاویه و همان افرادی که به دستور معاویه به علی علیه السلام دشنام می دادند که در نهایت با صلح مصلحتی امام حسن علیه السلام با معاویه یکی از شرایط معاهده ممنوع بودن دشنام در بالای منبر به علی علیه السلام و پذیرش معاویه شد پس این پیش بینی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم تحقق پذیرفت و معاویه مصداق ظاهر و آشکار دشنام دهنده‌ی به اهل بیت علیهم السلام قرار گرفت که آتش دوزخ جایگاهش خواهد بود. (۷۸)

حدیث استرشاد

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:
 أَلَا أَدْلِكُكُمْ عَلَى مَنْ إِنْ اسْتَرَشَدْتُمُوهُ لَنْ تَضَلُّوا وَ لَنْ تَهْلِكُوا؟
 قالوا بلى يا رسول الله، قال هُوَ هَذَا وَ إِشَارَ إِلَى عَلِي بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ
 قَالَ وَ أَخُوهُ وَ وَازِرُوهُ وَ أَصْدِقُوهُ وَ أَنْصَحُوهُ فَإِنَّ جِبْرِيلَ أَخْبَرَنِي بِمَا قُلْتُ لَكُمْ. (۷۹)
 زید بن ارقم گوید ما هنگامی که در خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بودیم حضرت فرمود:

آیا شما را راهنمایی نکنم به کسی که چون از او استرشاد کنید هرگز گمراه نشوید و هرگز به هلاکت نیفتید؟ گفتند: آری یا رسول الله! حضرت فرمود: آن شخص این است و اشاره به علی بن ابیطالب علیه السلام نمود و سپس فرمود: با او برادری کنید و یاری‌اش نمایید و او را محبّ صادق و دوست راستین باشید زیرا آنچه را که (درباره‌ی او) به شما گفتم جبرئیل به من خبر داد.

حدیث فاروق

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:
 سَتَكُونُ بَعْدِي فِتْنَةٌ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَالْزِمُوا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فَإِنَّهُ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ
 بِي وَ أَوَّلُ مَنْ يَصَافِحُنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ وَ هُوَ فَارُوقُ هَذِهِ الْأُمَّةِ يُفَرِّقُ
 بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ وَ هُوَ يَعْسُوبُ الدِّينِ. (۸۰)
 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: به زودی پس از من فتنه‌ای برپا خواهد شد، پس زمانی که چنین شد ملازم علی بن ابیطالب علیه السلام

باشید زیرا که او اول کسی است که به من ایمان آورد و اول کسی است که در روز قیامت با من مصافحه می‌کند، او صدیق اکبر و فاروق (جدا کننده) این امت است که میان حق و باطل جدایی افکند و او بزرگ و پیشوای دین است. دوستی حضرت علی علیه السلام و فضائل شیعیان

دوستی حضرت علی علیه السلام برترین اعمال است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

إِنَّ حُبَّ عَلِيٍّ سَيِّدُ الْأَعْمَالِ (٨١)

دوستی علی بهترین عمل و سرور همه‌ی اعمال است.

دوستی علی علیه السلام سعادت‌مندی به تمام معنا.

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم اشاره به علی علیه السلام نموده و فرمود:
 « هُوَ هَذَا الَّذِي أَحْصَى اللَّهُ فِيهِ عِلْمَ كُلِّ شَيْءٍ، وَأَنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ حَقٌّ
 السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ وَفَاتِهِ، وَإِنَّ الشَّقِيَّ كُلَّ الشَّقِيِّ
 حَقَّ الشَّقِيِّ مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ وَفَاتِهِ »

«او امام مبین است که خدا علم هر چیز را در او فراهم آورده است و همانا
 خوشبخت و سعادت‌مند به تمام معنا کسی است که علی علیه السلام را در
 دوران زندگی و پس از مرگ دوست داشته باشد، گمراه و بدبخت به تمام معنا
 کسی است که با علی علیه السلام در دوران زندگی و پس از مرگ خود
 دشمنی کند.»^(۸۲)

جان کندن او به راحتی صورت می‌گیرد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:
 أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا يَهْوَنُ اللَّهُ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَ يَجْعَلُ قَبْرَهُ رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ
 الْجَنَّةِ

آگاه باشید هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد خدا جان کندن
 را بر او در هنگام مرگ آسان می‌گرداند و قبر او را باغی از باغهای بهشت قرار
 می‌دهد.^(۸۳)

شیعه و دوستدار امیرالمؤمنین علیه السلام در این دنیا در بهشت است.

در محضر امام صادق علیه السلام شخصی عرض نمود: خدایا بهشت خود را
 نصیب ما بفرما! حضرت فرمودند:

شما شیعیان در همین دنیا هم در بهشت هستید، از خداوند بخواهید که از
 بهشت خارجتان نسازد. عرض شد: فدایتان شوم چگونه در بهشت هستیم در
 حالی که در دنیا هستیم؟ حضرت فرمودند: آیا شما اقرار به امامت ما ندارید؟
 عرض شد چرا و فرمودند: همین (لذت ایمان شما) بهشت شماست و آن کسی
 که اقرار به امامت ما داشته باشد در بهشت است، از خداوند بخواهید که ولایت
 ما را از شما نگیرد.^(۸۴)

خوشا به حال شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام

عمرو بن ابی المقدام از امام صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمودند: آگاه باشید که هر چیزی را گوهری است و گوهر فرزندان آدم علیه السلام حضرت محمد است و پس از آن حضرت، ما ائمه طاهرین و شیعیانمان هستیم.

خوشا بر شیعیان ما که چه نزدیکند به عرش خدای عزوجل و چه نیکو است رفتار خدای عزوجل نسبت به آنان در روز قیامت. به خدا سوگند! اگر بر مردم بزرگ و گران نمی آمد و شیعیان را خودبینی فرا نمی گرفت فرشتگان رو در رو به آنها سلام می کردند. به خدا سوگند! هیچ بنده ای از شیعیان ما نیست که قرآن را ایستاده در حال نماز بخواند جز آن که در برابر هر حرفی از آن صد حسنه به او دهند و اگر نشسته بخواند به هر حرفی پنجاه حسنه به او دهند و شخص خموش از شیعیان ما ثواب قرآن خوان مخالفین را دارد، شما به خدا قسم در بسترهای خود خفته اید و مزد مجاهدان را دارید و در نماز هستید و ثواب صف بستگان در راه خدا را دارید، شما باید به خدا سوگند آن کسانی که خدای عزوجل درباره شان فرموده: **«وَوَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ»** (۸۵)

یعنی «کینه ای که در سینه شان بوده کنده ایم و برادرانه بر تختها روبروی هم هستند»

به راستی که شیعیان ما چهار چشم دارند، دو چشم در سر، دو چشم در دل، آگاه باشید که همه این طورند ولی خدای عزوجل چشمهای شما را بینا کرده به ولایت ما و چشمهای مخالفین ما را به ولایت کور کرده است. (۸۶)

ما زیارت شیعیان را دوست می داریم.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

به خدا قسم من دوست می دارم بوی شما شیعیان جدم علی علیه السلام و روح شما و دیدن و زیارت نمودن شما را و من بر دین خدا و ملائکه خدا

هستم. پس شما شیعیان کمک کنید ما را به وسیله ورع و پاکدامنی و من در مدینه مثل یک تارِ مو این طرف و آن طرف نگاه می‌کنم تا یکی از شما را ببینم و دلم آرام بگیرد.»^(۸۷)

اجر و ثواب شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام در تحمل سختی‌ها

مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَارَةَ كُوفِيٌّ مَيَّ گويد: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هر کس در راه ما به خاطر خونی که از ما ریخته شده، یا حقی که از ما تاراج رفته، یا پرده‌ی آبرو و حیثیتی که از ما اهل بیت علیهم السلام یا یکی از شیعیان ما دریده گشته قطره‌ی اشکی بریزد، بدین سبب خداوند متعال او را یک حُقْب (که هشتاد سال است) در بهشت جای دهد.^(۸۸)

دوستی علی علیه السلام در قلب محبین ثابت‌تر از کوه احد

«... امیرالمؤمنین علیه السلام رو به اصحابش کرد و فرمود: ای صحابه، به خدا قسم به هیچ کاری اقدام نکردم مگر آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره‌ی آن با من عهد و پیمان کرده بود. خوشا به حال کسی که محبت ما اهل بیت در قلب او رسوخ داشته باشد، ایمان در قلب چنین کسی ثابت‌تر از کوه احد در مکانش خواهد بود و هر کس که دوستی ما در قلب او جای نگیرد ایمان در قلب او مانند ذوب شدن نمک در آب است.»^(۸۹)

با دوستی علی علیه السلام، دوزخ خلق نمی‌شد.

عن ابن عباس قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

لَوْ اجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَى حُبِّ عَلِيٍّ بِنِ ابِيطَالِبٍ لَمَا خَلَقَ اللَّهُ النَّارَ.^(۹۰)

از ابن عباس نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اگر مردم بر دوستی علی بن ابیطالب علیه السلام گرد می‌آمدند خداوند دوزخ را نمی‌آفرید.

فقط پرهیزگاران بر دوستی علی علیه السلام ثابتند.

قال ابو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: لَا يَثْبُتُ عَلَيَّ وَلَا يَثْبُتُ عَلَيَّ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ (٩١)

پیامبر فرمود: جز پرهیزگاران کسی بر ولایت علی علیه السلام ثابت نمی ماند.

دوستی علی علیه السلام صحیفه مؤمن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: عَنْوَانُ صَحِيفَةِ الْمُؤْمِنِ حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ. (٩٢)

حضرت رسول فرمودند: عنوان صحیفه مؤمن دوستی علی است. شیعیان ما از شیرینی آفریده شده اند.

عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هَارُونَ بْنِ مُوَقِّعِ الْمَدِينِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ بَعَثَ إِلَيَّ الْمَاضِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمًا فَأَكَلْتُ عِنْدَهُ وَ أَكْثَرَ مِنَ الْحَلْوَاءِ فَقُلْتُ مَا أَكْثَرَ هَذِهِ الْحَلْوَاءِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّا وَ شِيعَتَنَا خُلِقْنَا مِنَ الْحَلْوَاءِ فَنَحْنُ نَحِبُّ الْحَلْوَاءَ. (٩٣)

احمد بن هارون بن موفق المدینئی از پدرش نقل کرده که گفت: روزی امام کاظم علیه السلام دنبال من فرستادند پس در محضر حضرتش طعام خوردم و این در حالی بود که سر سفره حضرت شیرینی زیادی قرار داشت پس عرض کردم چقدر این شیرینی ها زیاد است، پس امام علیه السلام در جواب فرمودند: همانا ما و شیعیانمان از شیرینی آفریده شده ایم پس ما شیرینی را دوست داریم.

نوشته ای در زیر عرش مخصوص شیعیان علی علیه السلام

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْمَدَائِنِيِّ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا مَعْنَى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: «وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا»

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كِتَابًا لَنَا كَتَبَهُ اللَّهُ يَا أَبَا سَعِيدٍ فِي وَرْقٍ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الْخَلَائِقَ بِالْفِيءِ عَامٍ صَيَّرَهُ مَعَهُ فِي عَرْشِهِ أَوْ تَحْتَ عَرْشِهِ فِيهِ يَا شَيْعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ أَعْطَيْتُكُمْ قَبْلَ أَنْ تَسْأَلُونِي وَغَفَرْتُ لَكُمْ قَبْلَ أَنْ تَسْتَغْفِرُونِي مَنْ أَتَانِي مِنْكُمْ بِوَلَايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ أَسَكَّنْتُهُ جَنَّتِي بِرَحْمَتِي (٩٤)

ابوسعید مدائنی گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: معنی این سخن خداوند عزوجل در قرآن چیست؟ «و تو نبودی آن زمانی که ما در طور ندا کردیم» امام علیه السلام فرمودند:

نوشته‌ای است که خداوند دو هزار سال قبل از آفرینش مخلوقات آن را برای ما بر روی ورقی نوشت و آن را با خود در عرض یا در زیر عرشش قرار داد و در آن مکتوب آمده است: ای شیعیان آل محمد، من به شما عطا کردم قبل از آنکه درخواست کنید و قبل از آنکه استغفار کنید. شما را آمرزیدم و هر که با ولایت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم نزد من بیاید او را با رحمت خود در بهشت ساکن می‌کنم.

ثواب طعام دادن به دوستان علی علیه السلام

عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَأَنْ أُطْعِمَ رَجُلًا مِنْ شِيعَتِي أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُطْعِمَ أَفْقًا مِنَ النَّاسِ قُلْتُ كَمْ الْأَفْقُ قَالَ مِائَةٌ أَلْفٍ. (٩٥)

عمرو بن ابی مقدم از قول پدرش از قول امام باقر علیه السلام نقل کند که فرمودند: اگر مردی از شیعیانم را طعام دهم نزد من از اطعام افقی از مردم محبوبتر است. راوی می‌گوید پرسیدم: افق چه تعدادی از مردم است؟ فرمودند: یکصد هزار نفر.

دوستان علی علیه السلام به اصل و ریشه چنگ زدند.

عَنْ حَبِيبٍ قَالَ قَالَ لَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا أَحَدٌ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْكُمْ إِلَّا
النَّاسَ سَلَكَوا سُبُلًا شَتَّى مِنْهُمْ أَخَذُ بِهَوَاهُ وَ مِنْهُمْ أَخَذُ بِرَأْيِهِ وَإِنَّكُمْ أَخَذْتُمْ بِأَمْرِ
لَهُ أَصْل (٩٦)

شیعیان علی علیه السلام متعلمین هستند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ النَّاسَ رَجُلَانِ عَالِمٌ وَ مُتَعَلِّمٌ وَ سَائِرُ
النَّاسِ غُثَاءٌ فَنَحْنُ الْعُلَمَاءُ وَ شِيعَتُنَا الْمُتَعَلِّمُونَ وَ سَائِرُ النَّاسِ غُثَاءٌ

امام صادق علیه السلام فرمودند: در میان مردم دو دسته مرد وجود دارد:
عالم و متعلم و سایر مردم خار و خاشاک هستند. پس ما عالمان هستیم و
شیعیان و دوستان ما اهل آموختن علم (متعلم) و بقیه‌ی مردم خار و خاشاک
هستند. (٩٧)

محبین علی علیه السلام اهل تحیت الله

بِالسَّلَامِ وَ أَهْلُ أَثَرَةِ اللَّهِ بِرَحْمَتِهِ وَ أَهْلُ تَوْفِيقِ اللَّهِ بِعِصْمَتِهِ وَ أَهْلُ دَعْوَتِهِ بِطَاعَتِهِ
لَا خَوْفَ عَلَيْكُمْ وَ لَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ أَسْمَاؤُكُمْ عِنْدَنَا الصَّالِحُونَ الْمُصْلِحُونَ وَ أَنْتُمْ أَهْلُ
الرِّضَا لِرِضَائِهِ عَنْكُمْ وَ الْمَلَائِكَةُ إِخْوَانُكُمْ فِي الْخَيْرِ فَإِذَا اجْتَهَدْتُمْ ادْعُوا وَ إِذَا أذْنَبْتُمْ
اسْتَغْفِرُوا وَ أَنْتُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ بَعْدَنَا دِيَارُكُمْ لَكُمْ جَنَّةٌ وَ قُبُورُكُمْ لَكُمْ جَنَّةٌ - لِلْجَنَّةِ خَلْقْتُمْ
وَ فِي الْجَنَّةِ نَعِيمُكُمْ وَ إِلَى الْجَنَّةِ تَسِيرُونَ

... قَالَ حَدَّثَنَا الْمُفَضَّلُ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ
أَنْتُمْ أَهْلُ تَحِيَّةِ اللَّهِ وَ سَلَامِهِ وَ أَنْتُمْ أَهْلُ أَثَرَةِ اللَّهِ بِرَحْمَتِهِ وَ أَهْلُ تَوْفِيقِ اللَّهِ وَ
عِصْمَتِهِ وَ أَهْلُ دَعْوَةِ اللَّهِ وَ طَاعَتِهِ لَا حِسَابَ عَلَيْكُمْ وَ لَا خَوْفَ وَ لَا حُزْنَ

ابی حمزه گوید شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: (۹۸) شما (محبین)
اهل تحیت خدا و رحمت او هستید و از اکرام شدگان حقیق و اهل توفیق و در
عصمت پروردگارید و اهل دعوت خدا و بندگی او می باشید حساب و ترس و
اندوهی بر شما نیست.

ملائکه های الهی برای محبین امیرالمومنین علیه السلام استغفار می کنند

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَمٍ:
خَلَقَ اللَّهُ مِنْ نُورِ وَجْهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ
يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ وَ لِمَحَبَّتِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (۹۹)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خداوند از نور چهره ی علی
بن ابیطالب علیه السلام هفتاد هزار ملک بیافریده که تا روز قیامت برای او و
محبین او استغفار کنند.

سبیل الله، شیعه است

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ سَأَلْتُ الْعَسْكَرِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْمَدِينَةِ عَنْ رَجُلٍ أَوْصَى بِمَالٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَقَالَ سَبِيلُ اللَّهِ شِيعَتُنَا. (۱۰۰)

حسن بن راشد گوید: در مدینه از امام عسکری علیه السلام در مورد مردی که وصیت کرده بود مالی را در راه خدا (سبیل الله) خرج کنند سؤال کردم که سبیل الله چه راهی است؟ امام فرمودند: سبیل الله شیعیان ما هستند.

کیفیت خانه‌های بهشتی شیعیان

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ لَيَنْظُرُونَ إِلَى مَنَازِلِ شِيعَتِنَا كَمَا يَنْظُرُ الْإِنْسَانُ إِلَى الْكَوَاكِبِ فِي السَّمَاءِ. (۱۰۱)

امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: همانا اهل بهشت به منازل شیعیان ما نگاه می‌کنند همانگونه انسان به ستارگان آسمان نگاه می‌کند. اگر شیعه علی علیه السلام نبود، مخالفین شیعه ابدأ از خوبی بهره‌ای نمی‌بردند

امیرالمومنین علیه السلام به قنبر فرمود: بشارت باد شما را و خوشحال شوید، به خدا قسم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در گذشت در حالی که بر امتش خشمناک بود مگر گروه شیعیان، بدانید برای هر چیز شرفی است و شرف دین شیعه است، برای هر چیزی سروری است و سرور مجالس جایگاه شیعیان است و برای هر چیزی پیشوایی است و پیشوای زمین‌ها، زمینی است که شیعه در آن مأوی گزیند، بدانید، برای هر چیزی محبوبی هست و محبوب دنیا مسکنی است که شیعه ما در آن جای دارد. به خدا قسم اگر کسی از شما در زمین نبود مخالفین شما ابدأ از خوبی و پاکیزگی بهره‌ای نمی‌بردند و در آخرت نصیبی نداشتند...» (۱۰۲)

محب علی علیه السلام بر ملت ابراهیم علیه السلام است

عَنْ أَبِي ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَدْ ضَرَبَ كَتِفَ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِيَدِهِ وَقَالَ يَا عَلِيُّ مَنْ أَحَبَّنَا فَهُوَ الْعَرَبِيُّ وَمَنْ أَبْغَضَنَا فَهُوَ الْعَلَجُ فَشِيعَتُنَا أَهْلُ الْبَيْتَاتِ وَالْمَعَادِنِ وَالشَّرَفِ وَمَنْ كَانَ مَوْلِدُهُ صَحِيحًا وَمَا عَلِيُّ مِلَّةُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا نَحْنُ وَشِيعَتُنَا وَسَائِرُ النَّاسِ مِنْهَا بَرَاءٌ وَإِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً يَهْدِمُونَ سَيِّئَاتِ شِيعَتِنَا كَمَا يَهْدِمُ الْقُدُومُ الْبُنْيَانَ (١٠٣)

ابوذر رضی الله عنه گوید: دیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر کتف علی بن ابیطالب علیه السلام زد و فرمود: یا علی کسی که ما را دوست داشته باشد از عرب است (یعنی از ماست) و کسی که ما را دشمن داشته باشد بی دین است، شیعیان ما اصیل زاده و از خاندان شرفند و کسی که بر ملت ابراهیم علیه السلام نیست مگر ما و پیروان ما و سایر مردم از این راه بدورند.

منادی در عرصه‌ی قیامت، ندای این‌المُحِبُّونَ سر می‌دهد

وَرَوَى الْعَلَامَةُ الطَّبْرِيُّ رَحْمَةً اللَّهُ عَلَيْهِ بِاسْنَادِهِ مِنْ طَرِيقِ الْعَامَةِ عَنْ فِرَاشِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، أَخْبَرَنَا أَنَسُ قَالَ:
جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا حَالُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:
تَسَأَلُنِي عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ يَرِدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى نَاقَةٍ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ قَوَائِمُهَا مِنَ الزُّمُرِ الْأَخْضَرِ عَيْنَاهَا يَاقُوتَتَانِ حَمْرَاوَانِ سَنَامُهَا مِنَ الْمِسْكِ الْأَذْفَرِ مَمْرُوجٌ بِمَاءِ الْحَيَوَانِ عَلَيْهِ خَلْعَانِ مِنَ النُّورِ مُتَزَرٌّ بِوَاحِدَةٍ وَ مَرْتَدٌ بِالْآخِرَى بِيَدِهِ لَوَاءُ الْحَمْدِ لَهُ أَرْبَعَةٌ شَقَّةٌ لَمَلَّتْ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ حَمْرَةٌ بَنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ عَنْ يَمِينِهِ وَ جَعْفَرُ الطَّيَّارُ عَنْ يَسَارِهِ وَ فَاطِمَةُ مِنْ وَرَائِهِ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ فِيمَا بَيْنَهُمَا وَ مَنَادٌ يُنَادِي فِي عَرَصَاتِ الْقِيَامَةِ أَيْنَ الْمُحِبُّونَ وَ أَيْنَ الْمُبْغِضُونَ؟ هَذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ كِتَابُهُ بِيَمِينِهِ حَتَّى يَدْخُلَ الْجَنَّةَ. (١٠٤)

علامه طبری نقل می‌کند از آنس از طریق عامه (اهل سنت) از فراش بن عبدالله که گفت: مردی به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت: ای رسول خدا علی بن ابیطالب علیه السلام چگونه است؟ حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: سؤال می‌کنی از علی بن ابیطالب علیه السلام، همان کسی که روز قیامت در حالی وارد می‌شود که بر یکی از ناقه‌های بهشتی سوار است که پاهایش از زمرّد سبز، دیدگانش از درّ و یاقوت سرخ خواهد بود، دم آن از مشک ناب آمیخته با آب حیات بر او دو جامه از نور است پای جامه‌ای و عبایی به دست او پرچم حمد است با چهار پاره (قسمت) که فاصله‌ی بین آسمان و زمین را پر کرده است.

حمزه بن عبدالمطلب از سمت راست و جعفر طیار از سمت چپ و فاطمه سلام الله علیها از پشت سر و حسن و حسین علیهما السلام از پیش در حالی که منادی در عرصه و سرای قیامت ندا در می‌دهد: کجا هستند دوستانان و کجا هستند دشمنان. این علی علیه السلام است در حالی که نامه‌اش به دست راست اوست داخل بهشت می‌شود.

حدیث ابوذر رضی الله عنه

رَوَى الْحَاكِمُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ النَّيْشَابُورِيُّ فِي «الْمُسْتَدْرَكِ» قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ أَحْمَدُ بْنُ عُبَيْدِ الْحَافِظُ بِهَمْدَانَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: مَا كُنَّا نَعْرِفُ الْمُنَافِقِينَ إِلَّا بِتَكْذِيبِهِمُ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالتَّخَلُّفِ عَنِ الصَّلَاةِ وَالبُغْضِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ» ثُمَّ قَالَ: هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ. (١٠٥)

ابوعبدالله نیشابوری در مستدرک روایت کرد که گفت: ابوجعفر احمد بن عبید حافظ به اسنادش از ابوذر نقل کرد، که گفت: ما منافقین را نمی‌شناسیم الا به تکذیب خدا و رسولش و تخلف از نمازهای پنج‌گانه و بغض علی بن ابیطالب علیه السلام. پس گفت: «این حدیث صحیح است.»

افضل عبادتها حبّ علی علیه السلام است

فِي الْمَحَاسِنِ: عَلِيُّ بْنُ الْحَكَمِ أَوْ غَيْرُهُ عَنْ حَفْصِ الدَّهَّانِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِنَّ فَوْقَ كُلِّ عِبَادَةٍ عِبَادَةٌ وَحُبْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَفْضَلَ عِبَادَةٍ وَفِي خَيْرِ آخِرِ حُبِّ عَلِيِّ سَيِّدِ الْأَعْمَالِ. (١٠٦)

در محاسن از علی بن حکم از حفص دهان است که گفت: امام صادق علیه السلام فرمودند: به درستی که بالای هر عبادتی، عبادتی وجود دارد و حبّ ما اهل بیت بالاترین و افضل ترین عبادتهاست و در خبر دیگر است که: حبّ علی آقای تمام اعمال است.

دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام شرط توحید

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: جَاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلْ لِلْجَنَّةِ مِنْ ثَمَنٍ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: مَا ثَمَنُهَا؟ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَقُولُهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ مُخْلِصًا بِهَا. قَالَ: وَمَا إِخْلَاصُهَا؟ قَالَ: الْعَمَلُ بِمَا بُعِثْتُ بِهِ فِي حَقِّهِ وَحُبُّ أَهْلِ بَيْتِي قَالَ: وَحُبُّ أَهْلِ بَيْتِكَ لِمَنْ حَقَّقَهَا؟ قَالَ: أَجَلٌ، إِنَّ حُبَّهُمْ لَأَعْظَمُ حَقَّقَهَا. (١٠٧)

جابر بن عبدالله انصاری گفت:

بادیه نشینی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! آیا بهشت، بهایی دارد؟ فرمود: «آری» عرض کرد: بهایش چیست؟ فرمود: کلمه‌ی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» که بنده‌ی صالح آن را از روی اخلاص بگوید. عرض کرد: اخلاص آن چیست؟ فرمود: «عمل کردن به آنچه برای آن فرستاده شده‌ام و دوست داشتن اهل بیت من. عرض کرد: دوست داشتن اهل بیت شما از حقوق این کلمه است؟ فرمود: آری، دوست داشتن آنان، بزرگترین حق آن است.

اولین سوال قیامت درباره‌ی محبت به علی علیه السلام است

قَالَ حَنَّانُ بْنُ سَدِيرٍ: حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقَدَّمُوا إِلَيْنَا طَعَامًا مَا أَكَلْتُ طَعَامًا مِثْلَهُ قَطُّ، فَقَالَ لِي: يَا سَدِيرُ كَيْفَ رَأَيْتَ طَعَامَنَا هَذَا؟

قُلْتُ يَا أَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا أَكَلْتُ مِثْلَهُ قَطُّ وَ لَا أَظُنُّ أَنِّی أَكَلْتُ أَبَدًا مِثْلَهُ ثُمَّ إِنَّ عَيْنِي تَعَرَّعَتْ فَبَكَيْتُ فَقَالَ: يَا سَدِيرُ مَا يُبْكِيكَ؟ قُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ذَكَرْتُ آيَةً فِي كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى. قَالَ: وَ مَا هِيَ؟ قُلْتُ: قَوْلُ اللَّهِ فِي كِتَابِهِ: «ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» فَخَفْتُ أَنْ يَكُونَ هَذَا الطَّعَامُ (مِنَ النَّعِيمِ) الَّذِي يَسْأَلُنَا اللَّهُ عَنْهُ فَضَحَكَ حَتَّى بَدَتْ نَوَاجِذُهُ ثُمَّ قَالَ يَا سَدِيرُ لَا تُسْأَلُ عَنْ طَعَامٍ طَيِّبٍ وَ لَا ثَوْبٍ لَيِّنٍ وَ لَا رَائِحَةٍ طَيِّبَةٍ بَلْ لَنَا خُلُقٌ وَ لَهُ خُلْفُنَا وَ لِنَعْمَلُ فِيهِ بِالطَّاعَةِ وَ قُلْتُ لَهُ يَا أَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَا النَّعِيمُ قَالَ لِي حُبُّ عَلِيٍّ وَ عِتْرَتِهِ يَسْأَلُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَيْفَ كَانَ شُكْرُكُمْ لِي حِينَ أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ بِحُبِّ عَلِيٍّ وَ عِتْرَتِهِ

حَنَّانُ بْنُ سَدِيرٍ كَفَتْ: پدردم به من گفتم: نزد جعفر بن محمد علیهما السلام بودم. آن حضرت غذایی در برابرم نهاد که هرگز غذایی مانند آن نخورده بودم. پس به من فرمود: ای سَدیرِ غذای ما را چگونه یافتی؟ عرض کردم: پدر و مادر فدایت ای پسر پیامبر خدا! تاکنون چنین غذایی نخورده‌ام و گمان هم نمی‌کنم که دیگر غذایی مانند آن بخورم. آنگاه چشمانم پر از اشک شد و گریستم فرمود: ای سَدیر! چرا گریه می‌کنی؟ عرض کردم: یا بن رسول الله! آیه‌ای از کتاب خدا را به یاد آوردم. فرمود: کدام آیه؟ عرض کردم: این آیه:

«پس در آن روز از نعمت بازخواست می‌شوید.»

می‌ترسم این غذا جزء همان نعمتی باشد که خداوند درباره‌ی آن بازخواست می‌کند. حضرت خنده‌ای کرد به طوری که دندانهای عقلش نمایان شد. سپس فرمود: «ای سَدیر! از تو، نه درباره‌ی خوراک لذیذ سؤال خواهد شد و نه درباره‌ی جامه‌ی نرم و نه درباره‌ی بوی خوش، بلکه اینها برای ما آفریده شده و ما برای استفاده از آنها خلق شده‌ایم و ما باید در آنها به طاعت خدا عمل کنیم»

عرض کردم: پدر و مادرم فدایت ای پسر پیامبر خدا! پس آن نعمت کدام است؟ فرمود: دوستی علی و عترت او. در روز قیامت خداوند می‌پرسد: «در برابر نعمت دوستی علی و عترت او که آن را به شما عطا کردم، چگونه شکر مرا به جا آوردید؟»

محبت به علی علیه السلام محک نسب فرزندان

۱- قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

وَاللَّهِ لَا يُحِبُّنَا مِنَ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ إِلَّا أَهْلَ الْبُيُوتَاتِ وَالشَّرَفِ وَالْمَعْدِنِ وَلَا يُبْغِضُنَا مِنْ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ إِلَّا كُلُّ دَنْسٍ مُلْصَقٍ ^(۱۰۸)

به خدا سوگند که از عرب و عجم ما را دوست ندارند، مگر کسانی که خانواده‌دار و شریف و اصیل هستند و از این رو، از اینان و آنان ما را دشمن ندارد مگر کسی که آلوده و بی‌نسب باشد.

۲- عُبَادَةُ بْنُ صَامِتٍ مِی‌گُوید: مَا فِرْزَنَدَانِ خُود رَا بَا مَحْکِ دُوسْتِی عَلِیِّ بِنِ ابِیطَلْبِ عَلِیْهِ السَّلَامِ مِی‌آزْمُودِیم. اِگَرِ یَکِی از آن‌ها را مِی‌دِیدِیم که عَلِیِّ بِنِ ابِیطَلْبِ عَلِیْهِ السَّلَامِ رَا دُوسْتِ نَدَارَد، مِی‌فَهِمِیدِیم که از نَطْفَه‌ی ما نِیست و حَرَامَزَادَه است. ^(۱۰۹)

پر نورترین افراد روز قیامت، محبین علی علیه السلام

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

أَكْثَرُكُمْ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَكْثَرُكُمْ حُبًّا لِأَلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ^(۱۱۰)
پر نورترین شما در روز قیامت، کسی است که آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را بیشتر دوست بدارد.

محبت به علی علیه السلام، موجب تحقق حکمت بر زبان

قال الصادق عليه السلام:

مَنْ أَحَبَّ أَهْلَ الْبَيْتِ وَحَقَّقَ حُبَّنَا فِي قَلْبِهِ جَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ عَلَى لِسَانِهِ وَجُدَّ الْإِيمَانُ فِي قَلْبِهِ.

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس ما اهل بیت را دوست بدارد و دوستی ما را در قلبش تحقق بخشد، چشمه‌های حکمت بر زبانش جاری گردد و ایمان در دلش نو شود. ^(۱۱۱)

دست بریدگی دشمن علی علیه السلام روز قیامت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

لَا يُبْغِضُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَحَدٌ إِلَّا بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَجْذَمًا ^(۱۱۲)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هیچ کس ما اهل بیت را دشمن ندارد، مگر اینکه خداوند در روز قیامت، او را دست بریده برانگیزد.

دشمن علی علیه السلام ملحق به جرگه‌ی یهود و نصاری

جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ أَبْغَضَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَهُودِيًّا قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ إِنْ صَامَ وَ صَلَّى فَقَالَ وَ إِنْ صَامَ وَ صَلَّى وَ زَعَمَ أَنَّهُ مُسْلِمٌ

جابر بن عبدالله از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: «ای مردم! هر که ما اهل بیت را دشمن بدارد، خداوند در روز قیامت او را یهودی محشور می‌کند.

عرض کردم: ای رسول خدا! هر چند روزه بگیرد و نماز بخواند؟ فرمود: «هر چند روزه بگیرد و نماز بخواند و خود را مسلمان بداند. ^(۱۱۳)

نابودی دشمنان علی علیه السلام

امام علی علیه السلام فرمودند: به خاطر من سه کس نابود می‌شوند و سه کس رستگار می‌گردند. لعنت کننده‌ی بر من، شنونده‌ای که بر آن صحه می‌گذارد و گناهکاری که بار گناه را به دوش می‌کشد (یعنی پادشاه خوشگذرانی که به واسطه‌ی ناسزاگویی به من، به وی نزدیکی می‌جویند و در نزد وی، از دین من بیزاری جسته، بزرگی تبار مرا خوار می‌شمارند. به درستی که ریشه‌ی من ریشه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و دین من همان دین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.

و سه کس به خاطر من رستگار می‌شوند: دوستدار پیرو، دشمنی آن که با من دشمن است و دوستدار آن که دوستدار من است، هر گاه بنده‌ای مرا دوست بدارد دوستدار مرا نیز دوست می‌دارد و با دشمن من دشمنی می‌کند و از من پیروی می‌کند.

هر کس بلید قلب خویش را بیازماید؛ زیرا خداوند در وجود یک نفر دو قلب قرار نداده تا با یک قلب دوست بدارد و با قلب دیگر دشمنی کند. هر کس قلبش را از مهر غیر ما سیراب کند، بر ضد ما تبانی کرده است پس بداند که خداوند عز و جل و جبرئیل و میکائیل دشمن اویند و خداوند دشمن کافران است. (۱۱۴)

نابینایی در روز قیامت

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به مهاجران و انصار فرمود: علی را به خاطر محبت من دوست بدارید و به خاطر گرامی داشتن من گرامی اش بدارید، به خدا سوگند، این را از پیش خود به شما نگفتم: بلکه خداوند والا مرا به گفتن این مطلب فرمان داده است. ای جماعت عرب! هر کس پس از من، علی علیه السلام را دشمن بدارد خداوند در روز قیامت، او را نابینا محسور می کند و او حجتی نخواهد داشت. (۱۱۵)

سیر کردن دشمن امیرالمومنین علیه السلام!؟

مُعَلّی بن خُنَیس گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «هر کس شکم یکی از دشمنان ما را سیر کند گویی که یکی از شیعیان ما را کشته باشد». (۱۱۶)

محروم شدن از باران به خاطر دشمنی با علی علیه السلام

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: همان طور که خداوند از فرو فرستادن باران بر قوم بنی اسرائیل به خاطر بدرفتاری شان با پیامبرانشان امتناع کرد، از فرو فرستادن باران بر این امت نیز به خاطر دشمنی شان با علی بن ابیطالب علیه السلام امتناع کرد. (۱۱۷)

دشمنی با علی علیه السلام دشمنی خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اوست

مجمع الزوائد به نقل از ابورافع نقل کرده است: پیامبر خدا علی علیه السلام را به یمن فرستاد. مردی از قبیله ی اسلم که به وی عمرو بن شاس اسلمی گفته می شد، همراه وی رفت. این مرد برگشت

در حالی که از علی علیه السلام بدگویی و شِکوه می کرد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به دنبال وی فرستاد و آنگاه به وی فرمود: دور شو، ای عَمْرُو! آیا از علی ستمی در داوری دیدی، یا دیدی که او خود را در تقسیم بیت‌المال بر دیگران ترجیح دهد؟

گفت: به خدا خیر! فرمود: «پس برای چه این چیزهایی را که به من خبر داده‌اند، می‌گویی؟» گفت: نمی‌توانم از دشمنی با او خودداری کنم.

پیامبر خدا چنان خشمناک شد که خشم از چهره‌اش هویدا بود. آنگاه فرمود: کسی که او را دشمن بدارد مرا دشمن داشته است و کسی که مرا دشمن بدارد خداوند را دشمن داشته است و دوستدار او دوستدار من است و دوستدار من دوستدار خداوند عز و جل است. ^(۱۱۸)

جایگاه اعراف مخصوص علی علیه السلام و شیعیانش

علی بن ابراهیم در تفسیر سوره‌ی اعراف ذیل آیه‌ی «وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ» می‌گوید که: روایت کرد پدرم از حسن بن محبوب و از ابی ایوب و او از «بُرَید» و وی از امام هشتم ابا عبدالله علیه السلام که فرمودند:

اعراف جایگاه بلند و زیبایی بین بهشت و دوزخ است و منظور از «رِجَالٌ» (مردان) علی علیه السلام و فرزندان او هستند که در کنار شیعیان خود در اعراف می‌ایستند در حالی که مؤمنان بدون حساب در بهشت بسر می‌برند ائمه‌ی اطهار علیهم السلام به شیعیان خود که مرتکب گناهی شده‌اند می‌فرمایند به برادران خود نگاه کنید که بدون حساب به بهشت رفته‌اند و به دشمنانتان در دوزخ نظر بیفکنید و این است مفهوم فرموده خداوند در قرآن آنجا که می‌فرماید: اعرافیان بر بهشتیان سلام می‌کنند در حالی که داخل بهشت نشده‌اند ولی امیدوارند و توقع دارند که وارد آن شوند. ^(۱۱۹)

محافل و مجالس به واسطه‌ی حب علی علیه السلام زینت داده

می‌شود

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:
«عَلِيٌّ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ عَلِيٍّ مَنْ تَوَلَّى عَلِيًّا فَقَدْ تَوَلَّانِي حُبُّهُ نِعْمَةٌ وَ اتِّبَاعُهُ فَضِيلَةٌ لَمْ
يَمْشِ عَلِيٌّ وَجْهَ الْأَرْضِ مَا شِئَ أَكْرَمَ مِنْهُ بَعْدِي، أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ رِذَاءَ الْفَضْلِ وَ الْفَهْمِ وَ
زَيْنَ بِهِ الْمَحَافِلِ وَ أَكْرَمَ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ وَ نَصَرَ بِهِ الْعَسَاكِرَ وَ أَعَزَّهُ بِهِ الدِّينَ وَ أَخَصَبَ بِهِ
الْبِلَادَ وَ أَعَزَّهُ بِهِ الْأَخْيَارَ» (١٢٠)

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

علی از من است و من از علی، هر کس علی را یاری کند مرا یاری کرده و
حب علی نعمت بزرگی است و تبعیت و پیروی او فضیلت. بر زمین راه نرفت
کسی جزء علی که بعد از من با کرامت‌ترین افراد باشد. و خداوند بر او لباس
فضل و فهم و ادراک را نازل کرد و به واسطه‌ی علی علیه السلام مجالس و
محافل را زینت بخشید و دین را به واسطه‌ی او عزیز کرده و شهرها را به
واسطه‌ی او سرسبز و خرم کرده و خوبان به واسطه‌ی او عزت یافتند.

منابع و مأخذ:

- ۱) اليقين، سيد بن طاووس، منشورات، موسسه‌ی دار الکتب، قم.
- ۲) فضائل الخمسه، حسینی فیروز آبادی، سيد مرتضی، منشورات دارالکتب اسلامیه، تهران.
- ۳) الغدير علامه امینی، منشورات امام امیرالمومنین علیه السلام، تهران.
- ۴) الصواعق المحرقة، احمد بن حجر هيثمی.
- ۵) بشاره المصطفى صلى الله عليه و آله و سلم شيخ ابوجعفر، محمد بن علي طبري، مكتبه حيدرپه، نجف
- ۶) اثبات الهدايه، مرحوم شيخ حر عاملی، منشورات مطبعه علميه، قم.
- ۷) احقاق، سيد نورالله حسینی مرعشی، کتابخانه‌ی آقای مرعشی، قم.
- ۸) الارشاد، شيخ مفيد، قم، نشر بصيرتی.
- ۹) فصول المهمه في معرفه الائمه، نورالدين ابن صباغ مالکی، چاپ ايران.
- ۱۰) علی یا علی، مهدي فقيه ايمانی، چاپخانه امير.
- ۱۱) القطره، سيد احمد مستنيط، نشر حاذق.
- ۱۲) امام اميرالمومنين از دیدگاه خلفاء، مهدي فقيه ايمانی، نشر عطر عترت.
- ۱۳) حديقه الشيعه، شيخ مقدس اردبیلی.
- ۱۴) اهل بيت، عرشيان فرش نشين، حسين انصاريان.
- ۱۵) علی قائد الغر المحجلين، سيد فخرالدين موسوی، نشر بهار ۱۳۸۱ ش.
- ۱۶) روضه کافی، محمد بن يعقوب کلینی، نشر موعود السلام.
- ۱۷) أمالی الشيخ الطوسي، نشر دار الثقافه، قم ۱۴۱۴ هـ.
- ۱۸) كنز العمال، تقی هندی، الرساله، بيروت.
- ۱۹) ينابيع الموده، قندوزی، منشورات دارالکتب العراقيه.
- ۲۰) المناقب، ابن مغزلی، مكتبه اسلاميه، تهران.
- ۲۱) فرائد السمطين، حموينی، نشر محمودی، بيروت.
- ۲۲) محاسن، احمد بن محمد برقی، منشورات مطبعه حيدرپه.

- ۲۳) مائه منقبه: شیخ محمد بن احمد قمی معروف به ابن شاذان، موسسه الامام المهدي عليه السلام، قم.
- ۲۴) مدینه المعاجز، سید هاشم بحرانی، موسسه‌ی معارف اسلامی، قم.
- ۲۵) مروج الذهب، ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، منشورات دارالهجره، قم.
- ۲۶) مشارق أنوار یقین، حافظ رَجَب بُرْسِي منشورات، موسسه‌ی اعلمی، بیروت.
- ۲۷) المناقب، علامه الموفق بن احمد خوارزمی، نشر جامعه المدرسین، قم، چاپ دوم ۱۴۱۱ ه.ق.
- ۲۸) المناقب المرتضویه، میر محمد صالح کشفی صنفی.
- ۲۹) دوائر العُقْبَى، محب الدین طبری، چاپ مصر، المكتبه المقدس.
- ۳۰) کنوز الحقایق، علامه المنادی، چاپ بولاق.
- ۳۱) مناقب آل ابیطالب علیهم السلام: ابن شهر آشوب، نشر موسسه انتشارات علامه، قم.
- ۳۲) مُسند احمد، احمد بن حنبل، نشر دار صادر، بیروت.
- ۳۳) بصائر الدرجات الکبری، محمد بن الحسن بن فروح الصفار، موسسه الاعلمی، طهران، ۱۴۰۴ ه.ق.
- ۳۴) صحیح بخاری، محمد بن اسماعیل البخاری، نشر دارالفکر، بیروت ۱۴۰۱ ه.
- ۳۵) صحیح مسلم، مسلم بن الحجاج النیشابوری، نشر دارالفکر، بیروت.
- ۳۶) عَلِي عَلَيْهِ السَّلَامِ اِمَامُنَا، محمد الرَضَى الرَضَوَى، بی تا.
- ۳۷) نَهْجُ الْاِيْمَانِ، زین الدین علی بن یوسف بن جبر، تحقیق سید احمد حسینی، نشر امام هادی، مشهد.
- ۳۸) اهل بیت در قرآن و حدیث، محمدی ری شهری، نشر دارالحدیث.
- ۳۹) الفصول العلیه فی مناقب امیرالمومنین علیه السلام شیخ عباس قمی، نشر موسسه در راه حق، قم.
- ۴۰) علی العالی، الشیخ مجتبی العراقی نشر السماحه المولف.
- ۴۱) فروغ هدایت، سید علی بهبهانی، ترجمه علی دوانی، چاپ علمی قم.
- ۴۲) رساله الاربعین فی احوال النُّصَابِ و المخالفین، امیر فیض الله تفرشی، ترجمه سید ابوالفضائل مجتهدی، نشر مفید.
- ۴۳) معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، علی رضا زکی زاده، نشر جام جوان.
- ۴۴) حلیم، الابرار فی احوال محمد و آله الاطهار موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ه.ق.
- ۴۵) مقام الامام امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه السلام الطبعة الرابعه، النجف.
- ۴۶) تاریخ بغداد، للحطیب البغدادی، دارالکتب العلمیه، بیروت.
- ۴۷) طبقات الکبری، ابن سعد، دار بیروت.
- ۴۸) علی علیه السلام در کتب اهل تسنن، سید محمد باقر موسوی همدانی، تنظیم احمد رضا کشوری، نشر پورشاد، تهران.
- ۴۹) اربعین فی حب امیرالمومنین علیه السلام، ابومعاش، نشر انورالهدی.

- (۱) - فضائل الخمسه من الصحاح الستة، ج ۱، ص ۱۶۷.
- (۲) - مستدرک الصحيحین، ج ۳، ص ۱۰۷.
- (۳) - الصواعق المحرقة ص ۷۶، نورالابصار ص ۷۳.
- (۴) - كشف الغمه، اربلی ج ۱، ص ۱۱۱، استرآبادی در تأویل الآيات، ج ۲، ص ۸۸۸.
- (۵) - رك، بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۱۰.
- (۶) - بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۲.
- (۷) - مناقب مرتضوی، ص ۱۷۲.
- (۸) - مناقب مرتضوی، باب سیم، ص ۱۷۰.
- (۹) - ارشاد القلوب إلى الصواب، ج ۲، ص ۲۱۲.
- (۱۰) - ارشاد القلوب إلى الصواب، ج ۲، ص ۲۳۴.
- (۱۱) - همان، ص ۲۳۷.
- (۱۲) - مدینه المعجز، ص ۱۵۲.
- (۱۳) - مدینه المعجز، ص ۱۵۱.
- (۱۴) - بحارالأنوار، ج ۲۴، ص ۱۹۸، ح ۲۵. التوحيد: ص ۱۶۴ ح ۱.
- (۱۵) - مشارق الأنوار، ص ۲۱۸.
- (۱۶) - ترجمه القطره ج ۲ ص ۳۳۸، به نقل از اربعین ابن ابی الفوارس: ج ۳۲ مخطوط.
- (۱۷) - امالی صدوق، ص ۵۷ ح ۷ مجلس ۲، بحارالأنوار ج ۳۹ ص ۳۷، ح ۷ - انوار النعمانیة، ج ۱، ص ۲۴.
- (۱۸) - عیون اخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۲۶ - بحارالأنوار ج ۳۹ ص ۱۲۰، المناقب ج ۲ ص ۲۲۹.
- (۱۹) - مناقب مرتضوی، ص ۱۶۰.
- (۲۰) - بشاره المصطفی ص ۵۳، امالی شیخ طوسی ح ۴۱ ص ۲۰۱، بحارالأنوار ج ۴۷ ص ۳۱۵ ح ۶.
- (۲۱) - كشف اليقين في فضائل اميرالمومنين عليه السلام، ص ۶. (فضائلی است که در تورات درباره‌ی آن حضرت بیان شده است)
- (۲۲) - مناقب خوارزمی، فصل نوزدهم، ص ۲۲۱، فرائد السمطين حموی، ج ۱ ص ۸۱ شماره ۵۲ - شواهد التنزیل ج ۲ ص ۱۵۶.
- (۲۳) - مناقب خوارزمی فصل چهاردهم ص ۹۰ - احقاق الحق ج ۴ ص ۸۹.
- (۲۴) - مناقب الامام علی بن ابیطالب علیه السلام، ابن مغزلی شافعی، ص ۹۴، نشر دارالأضواء.
- (۲۵) - الفصول العلیه، شیخ عباس قمی، ص ۴۶.

- (۲۶) - المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ف ص ۱۲۳، فرائد السمطین ج ۱ ص ۲۹۹ ح ۸ و تاریخ دمشق ج ۲ ص ۲۶۸ و ...
- (۲۷) - تاریخ دمشق ج ۲ ص ۴۰۶ ح ۹۱۲ و مناقب ابن مغالزی ص ۱۰۷ ح ۱۴۹.
- (۲۸) - أسدالغابه ج ۴ ص ۳۱.
- (۲۹) - ینابیع الموده، ص ۲۲۹ - أرجح المطلب، عبدالله حنفی امام شناسی - علامه طهرانی ص ۷۲.
- (۳۰) - امام امیرالمومنین علی از دیدگاه خلفا، مهدی فقیه ایمانی ص ۴۸.
- (۳۱) - امام امیرالمومنین از دیدگاه خلفا، مهدی فقیه ایمانی ص ۱۴۶ به نقل از صواعق المحرقة ص ۱۰۶.
- (۳۲) - امام شناسی، علامه طهرانی، ج ۴، ص ۷۳، به نقل از مناقب ابن شهر آشوب ج ۱ ص ۴۸۱.
- (۳۳) - داستان عارفان، کاظم مقدم ص ۵۱.
- (۳۴) - مشارق الأنوار، ص ۱۷.
- (۳۵) - از اینجا ظاهراً کلام رَجَب بُرْسِی صاحب کتاب مشارق الانوار است.
- (۳۶) - ترجمه القطره، ج ۱ ص ۲۴۸ به نقل از مشارق الانوار ص ۱۵۱، الدمعة الساکبة ج ۲ ص ۵۶.
- (۳۷) - غایه المرام، ۷ ح ۱۲، المستدرک ۷۱/۲ کنز الفوائد: ۲۰۸ - بحار الانوار ج ۲۷ ص ۲۳۰.
- (۳۸) - علی یا علی، مهدی فقیه ایمانی ص ۳۳.
- (۳۹) - امام شناسی ج ۴، علامه سید محمد حسین حسینی طهرانی، مناقب ابن شهر آشوب ج ۱، ص ۴۴۸ و ۴۴۹.
- (۴۰) - القطره ج ۲ ص ۳۲۵، به نقل از المجموع الرائق ج ۲، ص ۳۲۰.
- (۴۱) - مناقب خوارزمی ۷۲ ح ۴۹، ینابیع الموده ص ۱۳۳، کشف الغمه ج ۱ ص ۱۰۳، بحار الأنوار ج ۳۸ ص ۳۳۵ ضمن ح ۱۰.
- (۴۲) - مائه منقبه، ص ۱۷۵ فضیلت ۸۸، بحار الأنوار ج ۲۶ ص ۳۴۹ ح ۲۲.
- (۴۳) - تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۴۵۲ ضمن ح ۲۹۷، بحار الأنوار ج ۹ ص ۲۸۶.
- (۴۴) - همان.
- (۴۵) - بحار الأنوار ج ۳۹ ص ۱۲۱، بیروت، نشر الوفاء.
- (۴۶) - یونس، آیه ۹۴.
- (۴۷) - بحار الأنوار ج ۳۶ ص ۹۴، نورالثقلین ج ۲ ص ۳۲ ح ۱۲۸.
- (۴۸) - علی و المناقب، عبدالعلی، گویا ص ۲۱۰ به نقل از ینابیع المعاجز و اصول للدلائل ص ۷۷.
- (۴۹) - المناقب، عبدالعلی گویا ص ۲۱۰ و ۲۱۱.

- (۵۰) - مناقب الامام علی بن ابیطالب علیه السلام ابن مغازلی، ترجمه سید محمد جواد،
مرعشی نجفی ص ۱۳۰.
- (۵۱) - بحار الانوار، ج ۸ ص ۲۶، تأویل الآیات الظاهره ص ۸۲۱ ح ۳.
- (۵۲) - بحار الأنوار ج ۳۹ ص ۱۳۶ ح ۳.
- (۵۳) - بحار الانوار، ج ۲۷ ص ۱۱۵ ح ۹۰ - غایه المرام ۵۸۳ ح ۴۷.
- (۵۴) - بحار ج ۸ ص ۱۵۰.
- (۵۵) - معراج پیامبر (، علیرضا زکی زاده به نقل از عقائد الاسلامیه ص ۱۲۹ - اصول کافی
ج ۱ ص ۲۳۶.
- (۵۶) - بحار ج ۳۶ ص ۱۴۶.
- (۵۷) - مائه منقبه، ابن شاذان ص ۳۳، فضلیت دوازدهم، بحار الانوار ج ۲۷ ص ۲۲۷ ح ۲۹.
- (۵۸) - مائه منقبه، ابن شاذان ص ۹۲ به نقل از غایه المرام ص ۲۰۷ ح ۱۱.
- (۵۹) - مدینه المعاجز، ج ۹۶ ح ۲۴۵، مناقب علی بن ابیطالب، ابن مغازلی ص ۹۴ و ۹۵.
- (۶۰) - مدینه المعاجز ص ۲۰۷.
- (۶۱) - همان ص ۷۸.
- (۶۲) - امام امیرالمومنین علیه السلام، مهدی فقیه ایمانی ص ۴۰ به نقل از مناقب علی ص
ج ۱۵ ح ۱.
- (۶۳) - مناقب مرتضوی، ص ۲۰۳.
- (۶۴) - خصائص امیرالمؤمنین، احمد بن شعیب نسائی، نشر بوستان کتاب ص ۱۵۶.
- (۶۵) - خصائص امیرالمؤمنین، احمد بن شعیب نسائی ص ۱۶۰.
- (۶۶) - علی قائد الغرّ المحجلین ص ۱۱۷، به نقل از ترجمه ینابیع الموده ج ۲ ص ۴۰.
- (۶۷) - الأربعین فی حبّ امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ص ۳۱.
- (۶۸) - کنز العمال ج ۶ ص ۱۵۶.
- (۶۹) - فضائل الخمسه من الصحاح الستة ج ۳ ص ۱۱۵، سید مرتضی فیروزآبادی.
- (۷۰) - شواهد التنزیل ج ۱ ص ۳۹۳، احقاق الحق ج ۲۰ ص ۳۸۴ و ج ۲۲ ص ۳۴۳.
- (۷۱) - کتاب علی قائد الغرّ المحجلین ص ۱۱۶ به نقل از: فیض الغدیر ج ۲ ص ۲۳۳،
مناقب ابن مغازلی ص ۴۹.
- (۷۲) - کتاب علی قَلْدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ ص ۱۱۶ به نقل از: حدیث ۷۲ از کتاب مناقب ابن
مغازلی ص ۷۲.
- (۷۳) - کفایه الطالب ص ۲۹۶.
- (۷۴) - علی قَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ ص ۱۰۹.
- (۷۵) - ترجمه ینابیع الموده ج ۲ ص ۳۸.
- (۷۶) - ذخائرالعقبی ص ۲۰.
- (۷۷) - ترجمه ینابیع الموده ج ۲ ص ۳۸.
- (۷۸) - علی پیشوای روسفیدان ص ۱۰۸.

- (۷۹) - مناقب ابن مغزلی ص ۲۴۵.
- (۸۰) - اسدالغابه ج ۵ ص ۲۸۷.
- (۸۱) - فضائل ابن شاذان ص ۱۴۱، بحار الأنوار ج ۴۰ ص ۴۶.
- (۸۲) - مشارق الأنوار فی فضائل امیرالمؤمنین ص ۵۵.
- (۸۳) - همان ص ۱۸۷ ح ۱۰۳.
- (۸۴) - انساب النواصب ص ۲۴ به نقل از بحار الانوار ج ۲ ص ۷۴.
- (۸۵) - فجر: ۴۷.
- (۸۶) - دو بال برای پرواز ص ۳۲، سید ابومحمد به نقل از گلگشت نور، چهارصد حدیث از روضه‌ی کافی ص ۳۶۸ ح ۱۷۹.
- (۸۷) - انساب النواصب ص ۲۸ به نقل از بحار ج ۶۸ ص ۲۸.
- (۸۸) - دو بال برای پرواز ص ۳۶، به نقل از امالی شیخ مفید ص ۱۹۳ ح ۵.
- (۸۹) - اسرار آل محمد (، ص ۵۱۶.
- (۹۰) - الحکم الزاهره، ترجمه انصاری ص ۱۸۰.
- (۹۱) - همان.
- (۹۲) - همان.
- (۹۳) - مراه الأبرار ص ۶۲، ترجمه احمدرضا آقاداتی.
- (۹۴) - اختصاص للمفید ص ۱۱۱.
- (۹۵) - وسائل الشیعه: ۳۴۶/۲۴.
- (۹۶) - بحار الأنوار ج ۶۸ ص ۹۰.
- (۹۷) - بصائر الدرجات ص ۱۷.
- (۹۸) - همان ص ۱۴.
- (۹۹) - بحار الانوار ج ۶۸ ص ۱۴۲.
- (۱۰۰) - مرآة الابرار ص ۱۲۸ ترجمه احمدرضا آقاداتی.
- (۱۰۱) - مرآة الابرار ص ۲۱۶.
- (۱۰۲) - فضائل الشیعه ص ۱۱.
- (۱۰۳) - فضائل الشیعه ص ۱۲.
- (۱۰۴) - همان: ص ۱۵.
- (۱۰۵) - الاربعین فی حبّ امیرالمؤمنین ج ۱ ص ۶۱.
- (۱۰۶) - الاربعین ص ۷۱ به نقل از القطره ج ۲ ص ۲۳.
- (۱۰۷) - أمالی طوسی: ۵۸۳ / ۱۲۰۷.
- (۱۰۸) - اهل بیت (در قرآن و حدیث، ص ۶۱۲.
- (۱۰۹) - همان.
- (۱۱۰) - اهل بیت (در قرآن و حدیث، محمدی ری شهری ج ۲ ص ۶۵۴.
- (۱۱۱) - همان ص ۶۵۳ به نقل از المحاسن: ۱/۱۳۴.

- (۱۱۲) - ثواب الاعمال: ۲/۲۴۳، المحاسن: ۱/۱۷۴.
- (۱۱۳) - امالی صدوق ۲/۲۷۳.
- (۱۱۴) - دانشنامه امیرالمومنین علیه السلام، ری شهری، به نقل از الغارات ۲/۵۸۹، تفسیر فرات: ۶۱/۲۴.
- (۱۱۵) - همان، حدیث ۶۱۱۷۸ به نقل از شواهد التنزیل ۱/۴۹۵/۵۲۳.
- (۱۱۶) - دو بال برای پرواز ص ۳۷ ابومحمد به نقل از معانی الاخبار باب ۴۰۸.
- (۱۱۷) - تاریخ دمشق ۴۲/۲۸۲/۸۸۱۳.
- (۱۱۸) - دانشنامه امیرالمومنین علیه السلام به نقل از مجمع الزوائد ۹/۱۷۴/۱۴۷۳۷.
- (۱۱۹) - رساله الأربعین فی احوال النُّصَاب و المخالفین امیر فیض الله تفرشی، ص ۱۸۷.
- (۱۲۰) - الاربعین فی حب امیرالمومنین علیه السلام ج ۱ ص ۳۰، ابومعاش نشر، انوار الهدی.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۲
فضائل و مناقب مخصوص علی علیه السلام.....	۲
اسرار عجیب در زمان ولادت علی علیه السلام.....	۴
زلزله‌ی شدید هنگام ولادت علی علیه السلام و بر طرف شدن آن با اقرار به ولایت علی علیه السلام.....	۵
اتفاق عجیب در غسل دادن علی علیه السلام هنگام تولدش.....	۷
اولین چیزی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام میل کردند، آب دهان با برکت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بود.....	۸
علاقه‌ی مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام هنگام تولد علی علیه السلام.....	۱۰
خدای متعال نزد فرشتگان به علی علیه السلام افتخار می‌کند.....	۱۲
امر ملاً اعلی بر عهده‌ی علی علیه السلام است.....	۱۴
هیچکس از آفریدگان با او مقایسه نشود.....	۱۵
حضرت علی علیه السلام در آسمان هفتم همچون خورشید برای اهل آنجا می‌درخشد.....	۱۶
سلام خداوند متعال بر علی علیه السلام.....	۱۷
هدیه‌ی خداوند متعال به علی علیه السلام.....	۱۷
سه هزار منقبت در یک شب.....	۱۷
قبل از خلقت آسمان و زمین، درب بهشت آشنا با نام علی علیه السلام بود.....	۱۹
جدایی از علی، جدایی از رسول.....	۲۳
نزول ستاره، داله بر وصایت در خانه‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام.....	۲۳
دست علی علیه السلام با دست پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مساوی در عدل.....	۲۵
به شرافت رسیدن توسط علی علیه السلام.....	۲۵
پیراهن نبوت بر تن علی علیه السلام.....	۲۸
علی علیه السلام فرمود: تو کیستی؟.....	۳۰
اسرار معراج علی علیه السلام.....	۳۰

۳۳	علی ملیءُ الایمان
		قسمتی از زمین که ولایت علی را پذیرفت پاکیزه و زیبا و آنکه سرپیچی کرد،
۳۶	نمک زار شد
۳۶	اولین کسی که در آسمان علی علیه السلام را برادر گرفت
۴۱	عروج علی علیه السلام به آسمان برای حکم بین ملائکه
۴۳	عائب بر امیرالمومنین علیه السلام مشرک به خداست
۴۴	خدایا تا چهره‌ی علی علیه السلام را به من نشان نداده‌ای مرا نمیران
۴۵	حدیث کوثر
۴۵	حدیث اصحاب کهف و علی علیه السلام
۴۷	حدیث مصافحه علی علیه السلام
۴۷	شوق درخت طوبی به حضرت علی علیه السلام
۴۸	علی علیه السلام وارث پیراهن شب معراج
۴۸	شوق درخت سدره المنتهی به علی علیه السلام
۴۸	وسعت قلب علی علیه السلام
۴۹	هر کس ولایت علی علیه السلام را داشته باشد به کمال می‌رسد
۵۰	حدیث السّطل
۵۲	حک شدن نام علی علیه السلام روی عقیق
۵۳	عقد اخوت پیامبر فقط با علی علیه السلام
۵۳	حدیث نخله صیحانی
۵۴	حدیث جام آسمانی
۵۶	وسایل خاصّه رسول الله فقط به علی علیه السلام سپرده شد
۵۸	تنها علی علیه السلام بر شانه‌ی پیامبر بالا رفت
۵۸	علی علیه السلام احساس ناراحتی از سرما و گرما نمی‌کند
۵۹	حدیث صاحب النعل
۵۹	حدیث سابقین
۶۰	حدیث لیله الخطاب حضرت موسی علیه السلام
۶۱	علی علیه السلام میان دو خلیل
۶۲	علی علیه السلام منار الأنام
۶۳	حدیث صُلب حدیث اول
۶۳	حدیث دوم

- ۶۳ حدیث اختیار
- ۶۴ حدیث شباهت حدیث اول
- ۶۴ حدیث دوم
- ۶۵ حدیث هُجوم
- ۶۶ حدیث استرشاد
- ۶۷ دوستی حضرت علی علیه السلام برترین اعمال است
- ۶۸ جان کندن او به راحتی صورت می‌گیرد
- ۶۹ خوشا به حال شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۶۹ ما زیارت شیعیان را دوست می‌داریم
- ۷۰ اجر و ثواب شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام در تحمل سختی‌ها
- ۷۰ دوستی علی علیه السلام در قلب محبین ثابت‌تر از کوه احد
- ۷۰ با دوستی علی علیه السلام، دوزخ خلق نمی‌شد
- ۷۱ فقط پرهیزگاران بر دوستی علی علیه السلام ثابتند
- ۷۱ نوشته‌ای در زیر عرش مخصوص شیعیان علی علیه السلام
- ۷۲ دوستان علی علیه السلام به اصل و ریشه چنگ زدند
- ۷۴ محبین علی علیه السلام اهل تحیت الله
- ۷۵ سبیل الله، شیعه است
- ۷۵ کیفیت خانه‌های بهشتی شیعیان
- ۷۶ محب علی علیه السلام بر ملت ابراهیم علیه السلام است
- ۷۶ منادی در عرصه‌ی قیامت، ندای اَیْنَ الْمُحِبِّوْنَ سر می‌دهد
- ۷۷ حدیث ابوذر رضی الله عنه
- ۷۷ افضل عبادتها حبّ علی علیه السلام است
- ۷۸ دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام شرط توحید
- ۷۸ اولین سوال قیامت درباره‌ی محبت به علی علیه السلام است
- ۸۰ محبت به علی علیه السلام مَحک نَسَب فرزندان
- ۸۰ محبت به علی علیه السلام، موجب تحقق حکمت بر زبان
- ۸۱ دست بریدگی دشمن علی علیه السلام روز قیامت
- ۸۱ دشمن علی علیه السلام ملحق به جرگه‌ی یهود و نصاری
- ۸۱ نابودی دشمنان علی علیه السلام
- ۸۳ نابینایی در روز قیامت

- سیر کردن دشمن امیرالمومنین علیه السلام؟!..... ۸۳
- محروم شدن از باران به خاطر دشمنی با علی علیه السلام..... ۸۳
- جایگاه اعراف مخصوص علی علیه السلام و شیعیانش..... ۸۴
- محافل و مجالس به واسطه‌ی حب علی علیه السلام زینت داده می‌شود..... ۸۴
- فهرست مطالب..... ۹۳